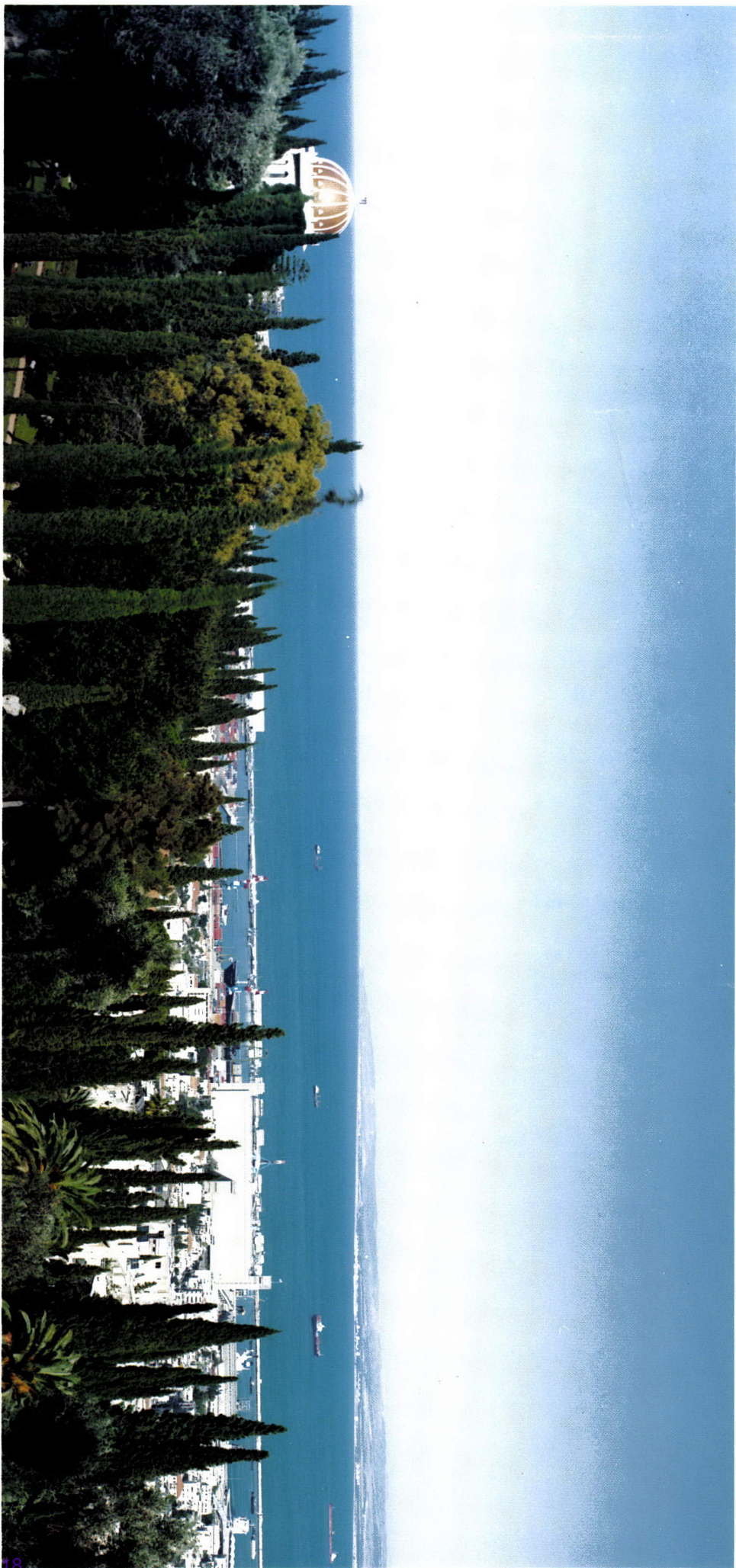


# عذلیپ





# عندليب

نشریه مجل روحانی ملی بھائیوں کانادا  
بربان فارسی

شماره ۴۶ «سلسل»

No. 46

سال دوازدهم

Volume 12

بهار ۱۵۰۰ بیع

Spring 1993

۱۲۷۲ شمسی ۱۹۹۳ میلادی

‘Andalib

7200 Leslie Street. Toronto, ON, Canada, L3T 6L8

«حق چاپ محفوظ است»

## فهرست مندرجات

صفحه

۱ - الواح و آثار مبارکه : جمال قدم جل جلاله	۲	( مآخذ دارالانشاء جلیله معهد اعلی )
۲ - لوح مبارك حضرت عبدالبهاء	۵	
۳ - ترجمه پیامهای معهد اعلی	۶	
۴ - تجدید نشر پیام ۲۶ نوامبر ۹۲	۱۸	
۵ - سخن روز	۲۵	
۶ - دلبر میثاق	۲۸	
۷ - کسب فضائل عالم انسانیت	۴۰	
۸ - دُرّ منتظم	۴۳	
۹ - تاریخ زرین شهادت	۵۱	
شهید مجید جناب ستار خوشخو		
۱۰ - شعر ناگفته	۵۴	
۱۱ - نامه تاریخی با مقدمه	۵۵	
۱۲ - شعر ( میثاق حق ) و ( جلوه سال مقدس )	۵۸	
۱۳ - پاسخ - نامه چهاردهم	۶۰	
۱۴ - فضل این ظهور اعظم	۶۶	
۱۵ - شرح حال فرهاد قدرت	۷۲	
۱۶ - اطلاعاتی در باره دانشگاه نور	۷۴	
۱۷ - قسمت جوانان الف - لنو قایقران	۷۵	
ب - یادی از يك مهاجره فداکار		
ج - شعر ( جلوه گر راز )		
۱۸ - اخبار و بشارات امریه	۸۲	
۱۹ - اخبار مصور	۸۹	

عکسها: روی جلد خارج و داخل از عکاس هنرمند آقای Charles Bancroft

پشت جلد شرکت کنندگان کانونشن بین المللی ۱۵۰ بدیع در ارض اقدس (

داخل قطعه هنری از آقای برهان زهرانی

جناب میرزا حسن

بنام دانشدہ گمانہ

در جمیع الواج عبادتہ را با خلاق مرضیہ و اعمال پسندیدہ وصیت نمودم و قلمم  
متابعاً مترادفاً دوستان الہی را متذکر نمودہ مع ذلک بعضی بہوای خود مشغول و از آنچہ  
الیوم محبوب است محروم ، از حق بطلبید جمیع را بقدرت کاملہ و حکمت بالغہ متحد فرمائید  
تا کل بیک لسان ذکر باشند و بیک صولجان انعام متفرقہ را جمع نمود حفظ نمایند  
بگو از بیانات خود بگذرید و بیانات مشرقہ از افق ارادہ آہیہ ناطق شوید ، چہ کہ اوست  
را سخ و جاذب ہادی و مہدی و آنچه از معین قلم الہی جاری میشود مقصود حفظ عالم  
و بلوغ بمقام اعظم است انہ لہو الشاہد اعلم بغیاک بما آمنت باللہ و اعترفت  
بما اعترف بہ المسجون فیہذا المقام المسیع انہ ذکرک فضلاً من عنده لشکر و تقول  
الحمد للہ رب العالمین .

جنب میرزا محمد ابن محمد ضعیف اللہ علیہما رحمۃ اللہ

بنام خداوند دانا

اسم و فاراح حق جل جلالہ دوست داشته و دارد و لازال بنیر این اسم کہ از افق سماء  
فضل مشرق است ناظر، لہذا در ساحت مظلوم مذکور بودہ و ہستید و از حق می طلبیم ترا  
تائید فرماید بر استقامت بر امرش اگرچہ این ایام عباد غافل مبتاہ سبحاب و غمام  
نور امر را ستر نمودہ اند و لکن عنقریب اصبع ارادہ حجاب اُشَق نماید و نور عالم را احاطہ کند  
ابن مریم در صحاری و براری محل میجست لہیظ نفسہ فیہ و حال ملوک عالم باشمس تمکد  
و بذیل عنایتش متشبث، از حوادث ایام محزون مباش من کان لہ کان اللہ  
اینست آن کلمہ فی کہ دیباج کتاب توکل بان ترنمین یافت طوبی للعارفین طوبی

للعارفين البهاء من الله على الدين و فوا بميثاقه و عهده

و عملوا بما امر و اياه في كتابه المبين الامر و الحكم

و الجود و العطاء لما كنت لا سماء و فاطر السماء

الذي اتى بسبط ان مبین

بواسطہ میس ترو  
امہ تہ مس مارتی

ہو تہ

ای کینر خد نامہ ات رسید دلیل برآن بود کہ توجہ بکلمہ تہ کردی و توسل بحضرت  
کبری نمودی مومن منسوبی و بیدار دانائی و ہوشیار بدانکہ حقیقت کلمہ تہ را  
جر نفس کلمہ ادراک نماید زیر حقیقت کلمہ مقدس از ادراک مادی است و سائر نفس  
طل کلمہ ہستند ہر مادی ادراک مافوق نکند مثل حجر و شجر ہرچہ ترقی نماید ادراک  
حقیقت حیوان نماید و حیوان ہرچہ ترقی نماید حقیقت انسان ادراک نکند پس انسان  
ہرچہ ترقی کند بحقیقت کلمہ تہ پی برد نہایت درجہ آست ادراک فیوضات و تجلیات  
کلمہ تہ کند اما مقام توانش تہ از نباتات ملکوتی و از فیض لاہوت بفضل حضرت  
معبود نصیب گیری و اما مقام من عبودیت جمال ابھی است این عبودیت ابھی  
مقامی تبدیل نمایم و علیک البجاء الابھی ع

## ترجمه پیام بیت العدل اعظم الهی

خطاب به بهائیان عالم

رضوان سال ۱۵۰ بدیع

دوستان عزیز و محبوب :

سال مقدّس را با ضیاء نقصان ناپذیر برکات شگفت انگیز آن پشت سر نهاده ایم و با تأیید الهی و روحی تازه و نیروی جدید برای انجام وظائف مقدّس خود به آستانه سلطان اعیاد رسیده ایم . چه که سال مقدّس دوره ای بود که در خلال آن فروغ فضل جمال اقدس ابهی بر جامعه جهانی حضرتش با چنان جلوه‌ای درخشید که تابش آن مساعی پیروانش را برای بزرگداشت در واقعه پر اهمیت سده صعود جمال ابهی و صدمین سال آغاز و اعلان عهد و پیمانش با موفقیتی حیرت انگیز برکت بخشید . سال مقدّس سالی برای یادبود و تأمل بود و باعث شد که اسم اعظم جمال قدم اعلان عمومی شود و رتّه اش در سراسر جهان به نحوی بی سابقه طنین اندازد . اما آنچه آشکارا رویدادی ظاهری و صوری بود . انعکاسی از دستیابی باطنی و درونی به درک عمیق تر رابطه اهل بهاء با حضرت بهاء الله در بر داشته درکی که پیش از این حاصل نشده بود . آگاهی و بصیرت بیشتر اهل بهاء نسبت به جامعیت و جهانی بودن جامعه بهائی که تجلّی اولین و مهمترین تعلیم امر مبارک است تأثیر جدید و شدیدی بر دل و جانمان نهاده است . اثرات این آگاهی در مراسم یادبودی که در ماه می سال گذشته در اعتاب مقدّسه برگزار شد و نیز به نحوی گسترده تر در کنگره جهانی که در نوامبر سال گذشته انعقاد یافت ، آشکارا به چشم می خورد و گویی در این دوران بحرانی ما را اطمینان میدهد که عالم انسانی خواه ناخواه به سوی وحدت و صلح ، سرنوشتی که هنوز از دسترس او دور است ، گام بر میدارد . به راستی در خلال سال مقدّس بر بال روح به اوج قلّه ای فرا رفتیم و از فراز آن شکوه وعده ازلی الهی را به چشم دیدیم ، وعده ای که تحققش سریعاً نزدیک میشود و بنابر آن روزی همه نوع بشر متحد خواهد شد .

جزئیات هیجان انگیز رویدادهائی که در طی سال مقدّس رخ نمود بیش از آن است که در این مختصر بیان شود ، زیر اثرات نفثات روح القدس در همه جا محسوس بود و فعالیت های یاران را با نیروی اسرار آمیز برکت می بخشید . بنا بر این کافی است که فقط به یاد آوری مهمترین آن وقایع پردازیم . در ماه می سال گذشته جلسه صدمین سال صعود جمال قدم در ارض اقدس برگزار گردید . از نظر تعداد شرکت

کنندگان این عظیمترین جلسه ای بود که تاکنون در ارض اقدس انعقاد یافته است ، نمایندگان جمیع ملل روضه مبارکه حضرت بهاء الله را طواف نمودند ، اکثریت فارسان امر حضرت بهاء الله که در قید حیات بودند در مراسم نصب « لوحه افتخار » در مدخل حرم اقدس شرکت نمودند ، عظمت بی سابقه کنگره جهانی و تنوع فوق العاده شرکت کنندگان آن و حضور جمع کثیری از جوانان که در جلسات ویژه خود شرکت جستند ، حرکت دسته جمعی نمایندگان نژادها و ملت های جهان در آن مجمع چشمگیر و پخش برنامه ها از طریق ماهواره که کنگره جهانی را با مرکز جهانی و همه قارات مرتبط گرداند ، از جمله وقایع نادری بود که آوازه مراسم بزرگداشت صدمین سال را جاودانی ساخت .

کوشش های بی شمار و مبتکرانه ای که برای تجلیل این دو سالگرد مهم بوسیله یاران در سراسر جهان ، از دهات دور افتاده گرفته تا شهرهای بزرگ ، صورت گرفت بار دیگر نشان داد که امر حضرت بهاء الله به چه شدتی تحکیم یافته است . این کوشش ها در بسیاری از نقاط به فعالیت های تبلیغی با نتایج فوق العاده و شگفت انگیز منجر گردید . اشتها بی سابقه اهداف و فعالیت های سال مقدس بوسیله رسانه های گروهی در کشورهای بزرگ و کوچک جهان توجه هیئتهای قانونگزاری و دولتمردان را به مراسم صدمین سالگرد صعود جمال اقدس ابهی جلب نمود . اقداماتی که برای بزرگداشت امر مبارک صورت گرفت به ستایش و شناسایی امر مبارک بوسیله بسیاری از دوائر دولتی منجر گردید نمایندگان جامعه جهانی بهائی در مجامع مهم جهانی نظیر کنفرانس سازمان ملل متحد برای « حفاظت محیط زیست و توسعه » که در ماه جون سال گذشته در ریودوژانیرو تشکیل شد مشارکت نمودند و هم زمان با آن از يك بنای یاد بود منقش به اسم اعظم و مزین به آیات حضرت بهاء الله پرده برداری گردید . همه این تحولات حاکی از آن است که تصویر جامعه بهائی در انظار عموم از عظمت و اهمیتی بیشتر بر خوردار گردیده است .

سوی این تحولات و رویدادهای برجسته ، واقعه دیگری که عظمت و تأثیرات عمیقش در نوع انسان حتی از اهمیتی بیشتر برخوردار است انتشار کتاب مستطاب اقدس به زبان انگلیسی است که همراه با ضامن و توضیحات در نوروز امسال انتشار یافت و بدین ترتیب اهل بهاء يك مرحله به زمانی که حضرت عبدالهء به آن اشاره فرموده اند نزدیکتر شدند به فرموده مبارک : « چون احکام کتاب مقدس اجراء گردد ... صلح عمومی در قطب امکان خیمه برافرازد و شجره مبارکه حیات چنان نشو و نما نماید که بر شرق و غرب سایه افکند ... »

صدمین سال صعود جمال قدم همچنین با زمانی مقارن بود که در خلال آن اوضاع کلی جهان آشفته تر و پر تضادتر شد . بدین ترتیب که در زمان واحد علانم نظم و پریشانی و امید و یاس نمایان گردید. در بحبوحه بحران های کنونی در اوضاع جهان و در عین حال با اعجاب و مسرت و ایمان و شجاعتی که سال مقدس در قلوب این مشتاقان ایجاد نموده از رضوان امسال که مقارن با صد و پنجاهمین سال تاریخ امر بدیع میباشد نقشه ای سه ساله را آغاز مینمائیم ، کوتاهی دوره این نقشه بدلیل تغییرات پرشتاب زمانه است ، اما هدف اصلی این نقشه از آینده امر مبارك و آتیه بشریت جدائی پذیر نیست و در واقع مرحله بعدی بروز و ظهور منشور الهی تبلیغ و توسعه امر مبارك است که از قلم مرکز میثاق عزّ صدور یافته است . نقشه مذکور معیار عزم اهل بهاء در سبیل استفاده از فرصتهای بی شماری است که در مرحله کنونی تکامل اجتماعی مردم کره زمین وجود دارد . با پی گیری مجدّانه مقاصد این نقشه و تحقق کامل اهداف آن ، به تناسب شرایط هر يك از جوامع ملّی ، راهی مناسب برای مجسم نمودن نقشی که امر مبارك جهت رویارویی با مشکلات اجتناب ناپذیر جامعه بشری در پایان قرن بیستم بر عهده دارد ، هویدا خواهد شد . قرنی انباشته از وعد و وعید که با شتاب به پایان خود نزدیک می شود .

جامعه بهائی باید گسترشی عظیم و بی سابقه حاصل نماید . کار انتشار پیام الهی به عموم اهل عالم در دهات و قصبات و شهرها باید سرعت یابد . نیاز مبرمی وجود دارد که انتشار پیام الهی هرچه زودتر صورت گیرد چه بدون آن مؤسسات نظم اداری که با زحمت بسیار استوار گردیده ، فرصت لازم را برای رشد نخواهند یافت و نخواهند توانست قوای باطنی خود را برای رسیدن به فریاد نفوسی که نومیدی آنان روبرو افزایش است به ظهور رسانند . در این مورد باید ارتباط متقابل بین تبلیغ امرالله و اداره امور تشکیلاتی آن کاملاً مفهوم گردد و تأکید شود ، زیرا هر يك از این دو امر دیگری را تقویت خواهد کرد . مشکلات اجتماع خارج که بر جامعه بهائی اثر مینهد و نیز مشکلات اجتماعی ، روحانی ، اقتصادی یا اداری که بالطبع در درون جامعه بهائی حادث میشود با ازدیاد تعداد و افزایش منابع جامعه برطرف خواهد شد . همچنین با افزایش توانائی و تمایل و جرأت و عزم راسخ یاران در همه طبقات جامعه بهائی برای اطاعت از قوانین ، و بکار گرفتن اصول ، و اداره امور امر مبارك مطابق با احکام الهی ، مشکلات مزبور رفع خواهد گردید .

نقشه جدید بر سه اصل استوار است : ازدیاد شوق و شور ایمانی افراد احباء ، بسط هرچه بیشتر منابع انسانی امر الهی و تقویت نحوه اقدام و ایفای صحیح وظائف و مسئولیتهای تشکیلات محلی و ملّی بهائی ،

غرض از تعیین این سه اصل ایجاد نقطه تمرکزی است که شرایط و لوازم موفقیت در تحقق اهداف گوناگون نقشه را در این دوران بحرانی تضمین نماید .

در برابر علانم آشکار فساد اخلاقی که روز به روز تیشه بر ریشه تمدن بشری می زند ، این بیانات حضرت بهاء الله اهمیت و فوریتی خاص مییابد ، به فرموده مبارک : « قوه و بنیه ایمان در اقطار عالم ضعیف شده دریاق اعظم لازم سواد نحاس امم را اخذ نموده اکسیر اعظم باید » . اینگونه آیات در قبال رفتار همه کسانی که سلطان ظهور را تصدیق کرده اند ، مفهوم ویژه ای به خود میگیرد . یکی از نتایج حیاتی این تصدیق حصول اعتقادی است که آدمی را به قبول اوامر مظهر امر وامیدارد. اعتقاد راسخ نتیجه تقلیب درونی است که از اکتساب فضائل روحانی و اخلاقی سودمند و سازنده و با اطاعت از قوانین و احکام الهی حاصل میگردد . بدین منظور نشر ترجمه انگلیسی کتاب مستطاب اقدس با حواشی و توضیحات و انتشار آن به دیگر زبانهای اصلی جهان در آینده نزدیک سبب خواهد شد که نفحات هدایت الهی برای ازدیاد شور ایمان که لازمه سلامت روحانی و سعادت افراد و تقویت بنیه جامعه است هرچه بیشتر انتشار یابد . پرورش روحانیت افراد و حصول احساسات معنوی که با توسل به دعا و مناجات حاصل میشود و انسان را به خدا پیوند می دهد برای تقویت حیات ایمانی به همان درجه ضرورت دارد .

آموزش احباء و تلاش آنان جهت کسب معلومات امری از طریق مطالعات مجدانه فردی برای عمل به اصول امر مبارک و اداره امور آن ، شرط لازم برای توسعه منابع انسانی است و این خود لا زمه پیشرفت امر مبارک است . اما معلومات امری به خودی خود کافی نیست . ضروری چنان است که معلومات امری به نحوی ارائه شود که محبت و فداکاری به بار آورد و ثبوت بر عهد و پیمان را تقویت نماید و افراد یاران را به شرکت در خدمات امری و مبادرت به اقدامات متین جهت پیشبرد منافع آن بر انگیزد . همچنین کوشش های ویژه ای که برای جذب افراد کاردان به امر مبارک صورت می گیرد ، منابع انسانی مورد نیاز را فراهم خواهد ساخت . بعلاوه این کوشش ها باعث برانگیختن و تقویت قابلیت و قوای محافل روحانی خواهد شد تا بتوانند از عهده ایفای وظائف سنگین خود بر آیند .

انجام صحیح و مطلوب وظائف و مسئولیتهای این مؤسسات به میزانی وسیع بر کوشش اعضای آن مبتنی است که خود را با مسئولیت هائی که بر عهده دارند آشنا سازند و در رفتار فردی و نیز در اجرای وظائف امری خود با دقت بسیار به اصول و مبادی امر مبارک تمسک جویند . در ارتباط با همین امر نکته

مهم دیگر آن است که اعضای محافل باید با عزمی استوار بکوشند تا همه آثار بیگانگی و تمایلات فردی و تفرقه جونی را از میان بردارند و محبت و پشتیبانی یاران را که تحت حمایت خویش دارند به خود جلب کنند و تعداد هرچه بیشتری از افراد را در انجام وظائف امری سهیم سازند . بدین ترتیب جامعه ای که به هدایت آن کمر بسته اند . با تلاش پی گیر آنان جهت بهبود کیفیت ایفای وظائف خود ، نمونه حیاتی را جلوه گر خواهد ساخت که سبب کسب اعتبار برای امرالله خواهد شد و بعنوان نتیجه ای مطلوب نور امید را در دل افراد اجتماع که روز به روز به نومیدی می گرایند ، از نو بر خواهد افروخت .

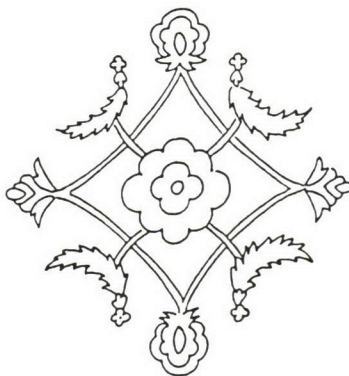
در حالی که محافل روحانی ملی با حمایت بیدریغ هیئت های مشاورین قاره ای جزئیات مسیری را که باید در این دوره کوتاه پیموده شود ، طرح ریزی مینمایند . مرکز جهانی به تمشیت و هماهنگ ساختن فعالیت های گوناگون در سراسر کره زمین خواهد پرداخت و همزمان با وارد شدن بیشتر جامعه جهانی بهائی در جریان مسائل جهانی ، مسیر امور خارجی امرالله را هدایت خواهد نمود . در عین حال مرکز جهانی بهائی با سرعتی سنجیده مشروعات عظیم ابنیه کرم مقدس الهی را ادامه خواهد داد . مشروعات مذکور بخشی از يك جریان را تشکیل می دهد که به تصریح حضرت ولی عزیز امرالله با دو رویداد مهم دیگر همزمان خواهد بود : تاسیس صلح اصغر و تحول و تکامل تشکیلات ملی و محلی بهائی . تا آخر نقشه سه ساله تمامی مراحل باقیمانده بنای ساختمان های کوه کرم در دست اجراء خواهد بود . بنیاد اصلی دارالتبلیغ بین المللی ، مرکز مطالعه نصوص و الواح ۰ و ملحقات ساختمان دارالآثار بین المللی تا آن تاریخ برافراشته خواهد شد و بنای طبقات هفتگانه پائین مقام حضرت اعلی اتمام خواهد پذیرفت .

گسترش چشمگیر امور آئین الهی در سالهای اخیر و تحولاتی که انتظار می رود در طی نقشه جدید صورت گیرد ، مستلزم وجود منابع مادی است که علیرغم افزایش معتنا به مبالغی که به صندوقهای امری تقدیم گردیده . چندی است که به حد کافی نبوده است . بحران های اقتصادی که گزارش آن از هر گوشه میرسد ، وخیم تر خواهد شد . اما مآلاً مشکلات اقتصادی و دیگر مشاکلی که جامعه بشری با آن روبرو است بر طرف نخواهد گردید مگر اینکه امر حضرت بهاء الله مورد توجه و اعتنای ملل و امم جهان قرار گیرد و آئین ربانی از مساعدت مادی پیروان دلیرش به نحو کافی بر خوردار گردد . امید است یاران الهی در هرکجا که هستند ، به اتفاق تشکیلات بهائی و نیز بطور انفرادی ، بدون واهمه از امور نامعلوم و خطرناک دشواریهایی که ملل جهان را در بر گرفته ، به این نکته بیندیشند که هر يك برای ایفای وظیفه مقدس و اجتناب ناپذیری که برعهده دارند چه اقداماتی باید بنمایند .

تقاضای این مشتاقان به اقدام عاجل و مضاعف و مداوم برای اجرای جمیع جوانب نقشه سه ساله ، در وهله اول متوجه فرد فرد اهل ایمان در جمیع نقاط است ، کسانی که به صریح بیان حضرت ولی امرالله سرنوشت کل جامعه بهائی مآلاً به همت آنان موکول و معلق است « ( ترجمه ) و قابلیت انجام اقداماتی را دارند که موفقیت هر يك از نقشه های جهانی بهائی را تامین خواهد کرد . اهداف نقشه سه ساله به آسانی تحقق نخواهد یافت اما اهداف مزبور باید با هر نوع فداکاری و ایثاری که لازم باشد با جلال تمام به انجام رسد . به همین جهت محافل روحانی و افراد یاران نباید در کوشش برای حصول آن اهداف درنگ ورزند یا تأخیر روا دارند ، زیرا بیم آن می رود که مشکلات عالم انسانی بدون مانع و رادع افزایش یابد و یا حدوث بحران های داخلی از سرعت کار بکاهد . باید همواره به خاطر داشت که فتوحات اهل بهاء از طریق بلایا و امتحانات به دست میآید . بحران را با بهره گیری از امکاناتی که جهت اثبات قوه فائقه مبادی آئین الهی و قابلیت اجرایی آن فراهم میسازد . به وسیله پیشرفت امرالله تبدیل می کنیم در سیر تکامل امر الهی بحرانا و پیروزیها همواره از پی هم آمده و مایه ترقی بوده است . در این زمان که حلاوت پیروزی های سال مقدس را در مذاق جان احساس میکنیم از واقعیت این تجربه که مکرراً حاصل شده غافل نباید ماند . همچنین باید به خاطر بسپاریم که برکات و تائیداتی که نصیبمان میشود ، چنانکه تاریخ شکوهمند امر الهی بارها نشان داده است ، متناسب با مجاهدات و مشکلات ما خواهد بود .

دوستان عزیز ، مایوس نشوید و ترس به خود راه مدهید . در حصن حصین قوانین و احکام الهی جرات و امان یابید . این زمان تیره ترین ساعات پیش از دمیدن روز است . چنانچه وعده داده اند صلح پس از پایان شب فرا خواهد رسید . پای بیافشارید و به دیدار سپیده دم رهسپار گردید .

بیت العدل اعظم



## ترجمه دستخط دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی

۲۸ اکتبر ۱۹۹۲

یاران عزیز الهی :

مندرجات نامه مورخه ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۲ آن عزیزان در مورد درخواست از جوانان جهت شرکت در فعالیت های امری ، خصوصاً انجام خدمت یکساله در مرکز جهانی بهائی ، به سمع بیت العدل اعظم الهی رسید و به امر آن معهد مصون از خطا ، مطالب زیر به اطلاع شما یاران عزیز میرسد :

البته بیت العدل اعظم الهی کاملاً با نظر شما موافق هستند که جوانان را نباید در مورد انجام خدمت یکساله در مرکز جهانی بهیچ وجه تحت فشار قرار داد و بدون شك تحصیل آنان جهت ابلاغ کلمه الله و یا خدمت امرالله به هر طریق دیگر ، موافق با اهداف امر نبوده و نیست . در مورد نکات مذکوره در مکتوب اخیرتان عوامل مختلفه ای مؤثرند که جوانان بهائی ، والدین ایشان و هم تشکیلات اداری باید آنها را پیوسته مدنظر داشته باشند . برای مثال هر فرد بهائی ، چه جوانان و چه آنان که سنین جوانی را پشت سر گذاشته اند . به نوبه خود مسئولیت ها و وظائف روحانی مشابهی به عهده دارند . از جمله این وظائف که حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی برای هر فرد بهائی مقرر فرموده اند تبلیغ امرالله و ابلاغ کلمه الله است . وظیفه ای که آن را حضرتش « محبوبترین اعمال » نامیده و در اجرایش ما را امر میفرمایند که « چون باد سرگشته و سودانی » باشیم .

در عین حال جوانان رحمانی باید از تاکید عظیمی که حضرت بهاء الله در مورد کسب علوم و فنون فرموده اند نیز مطلع بوده و متوجه باشند که تحصیل علوم و اکتساب فنون عندالله اجری جزیل مشابه خدمت در سبیل حق داشته و دارد .

جوانان الهی ، والدین ایشان ، و همچنین تشکیلات بهائی همواره در خصوص وظائف محوله در معرض امتحانات شدیده قرار دارند . برای مثال : جوانان از طرفی موظفند با طی درجات مختلف تحصیل موفق به اخذ مدارک علمی و فنی شوند و از طرف دیگر وظیفه روحانی که حق بر ایشان فرض و واجب فرموده بر دوش گیرند .

و اما والدین موظفند از اشتغال فرزندانشان به امر تحصیل اطمینان حاصل کرده ، حتی الامکان در سالهای جوانی از نظر مالی ایشان را در کسب علوم و فنون حمایت نمایند . همچنین در این دوره از حیات نیز ، والدین باید جوانان را کماکان از راهنماییهای شایسته مقام پدران و مادران مستفیض نموده ، همواره وظائف روحانی ایشان را به عنوان يك فرد بهائی به آنان گوشزد و یادآوری نمایند .

و اما تشکیلات اداری بهائی نه تنها مسئول انجام امور اداری افراد جامعه و حمایت از حقوق ایشان میباشد، بلکه موظف است احبّا را تشویق و ترغیب بانجام وظائف و مسئولیتهای روحانی خویش نمایند. تشکیلات بهائی در ضمن اینکه احبّای الهی را تشویق به تبلیغ امرالله، نشر نفعات الله و فداکاری واز خود گذشتگی در سبیل امر بهاء مینمایند، در عین حال جمال مبارك اولین وظیفه خطیر را نیز به عهده ایشان محول فرموده اند که دانش و معلومات روحانی و جسمانی افراد جامعه را نیز ترقی و افزایش دهند.

اگر چه در انجام این وظائف اساسی موظفین، یعنی جوانان - والدین - و تشکیلات بهائی، جملگی شریک و سهیمند، ولی با در نظر گرفتن حدود اختیارات ایشان، هر يك باید به تنهائی در این مورد قضاوت و اقدام نمایند. يك جوان بهائی باید بشخصه تشخیص دهد با دنبال کردن کدام رشته تحصیلی قادر خواهد بود تعادلی بین انجام وظائف مادی و معنوی خود برقرار نماید، والدین جوانان موظفند با حمایت مالی و راهنماییهای ارزنده روحانی، ایشان را یاری کنند تا به این هدف والای خویش رسیده و همواره مشوّق جوانان در راه تشخیص وظائف و مسئولیتهای روحانی ایشان باشند، و بالاخره تشکیلات بهائی مسئولیت خطیر ترویج امرالله و تشویق و ترغیب افراد جامعه به تبلیغ امرالله و برقراری اتحاد و اتفاق بین افراد جامعه را به عهده دارند. ایشان باید به این نکته مهم واقف باشند که اگر خدای ناکرده در انجام این وظائف کمترین سهل انگاری و اهمالی رخ دهد، امیدی به استقرار صلح جهانی و رشد روحانی تمدن انسانی نخواهد بود. بنابراین نباید ایشان از تشویق یاران الهی به خدمت، و جلب توجه آنان به موقعیت خطیر موجود، و یاد آوری نقش حیاتی که هر فرد بهائی در سرنوشت و آینده امرالله و نوع بشر بطور کلی، به عهده دارد لحظه ای غافل شوند.

علاوه بر آنچه که در فوق از نظر یاران عزیز گذشت، باید به نقش اساسی که جوانان با کسب فیض از کیفیتهای خاصّ سنین شباب، شوق وافر، و طرز فکر و عقائد تازه و بکر، در پیشرفت امرالله به عهده دارند اشاره کرد. این مسئله از بدو ظهور امر واضح و آشکار گردیده که جوانان نقشی حیاتی و ضروری در پیشبرد امر الهی به عهده دارند. همواره در تاریخ امر شاهد بسیاری از جانبازی ها و فداکاری های قهرمانانه جوانان بوده ایم. جوانان امروز با الهام از قهرمانان صدر امر مشتاقند که قبل از بدوش گرفتن بار سنگین زندگی، سهم خود را در پیشبرد اهداف این امر عظیم ادا نموده، این وظیفه مهم را به انجام رسانند.

در برخی موارد جوان بهائی آرزومند آنست که ندای حق را لبیک گفته به خدمت امرالله پردازد ولی انجام این مهم به دلایلی میسر نیست. دلایلی مانند ناتمام بودن تحصیلات که اتمام آن را نمیتوان و نباید به بعد موکول نمود و یا اینکه جوان استقلال مالی نداشته و والدین او نیز قادر به حمایت مالی فرزند خود در

مدت خدمت و همچنین پرداخت شهریه او برای اتمام تحصیلاتش نیستند و یا مشکلات و موانع دیگر که باعث میشود جوان از انجام وظیفه روحانی خود محروم گردد. در موارد دیگر جوان اینطور تشخیص میدهد که با موکول کردن ادامه تحصیلات خود به آینده ای نه چندان دور، و صرف وقت و نیروی جوانی خود در راه خدمت به امرالله قادر خواهد بود با دیدی بازتر راجع به آینده خود تصمیم بگیرد. دراین زمینه نمونه های فراوان در بین جوانان وجود دارد که تشخیص داده اند با انجام يك سال خدمت در مرکز جهانی بهائی نه تنها خدمتی ارزنده در راه تبلیغ امرالله و یا پیشبرد اهداف و نقشه های این امر عظیم انجام میدهند، بلکه در این مدت قادر خواهند بود تصمیمی نهائی در مورد برنامه آینده زندگی خود نیز اخذ نمایند از طرف دیگر جوانان بسیاری هستند که ترجیح میدهند قبل از شروع خدمت، تحصیلات علمی خود را به اتمام رسانده و بعد به انجام وظیفه روحانی بپردازند که بدون شك این تصمیم ایشان قابل درك میباشد.

از جمله نکات مهمی که در مکتوب خود به آن اشاره فرموده بودید اهمیت برقراری تعادل بین قضاوت و عمل میباشد. بخصوص در این برهه حساس از زمان اعضاء تشکیلات اداری بهائی نمیتواند یکی از وظائف مهم خود را که همانا تشویق و ترغیب احبای الهی، از پیر و جوان، به خدمت امرالله بخصوص در زمینه تبلیغ و نشر نفحات الله میباشد نادیده بگیرند. البته افراد در نحوه ابراز عقیده و ارائه نظر مختلفند و متأسفانه بعضی بدون رعایت حکمت زبان به سخن میگویند که باید این موارد را فوراً و بموقع بررسی و حل و فصل نمود. در برخورد با چنین افراد، و استماع سخنان مهیج ایشان، هریک از یاران شخصاً موظفند بر اساس نحوه برداشت خود از آثار و الواح الهی و با در نظر گرفتن وضعیت زمانی و موقعیت و شرایط زندگی خود، در مورد این مسئله قضاوت و داوری نمایند.

همچنان بر والدین هر جوان واجب است که با اعمال قدرت اخلاقی فرزند خود را از اخذ تصمیم غلط و نابجا بر حذر دارد، در حقیقت به عنوان پدر و مادر بهائی بر ایشان فرض است که به اهمیت تاثیر روحانی امر بهائی در زندگی يك جوان واقف بوده و تشخیص دهند که فرزندشان باید از آنچنان آزادی برخوردار باشد که بتواند به خواش های قلب و روح خود پاسخ گوید. زیرا جوانان باید با قدم گذاشتن به سن پانزده سالگی از وظائف و مسئولیتهای روحانی خود آگاه شوند و بدانند که از آن پس بشخصه در مقابل حق مسئول ترقی و تعالی روح و روان خویش خواهند بود.

بدون شك سن بلوغ فکری در هر جوان متفاوت است، برخی از جوانان زودتر به این درجه از بلوغ میرسند و در بعضی دیگر این مساله دیرتر به وقوع می پیوندد. بطور کلی والدین هر جوان بهترین کسانی هستند که در مورد این مطلب میتوانند قضاوتی صحیح داشته باشند و باید هنگام راهنمایی و هدایت فرزند

خود این مساله را کاملاً در نظر داشته باشند . با این همه پدر و مادر باید متوجه باشند که در قضاوت خویش شوق خدمت به امرالله را در وجود جوان خود از بین نبرند .

بیت العدل اعظم الهی در بسیاری از موارد طی نامه های متعدد خطاب به جوانان رحمان ایشان را در مورد برقراری تعادل بین برنامه ریزی برای فعالیت های زندگی آینده خود راهنمایی فرموده اند . از جمله این نامه ها خطاب به جوانان سراسر عالم ، مکتوب مورخ ۱۰ جون ۱۹۶۶ میباشد که بدون شك مورد استفاده شما عزیزان قرار خواهد گرفت و از این جهت يك رونوشت از آن به پیوست ارسال میگردد .

با ابراز همفکری و همدلی با والدین عزیز و اطلاع از وظیفه خطیری که ایشان در پرورش فرزندانیشان در این برهه از زمان که جهان را مسائل و مشکلات بی سابقه از هر طرف احاطه نموده است ، بیت العدل اعظم الهی شما یاران را از ادعیه خالصانه خود در مقامات متبرکه مطمئن میسازند .

باتقدیم تحیات بهائی  
دارالانشاء بیت العدل اعظم

### ترجمه پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم

مورخ ۵ مارچ ۱۹۹۳

یاران عزیز و محبوب :

با کمال افتخار اعلان میداریم که در عید نوروز ترجمه انگلیسی کتاب مستطاب اقدس و توضیحات مربوط به آن در اختیار جامعه بهائی قرار خواهد گرفت . حضرت ولی عزیز امرالله در توصیف علویت مقام این سفر کریم چنین می فرمایند : « آن خزینه گرانبھائی که همواره حاوی لامع ترین تجلیات روح حضرت بهاء الله و دستور نظم جهانی و گنجینه احکام و مبشر عهد و پیمان الهی و محور آثار منیعه آن حضرت و حامل اعظم وصایا و نصایح و جامع ترین بیانات و شدیدترین نبوات است ، در بحبوحه بلایا و رزایا و در موقعی که تمام سلاطین ارض قطعاً از آن حضرت روگردان بوده اند نازل گردیده است . » ( ترجمه )

حضرت بهاء الله بنفسه المقدس کتاب مستطاب اقدس را قسطاس الهدی « صراط الاقوم »، « محیی العالم » و « فرات

الرَّحْمَةُ "نامیده و این عناوین حاکی از اهمیت شگرف این سفر کریم است . عظمت و علویت مقام این کتاب مستطاب مایهٔ اعجاب و حیرت عقول می گردد. وقتی در نظر آوریم که حضرت ولی امرالله آن را با چنین عبارتی توصیف فرموده اند : « این سفر بدیع مخزن احکام و شریعت ربّانیه است که اشعیای نبی بدان بشارت داده و حضرت یوحنا در مکاشفات خویش به سماء جدید و ارض جدید و هیکل ربّ و مدینهٔ مقدّسه و عروس و اورشلیم جدید النازل من السّماء تشبیه نموده است . » این مفاهیم و تعابیر امید بخش که در طی قرون و اعصار در کتب مقدّسه تلاوت گشته و همواره مایهٔ اشتغال قوه تخیل و تحریک انتظارات و توقّعات نسل های بی شماره بوده ، سرانجام در این دور جدید بوسیله موعود جمیع اعصار در امّ الکتاب ظهور عظیمش واقعیت یافته و قمیص محسوس پوشیده است .

با انتشار ترجمهٔ انگلیسی این سفر جلیل یکی از اهداف عمدهٔ نقشه شش ساله تکمیل می گردد . علاوه بر آن بیان حضرت عبدالبهاء شروع به تحقیق می یابد که انتشار این کتاب مستطاب را به السنهٔ گوناگون پیش بینی فرموده بودند . انتشار این اثر همچنین سبب تحقق کامل نیت مبارک حضرت ولی امرالله می گردد که شخصاً فقرات عمده ای از این کتاب را به انگلیسی ترجمه و آنها را در ضمن تواقع خود و نیز در مجموعهٔ منتخباتی از آثار قلم اعلی منتشر نموده بودند . و نیز حضرت ولی امرالله بعنوان اولین اقدام اساسی برای ترجمهٔ نهائی و انتشار متن کامل کتاب در سال ۱۹۵۵ شروع به تلخیص و تدوین احکام و حدود کتاب مستطاب اقدس فرمودند . این مشروع که هیکل مبارک خود به میزان قابل ملاحظه ای آن را به انجام رسانده بودند ، در سال ۱۹۷۲ که مقارن با یکصدمین سال نزول کتاب مستطاب اقدس بود ، بوسیله بیت العدل اعظم به اتمام رسید ، زیرا حضرت ولی امرالله در بارهٔ زمان نزول این اثر جلیل چنین می فرمایند :

کتاب اقدس پس از انتقال جمال اقدس ابهی به بیت عودی خمّار ( در حدود سال ۱۸۷۲ میلادی ) در ایامی که هنوز آن وجود مبارک از طرف دشمنان خارج و دوستان داخل هر دو به مصائب بی منتهی محاط و گرفتار از سماء مشیت رحمانیه نازل گردیده است .

انتشار ترجمه رسمی متن کامل کتاب مستطاب اقدس به یکی از السنهٔ عمدهٔ جهان که کتاب مزبور را برای اولین بار در دسترس قارئین مغرب زمین قرار می دهد ، دامنهٔ نفوذ این اثر جلیل را وسعتی عظیم خواهد بخشید و ترجمهٔ آن به زبان های دیگر ابواب توسعه و پیشرفت را بر روی افراد و جوامع مفتوح خواهد ساخت که مطمئناً باید تاثیری شدید و روز افزون و تحول انگیز بر امم و ملل عالم داشته باشد . انتشار ترجمهٔ انگلیسی این کتاب مستطاب که قوای مکنونه در آن را احصاء نتوان نمود ، در این زمان که جهان

در گیر بی نظمی و اختلافات داخلی است ، نشانه اطمینان و اعتماد به استقرار نهانی جامعه ای جهانی است که از صلح و تمدن حقیقی برخوردار خواهد بود . تقارن انتشار این سفر جلیل با سنه منوی صعود شارع آسمانی آن و آغاز عهد و میثاق الهی تأثیرات شگفت انگیز سال مقدس را شدیدتر می سازد ، یعنی سالی که به تکریم این وقایع مهم اختصاص یافته و تابحال شاهد ظهور ثمرات وفیره آن بوده ایم .

کتابی که مراتب قداست و نفاستش ورای هر وصف و بیان است از عظمت بی مانند ظهور حضرت بهاء الله نشان دارد و یاد آور احترام عمیقی است که باید برای کلیه آثار نازله از قلم معجز شیم و حقیقت نگار آن حضرت ملحوظ داشت . امید است که احبای الهی مقام متعالی این کتاب جلیل را در بین آثار مقدسه امر بهانی درست دریابند ، آن را چون مایه زندگانی عزیز و محفوظ دارند و مالکیت آن را به منزله میراثی لا عدل له که از قلم اعلی و منشاء فیوضات بی منتهی به خلق اهدا شده ، افتخاری مقدس شمردند ، به آنچه مقرر می دارد اعتماد و اطمینانی کامل داشته باشند ، آیاتش را تلاوت نمایند ، مندرجاتش را مطالعه کنند ، احکامش را عامل گردند و بدین ترتیب حیات خود را با موازین الهی منطبق سازند .

باید مسرور بود و به این بیان احلی که جمال ابهی در وصف ام الكتاب دور مبارکش به آن ناطق است روحی مستبشر یافت که میفرماید : " تبشر الكل بما نزلناه في كتابنا الاقدس الذي اشرق من افقه شمس اوامري المشرقة على كل شاهد و مشهود . " امید چنان است که در اثر تمسک به احکام و اصول امر مبارك شایسته آن باشیم که مشمول فیوضات و برکات محتومه جلیله اش گردیم که می فرماید :

" طوبی للقارئین ، طوبی للعارفین ، طوبی للمتفکرین ، طوبی للمتفرسین . . . به انبساطی نازل شده که کل را قبل از اقبال احاطه فرموده . سوف يظهر في الارض سلطانه و نفوذه و اقتداره . ان ربك لهو العليم الخبير . "

### بیت العدل اعظم

\*\*\*\*\*

در نهایت شرمندگی اعلام میداریم که پیام منیع ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲ معهد اعلی که در شماره ۴۵ مجله عندلیب انتشار یافته متأسفانه اشتباهاً نسخه تصحیح نشده بجای نسخه تصحیح شده بچاپخانه داده شده است . ضمن اعتذار و پوزش از معهد اعلی و خوانندگان ارجمند مجدداً نسخه صحیح آن در این شماره نشر میشود تا جبران این اشتباه تا حدودی بشود .

با تقدیم تحیات بهانی

هیئت تحریریه عندلیب

ترجمه

## پیام بیت العدل اعظم

مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲

خطاب به بهائیان سراسر عالم

از زمان تأسیس عهد و پیمان حضرت بهاء الله و آغاز ترویج آن يك قرن كامل میگذرد ، لذا این مشتاقان تحیات محبت آمیز خود را به اعضای جامعه منتسب به جمال اقدس ابهی که امروز در کنگره جهانی در نیویورک و در کنفرانسهای اقماری آن در جمیع قارات اجتماع نموده‌اند و یا به انحاء دیگر در این مراسم یادبود منوی مشارکت دارند ابلاغ میدارند .

موجب بسی خوشوقتی است که این فرصت مخصوص فراهم آمده تا لحظاتی چند باتفاق آن سالکان سبیل ایمان در نظر آریم که از سال ۱۸۹۲ تا بحال چه حاصل کرده ایم و از این پس به کدام مقصد روانیم . این تأمل و تمعن خود رمز و نشانه ای است که بالطبیعه قصد و هدف عهد و میثاقی را مجسم میسازد که منظور واضع آسمانی اش از ایجاد آن وحدت اقوام و ملل روی زمین است .

بررسی تاریخ پر هیجان و پیشرفت حیرت بخش حاصله در این صد سال قلوب را دستخوش عواطف و احساسات عالیّه روحانی میسازد . جامعه بهائی در زمان صعود حضرت بهاء الله فقط محدود در پانزده کشور بود و اکثر پیروانش در ایران یعنی موطن ، آن جمال مبارک میزیستند . اکنون جامعه بهائی سراسر کره ارض را در بر گرفته است . روح وحدت و یگایی که مداوماً در اثر نحوه کار و فعالیت نظم اداری بهائی که ولید میثاق است تجلی و تحکیم مییابد مایه سرور موفور است . مجموعه تجاری که تابحال اندوخته شده تأثیر واهمیت عهد و میثاق را بوضوح به اثبات رسانده است وحدت واتحادی واقعی که تاکنون قوه عهد و میثاق الهی بوجود آورده این امید وانتظار را شدیداً تقویت مینماید که وحدت و یگانگی نوع بشر امکان پذیر است و مسلماً تحقق خواهد یافت .

در دورانی که جهان شاهد تغییرات شگرف و تکان دهنده ای است که خصائص جامعه بشری را بشدت دگرگون ساخته و آن را به نحوی بی سابقه به ورطه نگرانی و سرگردانی کشانده ، ما اهل بهاء تلاشی را

آغاز کرده ایم تا جامعه ای جدید بوجود آوریم ، در حقیقت دنیا در شرائط کنونی در اثر فشار نیروهائی که نه قادر به درك آنها است و نه آنها را مهار تواند کرد طاقت و توانائی خود را از دست داده است . این دورانی است که دودمان های سلطنتی و امپراطوریهها به سرعت یکی پس از دیگری سقوط کرده و منقرض شده اند . دورانی است که عقاید و تفكراتی نیرومند قلوب واذهان ملیونها نفر را تسخیر کرده و سپس به رسوائی منتفی گشته اند و بالاخره دورانی است که در طی آن در دو جنگ جهانی بر آنچه که در ابتدای قرن بیستم زندگانی متمدن محسوب میشد ویرانی و دمار باریده است .

در پی این چنین نا بسامانی ها و اضطرابات هولناك ، پیشرفت ها بی نظیری در قلمرو علوم و فنون و سازمان اجتماعی حاصل گردیده و دانش بشری واقعاً فوران کرده است . اما جالب تر از همه شكوفائی بی سابقه در بیداری و قیام انبوه مردمانی است که قبلاً خاموش مینمودند. این جماعات در جامعه ملتهای جهان که وسعت بسیار یافته خواستار وضع و موقعیت مشروع خود هستند . همزمان با پیشرفت و توسعه ارتباطات و مخابرات که به سرعت برق انجام میگردد و حمل و نقل که سرعت صوت یافته . جهان چنان بهم مرتبط شده است که گویی مردم گیتی در واقع در همسایگی یکدیگر زیست میکنند و بی درنگ از احوال همدیگر با خبر میشوند و با یکدیگر بآسانی دسترسی دارند . با اینهمه پیشرفتهای معجزه آسا و پیدایش سازمان های بین المللی و بالاخره کوشش های متهورانه و موفقیت های درخشان در همکاریهای بین المللی ، ملل عالم به عداوتی تاسف انگیز مبتلا و مردم در گیر و دار بحرانهای اقتصادی به تشنج و فشار گرفتار و اقوام و نژادها بیش از پیش نسبت به یکدیگر بیگانه گشته و به عدم اعتماد و ترس و تحقیر دچار شده اند.

به موازات این تحولات ، اضمحلال مؤسسات دینی و سیاسی که بنا بر سنن معمول مرجع هدایت و مرکز ثبات جامعه بودند بچشم میخورد . حتی پایدارترین این مؤسسات چون گرفتار بی انضباطی وعدم نظم درونی هستند چنین بنظر میآید که اعتبار خود را از دست داده و میدهند . این دگرگونی ها توجه ما را به خلائی که در صحنه اخلاقیات بوجود آمده و احساس بیهوده گی و آشفتگی که در زندگانی شخصی پدیدار گشته معطوف میسازد . مفسران صاحب نظر از سقوط فرهنگ و ناپدید شدن ارزش ها و فقدان تمامیت و کمال در زندگانی درونی انسانی و نیز از تمدن صنعتی که با بحرانی روز افزون مواجه است با نگرانی شدید یاد میکنند . آثار آنان همچنین مشعر بر آن است که خرد نوع انسان به بن بست رسیده ، توانائی اداره امور را از دست داده و به خرد و بصیرتی الهی نیازمند است . اما روح انسانی از تشخیص و درك این احتیاج بسی دور و مهجور است .

تفاسیر و نظریات یاس آوری از این قبیل حاکی از عواقب عالمگیر ناشی از عدم ادراك مقصد الهی از خلق انسان است . این مبحثی است که امر حضرت بهاء الله مخصوصا بر آن انواری بدیع تابانده ، افکار ما را نیروئی جدید می بخشد و ادراکات ما را وضوح و وسعت میدهد . تعلیم حضرت بهاء الله قلب ما را از محبت بی پایان خداوند به مخلوقاتش سرشار میسازد ، ضرورت رعایت عدالت را در روابط انسانی خاطر نشان میکند ، و اهمیت تمسك به اصولی اساسی را در جمیع امور تأکید مینماید و ما را متذکر میدارد که " جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده اند " و " شأن انسان رحمت و محبت و شفقت و بردباری با جمیع اهل عالم بوده و خواهد بود . "

اعضاء جامعه بهائی با مداومت در تبلیغ امر حضرت بهاء الله به مرحله ای از رشد و بلوغ رسیده اند که بخوبی میتوانند سرنوشت جریانات گوناگون تغییراتی را که طی این قرن روی داده در یابند . تعلیم بهائی به ما هشدار میدهد که " این صعود و نزول و تالیف و تحلیل و انتظام و انقلاب که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تأثیرات متقابل اش مستمر و محسوس انعکاسی از عالم بالا و جلوه ای از نقشه اعظم اقدس ابهی است . نقشه واحد و غیر قابل انفصالی که مبدنش غیب مکنون و مؤسس و موجدش شارع این امر اعزّ اعلی و دایره تصرفاتش بسیط غبرا و مقصد و هدف نهانش وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافه انام است . " ( ترجمه )

عدم وحدت و اتحاد اسّ اساس جمیع مشکلاتی است که کره ارض بکمال شدت از آن در رنج است . این عدم وحدت در جمیع شئون زندگانی نفوذ و رسوخ کرده و مبنای جمیع منازعات اساسی بین ملل و اقوام عالم است . از آن و خیم تر عدم اتحادی است که در بین ادیان و نیز در داخله ادیان شیوع دارد و سبب تباهی تأثیر و نفوذ روحانی و اخلاقی میگردد ، تأثیر و نفوذی که ایجاد آن هدف اصلی ادیان است . حضرت بهاء الله میفرمایند : " اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد . نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز مانند . "

در بیان کیفیت این عواقب وخیم تعلیم بهائی صراحت دارد : " که چون در نتیجه فساد بشری چراغ دین خاموش شود و خلعت معنوی که بایستی زینت هیكل انسانی باشد از او خلع گردد ناچار انحطاط تأسف انگیزی در سرنوشت بشر فی الفور بوجود میآید و با خود هر نوع شرّی را که از يك شخص خاطی

منحرف سر زدنی باشد همراه میآورد . و در چنین حالی است که انحرافات در طبیعت انسان و انحطاط در رفتار انسان و فساد و انحلال در مؤسسات متعلق به انسان به بدترین و نفرت بار ترین وجهی ظاهر و آشکار گردد و ماهیت انسانی تدنی یابد ، اعتماد و اطمینان سلب شود ، رشته انضباط از هم بگسلد ، ندای وجدان خاموش شود ، شرم و حیا از میان بر خیزد ، مفاهیم وظیفه شناسی و هم بستگی و احترام و رفتار متقابل و وفاداری ، تعبیرات غلط گیرد و عواطف عالیه آرامش و سکون و شادمانی و سرور و امیدواری از میان بر خیزد . « ( ترجمه )

اسفا که در عصر حاضر ، هم مؤسسات و هم افراد انسانی به چنین حالتی دچارند . بر اساس درک این حقیقت ، ضرورت و لزوم عهد و میثاق الهی بیش از پیش حائز اهمیتی حیاتی میگردد . تردیدی نیست که جامعه بهائی برای مقابله با این وضع باید به سرعت بسوی مرحله بعدی تکامل خود پیش تازد ، مرحله ای که در آن امر حضرت بهاء الله ضرورتاً باید منتظر مواجهه با قوانی باشد که با چنان بی بند و باری گمراه کننده ای بر جهان چیره شده اند. لذا باید این فرصت مبارک را برای بررسی تاثیرات عهد و میثاق که موجب تحرك و پایداری در اقدامات ما میشود مفتنم شمريم .

پایه و اساس عقیده ما مبنی بر اقرار به سلطنت الهی است ، ذاتی که ورای شناسائی و صانع قدیر است وظیفه ما تسلیم به اراده و مشیت او است که در این عصر و زمان بوسیله حضرت بهاء الله نازل شده است . شناسائی فرستاده خداوند در یوم الله و متابعت از اوامر و تعالیم وی دو وظیفه اصلی و تفکیک ناپذیری است که هر انسانی برای وصول به آن خلق شده است . انسان این دو تکلیف توانان را بنابر تمایل و انتخاب شخصی بجا میآورد و اقدام او در این مورد را باید عالیتترین جلوه آزادی و اختیار انسانی بشمار آورد ، موهبتی که خالق مهربان به نوع انسان عطا کرده است . در این عصر درخشان وسیله حصول موفقیت در انجام این دو تکلیف توسل به عهد و پیمان حضرت بهاء الله است . عهد و میثاق وسیله ای است که از طریق آن ایمان به مظهر ظهور الهی بصورت اعمال و رفتار مفید و ثمربخش جلوه گر میشود .

وحدت عالم انسانی محور اصلی و هدف نهائی رسالت الهی حضرت بهاء الله است . مفهوم حقیقی این اصل بر مراتب وسیعتر از ایجاد روحیه برادری و خیرخواهی بین مردم بوده و « مسلتزم آنست که در بنیان جامعه کنونی تغییراتی حیاتی ( ارگانیک ) صورت پذیرد که شبهش را چشم عالم ندیده است » . ( ترجمه ) عهد و میثاق حضرت بهاء الله متضمن مفهوم ، وسیله و روش لازم برای وصول به این هدف اساسی است . حضرت

بهاء الله علاوه بر کتاب احکامش که مبانی نظم جدید جهانی را هم شامل است ، در کتاب عهد خود نیز انتصاب نجل جلیلش حضرت عبدالبهاء را به عنوان مبین کلام و مرکز عهد و پیمان خود تثبیت فرموده اند. حضرت عبدالبهاء در سمت مبین ، لسان گویای کتاب الله و مفسر کلام الهی است و به عنوان مرکز میثاق ، مرجعی مصون از خطا است که کلام الهی را با اتخاذ وسائل و لوازم عملی برای بنای تمدن و فرهنگی بدیع به موقع اجرا میگذارد . بنابراین عهد و میثاق ، پدیده الهی بی سابقه ای است که حضرت بهاء الله بواسطه آن نه تنها به حضرت عبدالبهاء اختیارات لازم را برای تحقق بخشیدن به آنچه لازمه مقام فرید ایشان است عطا فرموده بلکه فضائل و کمالاتی در شخصیت فردی حضرتش به ودیعه گذارده تا جامعه انسانی همواره بتواند به این قدوه پاینده تاسی و از این مثال تابنده تبعیت نماید . در هیچیک از تواریخ گذشته چنین ترتیبی برای تضمین تحقق مقصود و منظور مظهر امر الهی ثبت نشده است .

این عهد و پیمان ضامن ممانعت از تفرقه و تشعب است . بدین دلیل افرادی که گاه گاه میکوشند تا شکافی در جامعه ایجاد کنند بالمال با شکست کامل مواجه میشوند . بهمین نحو اضطهادات و تضییقات بلاانقطاعی که جامعه بهائی در موطن حضرت بهاء الله در متجاوز از يك قرن مجبور به تحمل آنها بوده نتوانسته است هویت آنرا مضمحل و یا وحدت حیاتی جامعه مزبور را زائل سازد . نتیجه و حاصل نهائی پرشکوه این تدبیر تضمین تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین است که در کتب مقدسه قبل وعده داده شده و حضرت بهاء الله نیز شخصاً آن را اعلام فرموده اند .

حضرت بهاء الله به صراحت اعلام میفرمایند که " یوم موعود فرا رسید و آنکه ظهورش در کتب و صحف الهیه بشارت داده شده باعلی النداء من فی الارض و السماء را باین خطاب اعلی مخاطب میسازد : لا اله الا هو المهیمن القیوم . تالله قد ظهر ما کان مخزوناً فی ازل الازال فی علم الله عالم الغیب و الشهود ، طوبی از برای چشمی که مشاهده نمود و وجهی که بوجه الله ربّ ماکان و ما یکون توجه کرد . " ( ترجمه )

حقیقت این است که ظهور حضرت بهاء الله دنیا را به عصر جدیدی وارد نموده و آغاز رابطه کاملاً بدیعی را بین انسان و صانع اعلایش ممکن ساخته است . خصوصیات این ارتباط در عهد و پیمانی خلاصه و متجلی است که در هنگام صعود حضرت بهاء الله در يك قرن قبل آغاز گردید . قوای محرکه و نیروی مؤلفه روحانی این میثاق و اصول وحدت بخش آن و همچنین تأسیس مبادی و نظامات عملی مودوعه در این عهد و پیمان الهی به منزله طریقی برای بهبودی از عوارضی است که جوامع از هم پاشیده و نظامات ناقص

و نارسای اجتماعی امروز بدانها مبتلاست . عهد و میثاق حضرت بهاء الله مفهوم جدیدی به تاریخ پر تلاطم بشریت بخشیده و بمساعی انسان جهت و تحرّک تازه ای میدهد . حضرت عبدالبهاء میفرمایند : « عهد و میثاق مانند شریان در هیکل عالم انسان در طپش و نبضان است » . ( ترجمه ) تاثیر و شریان این عهد و میثاق تا اعماق آشفته‌گیهای امور جامعه بشری نافذ و سبب انتقالی پرشتاب از نظم کهن به نظم جدید جهانی است . همان نظم که حضرت بهاء الله آن را این چنین پیش بینی فرموده اند : « زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد » و در توضیح آن میفرمایند : « قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه » .

چه بجاست کسانی که بنحو جدی به وضع و سرنوشت جهان علاقمندند به دعوت حضرت بهاء الله توجه لازم مبذول دارند و دریابند که طوفانهائی که پایه و اساس جامعه را در هم میکوبد آرام نخواهد نشست مگر زمانی که در جستجوی راه حل برای مشکلات اجتماعی ، مبانی و اصول روحانی بنحوی فعال و مؤثر بکار گرفته شوند . ما پیروان حضرت بهاء الله باید مساعی خود را در انجام وظائف مقدّسی که برای آشنا ساختن جمیع افراد جامعه انسانی با مقصد جان بخش احکام جهان آرای حضرت بهاء الله بر عهده داریم مضاعف نماییم . سعی کنیم تا مردم دریابند که « امر بهائی مقصدش هرگز آن نیست که شالوده جامعه کنونی عالم را زیر و زبر نماید بلکه آنست که بنیانش را وسعتی بیشتر بخشد و به مؤسساتش شکل تازه ای دهد که موافق و مطابق با حوائج این جهان دائم التّغییر باشد » ( ترجمه ) ما باید با صبر و شکیبائی و فروتنی به سنوالاتی که از روی تردید و یا برای مقابله مطرح میشود در حالی که مقصد احکام الهی را بیان میکنیم پاسخ گوئیم و بکوشیم تا مردم بدانند که « این تعالیم و قوانین حضرت بهاء الله با هیچ تابعیت و سرسپردگی مشروعی تناقض ندارد و وفاداری های صادقانه را تضعیف نمی کند . مقصدش آن نیست که شعله وطن دوستی سالم و خردمدانه را در دلهای مردمان خاموش سازد یا نظام خود مختاری ملی را از میان بردارد زیرا هم با آفت مرکزیت افراطی در اداره امور و هم با متحد الشکل و یکنواخت بودن شنون عالم مخالف است . » ( ترجمه )

باید بگفتار و کردار نشان دهیم که امر بهائی « تفاوت در نژاد ، آب و هوا ، تاریخ ، زبان و سنت ، طرز فکر و عادت که ملل و نحل عالم را گونه گون ساخته نادیده نیگیرد و در صدد محو و نابودی آنها بر نمیآید » ( ترجمه ) و بالاخره بکوشیم تا مردم عالم تصدیق کنند که امر حضرت بهاء الله « منادی وفاداری وسیعتر و آمالی گسترده تر از آنچه تا کنون نسل بشر را الهام بخشیده ، میباشد » و « تأکید بر آن دارد

که منافع و انگیزه های ملی باید تابع احتیاجات مبرم جهانی متحد شود « امر بهائی « از يك سو تمرکز افراطی را در نظام جهانی مردود می‌شمارد و از سوی دیگر هرنوع تلاش برای یکنواختی و همانندی را رد می‌کند » ، زیرا « شعار آئین بهائی وحدت در کثرت است » . ( ترجمه )

فی الحقیقه قابل ملاحظه است که همزمان با سال مقدس بهائی امور بسیار مهم دیگری نیز مورد تکریم و بزرگداشت قرار می‌گیرند که از قرن‌ها پیش آغاز شده و مقدر بوده است که اثمار با شکوه آنها در روز موعود الهی حاصل گردد . میتوان دریافت که حلّ و فصل نهائی مسائل مهمی که این جریان‌ات بوجود آورده و بررور زمان تحوّل یافته اند در نظام جهان آرای حضرت بهاء الله تحقق خواهد یافت .

حال افکار خود را به تاریخ سفر حماسه اثر حضرت عبدالبهاء به غرب مخصوصاً امریکای شمالی معطوف میداریم که در نیویورک برای پیروان غربی خود مفهوم واقعی عهد و میثاق حضرت بهاء الله را تشریح فرمودند . این اقدام به يك معنی جنبه تجدید حیاتی داشت که تحکیم مبانی وحدت بین دنیای قدیم و جدید بصورت واحدی جهانی را بشارت میداد . اینک نیویورک که حضرت عبدالبهاء بدان لقب « مدینه میثاق » عطا نمودند واقعه هشتاد سال قبل را منعکس می‌سازد . در آن زمان نیویورک آستانه اصلی ورود به « ارض موعود » برای میلیون‌ها مردمی بود که در جستجوی آفاقی جدید بودند . حال نیز آن مدینه محلّ اجتماع پیشوایان ملل و مرکز بین المللی مساعی مربوط به حصول اتحاد در قلمرو سیاست است و در فضای آن آمال دنیائی موج می‌زنند که در جستجو است تا امورش را انتظام بخشد . امروز قلوب بهائیان در سراسر جهان متوجه مدینه میثاق است که در آن هزاران نفر از خواهران و برادران روحانی آنان از جمیع جهات کره ارض در دومین کنگره جهانی بهائی گرد آمده اند . حضور چنین جمعی که نماینده تنوع وسیع نژاد بشری است قدرت وحدت آفرین عهد و میثاقی را اثبات میکند که این نفوس برای ستایش و تکریم آن گرد هم جمع شده اند .

در این فصل آغازها و بزرگداشت آغازها ما بهائیان برای مساعی خود ملاک و میزان جدیدی تعیین میکنیم که بسی دلیرانه تر و پایدارتر از قبل است . امید چنانست که مبانی وحدت الهی ، وحدت ادیان و وحدت نوع انسان را گفتار ما بیان کند و رفتار ما نشان دهد و علیرغم قلت عدد ، وظیفه خود را در آستان جمال قدم و عهد و میثاق حضرتش و بالاخره در قبال همه جامعه انسانی به انجام برسانیم .

بیت العدل اعظم

## سخن روز

عندلیب خوش آوا نوروز فیروز و رضوان جهان افروز  
را بجمیع یاران راستان و ناشران لواء امر جمال  
جانان در اقطار شاسعه عالم تبریک و تهنیت  
میگوید.

نوروز آغاز سال نو و طلّیعه بهار روح پرور و  
اردیبهشت ماه ، فصل تابش آفتاب نورپاش و غرش  
رعد و ریزش باران رحمت وجود و وزش نسائم  
جانبخش و تجدید حیات کائنات و اهتزاز کافّة  
موجودات و شکوفائی گلها و نغمه سرانی مرغان در  
دشت و صحرا و گلزار و کهسار است . ولی در این  
عصر نورانی در موسم اعتدال ربیعی بهاری روحانی  
در نهایت جمال و کمال ظاهر و آشکار شده و  
خورشید دانائی نمودار گشته و جهان هستی بانوار  
چشمه نور ، مطلع ظهور منور شده لهذا نوروز فیروز  
و اردیبهشت عالم افروز در این عصر بمقامی والا  
نائل آمده اند . چه که اوّل نوروز با عید صیام که  
روز اوّل شهر بهاء و مبدء تاریخ طلوع فجر هدی  
در این کور مقدّس ابهی است بجمال و کمال  
وحدت مزین گشته و در اول اردیبهشت ماه در  
رضوان الهی انوار اسم اعظم بر جمیع امّ تائیده و  
عالم وجود حیاتی تازه یافته و بشارات کتب مقدّسه  
ظاهر و عیان شده و رایات صلح و سلام در قطب  
امکان بلند گشته و اخلاق روحانیان باهل عالم اعطا  
شده است .

در چنین یوم مبارکی که بزم « الست » در باغ  
رضوان بر پا شد طائفان حول مظهر کبریا به کلمه  
« بلی » مفتخر و متباهی شدند .

در کتاب مستطاب اقدس در باره این یوم  
شورانگیز چنین نازل ، قوله عزّ بیانه :  
« قل انّ العید الاعظم لسلطان الاعیاد . اذکروا یا  
قوم نعمة الله علیکم اذ کنتم رقدا ایقظکم من  
نسمات الوحي و عرفکم سبیلہ الواضح المستقیم » \*  
در قرآن کریم خداوند مجید میفرماید :

« اهدنا الصراط المستقیم » بنابراین آیه شریفه در  
اسلام مؤمنان نیک فرجام هدایت بصراط مستقیم را  
از خداوند متّان مسئلت نموده و مینمایند ولی در  
این عصر افخم و ظهور اعظم راه راست و روشن ،  
صراط امر الهی و شناسائی مظهر وحی و الهام الهی  
است هر کس شناخت او سالک سبیل هدی و رهرو  
صراط مستقیم خدا است .

بنا به اعتقاد اهل بهاء ، بهار معنوی الهی در این  
عصر نورانی عالم وجود را دگرگون نموده و انوار  
ساطعه از شمس حقیقت سبب روشنائی جهان شده ،  
بهار ظاهری موجب لطافت هوا و طراوت دشت و  
صحرا و گلگشت و دریا است ولی این بهار معنوی  
دگرگونیهای جهان و ترقّیات علمی انسان و تربیت

---

\* بگو همانا که عید اعظم ( عید رضوان ) سلطان اعیاد است  
یاد آرید ای قوم بخشایش الهی را ، آنگاه که در خواب بودید  
بنسائم وحی شما را بیدار نمود و راه روشن راست را بشما  
شناساند ( ترجمه بمضمون )

روحانی و اخلاق خوش رحمانی و وحدت و یگانگی  
بهانیان را موجب شده که سرانجام منجر به وحدت  
عالم انسانی خواهد شد .

بیار باده در این نوبهار روحانی

بیاد یار دل افروز و عشق سبحانی

هوا معنبر و صحرا پر از گل و ریحان

زمین نگر شده یکسر نگارخانه مانی

درخت سبز و چمن سبز و باغ پر سبزه

صبا بغمزه بعالم کند گل افشانی

برفت موسم سرما وزید باد بهار

دمید بر لب جو لاله های نعمانی

به یمن باد صبا گل شکفت درگلشن

بروی شاخه گل مرغ در غزلخوانی

دراین بهار دل آرا بنوش باده حُب

بشوق سال فرح بخش و قرن نورانی

حال با وجود آنکه سنه مقدس بپایان آمده معهذا  
نشئه روحانی آن در قلوب یاران همچنان باقی و  
برقرار و آثار معنویش در جانها نمودار و ظهور و  
بروزش در عالم ملک ظاهر و آشکار .

چه سال مقدسی به انتها آمد و چه انواری در آن  
سنه از عالم تابناک بالا به عالم خاک تابید . که  
بیگانگان آشنا گشتند و آشنایان هشیار . دوستان  
رهسپار خدمت بآستان مقدس یزدان شدند و  
جوانهای روشن ضمیر پاکدل علمدار و منادیان  
صلح و آشتی در این جهان پر از جنگ و جدال .  
هرگز کسی تصوّر نمی نمود که بزرگداشت سنه

مقدس و تجلیل و تکریم صدمین سال اعلان کتاب  
عهد نیر آفاق تا این حدّ مقبول خاص و عام قرار  
گیرد و عالم را متوجّه تعالیم و دستورات و مبادی  
واحکام امر خداوند بی انباز نماید و انظار بزرگان  
عالم را بخود معطوف دارد . این نبود مگر از  
عنایات و توجّهات مالک غیب و شهود از عالم ملکوت  
به جهان ناسوت . و حال امری مشهود است که در  
این سنه که سال بعد از سنه مقدس و حلول  
یکصد و پنجاهمین سال ظهور امر بدیع اعزّ الهی  
در این عصر نورانی است صیت امرالله در ظلّ  
توجّهات و راهنماییهای معهد اعلی شرق و غرب عالم  
را فرا گرفته و هستی را استعداد درک صلح و سلام  
بخشیده و ندای جانفزای الهی به سرعت برق  
همچنان که رجای حضرت اعلی روح الوجود لمظلومیت  
الفدا در دعا برای اعلان امر من یظهره الله بود  
بگوش جهانیان رسیده است .

باری کنگره عظیم و جلیل سنه منوری و صدمین  
سال انتشار کتاب عهد نیر آفاق ، اهل بهاء را  
چنان از باده محبت الهی نشئه روحانی بخشید و  
دماغ جان را از طیب سنا و عطر بها عنبر آگین  
نمود که هنوز سرخوش از آنند و بیادش شادان و  
خندان و همچنین در یوم صدمین سال صعود  
جمال بی مثال مظهر ظهور، مکلمّ طور به ملکوت بقا  
و جبروت اسنی، در ارض اقدس ، در جوار روضه  
مبارکه قبله اهل بهاء به راهنمایی و هدایت معهد  
اعلی محفل پر شور تجلیل و تکریم و سپاس و  
نیایش بآستان قدس کبریا با حضور امة البهاء حرم

مبارك حضرت ولی محبوب امرالله و اعضاء محترم بيت العدل اعظم و ايدايان امرالله و فارسان ميدان خدمت كه نامشان در لوحه ذهبي برای ابد ثبت و جاودان شد تشكيل گرديد . اين مؤتمر تاريخي را بايد آغاز ظهور و بروز تائيدات و توفيقات بديعه غيبیه جمال قدم از عالم بقاء بجهان ادنی دانست كه آثارش هنوز متواتراً ، مستمراً چون روز روشن، نمودار است . زهی سعادت و نيکبختی از برای نفوسی كه با استفاده از موقعيت علمدار اعلان ظهور در كشورهای دور در اجرای فرمان جند هدی سالار اهل بهاء ولی محبوب امرالله شدند و نامشان در لوح ذهبي ثبت و رستگاری ابدی يافتند.

ولی بايد دانست كه اهل بهاء از مواهب الهی و بخشايش يزدانی هيچگاه نا اميد نبوده و نيستند . چه كه در اين عصر نورانی به اراده غالبه الهی جبران هر امری ممكن .

حال با نقشه بديعه سه ساله معهد اعلى باب تازه خدمت به روی اهل بهاء گشوده شده و روزنه امیدی باز گشته است ، نيکبخت آنانند كه گذشته را آئینه آینده دانسته و دقائق حیات فانی را در سبیل عبودیت و خدمت خصوصاً تبليغ و مهاجرت بگذرانند و همچنين نبايد از نظر دور داشت كه تبرعات كريمانه زائد بر استطاعت نیز در اين ایام برای اتمام ابنیه قوس کوه کرمّل و تقويت صندوقهای ملی و محلی اجرای جزیل داشته و موجب جلب رضای الهی و جاذب برکات سماني است .

در اين مقام يك خبر بهجت اثر ديگر نوشته ميشود و آن اينكه در سنه جاری هفتمين كانونشن بين المللی بهائی در ارض اقدس بمنظور انتخاب اعضاء بيت العدل اعظم انعقاد يافت و دو نفس نفيس ديگر به عضویت مقام رفيع البنیان بيت العدل اعظم انتخاب شدند كه هر دو در كشور كانادا از محبوبيت خاصی برخوردارند . جنابان داگلاس مارتين و دكتر فرزام ارباب عليها بهاء الله كه در اين سنه افتخار عضویت يافته اند سالهای سال در خدمت امر مليك متعال بخدمات فائقه قائم بوده اند و ياران كانادا و خادمان عندليب خاطرات بسيار خوشی از آنان دارند .

جناب ارباب در بدو امر مشوق جوانان برای خدمت بامر مبارك شده و احباء ايراني را تشويق بتأسيس كلاسهای فارسی نمودند كه بسيار اين امر در توسعه معارف امری مؤثر واقع و هنوز هم برخی از اين كلاسهها ادامه دارد .

جناب داگلاس مارتين در سمت منشی گری محفل مقدس روحانی ملی كانادا در دوران انقلاب اخير ايران و نابسامانيهای احبای مهد امرالله كمكها و مساعدتهای بی شائبه و مؤثري نمودند و نیز در بدو تأسيس مجله عندليب همواره مشوق و راهنمای اين خادمان بودند .

باری ، حال در نهايت خضوع اين انتخاب را به ساحت رفيع بيت العدل اعظم و آن دو جان پاك تبريك ميگوئيم .

باتقدیم تحیات بهائی

عندليب

بهاء الله که در مرحله جنین است يك هینت ۹ نفری از ایادی تعیین نموده ایم که در مرکز جهانی امرالله بانجام خدمت مشغول باشند . این هینت ۹ نفری ایادی موظفند که از هر نقطه که امرالله مورد حمله اعداء داخل و خارج جامعه جهانی بهائی واقع شود و ایادی امرالله در ناحیه مربوط بخود و یا محافل ملی و ناحیه ای راپرت نمایند و یا اینکه وقوع آن در ارض اقدس باشد، بکمال قدرت و جدیت بحمايت و حراست امرالله قیام نمایند ، همین هینت در مورد مسائل مربوط باجرای اهداف نقشه دهساله نیز با محافل ملیه مکاتبه خواهد نمود و نسبت بموضوعات مربوط بمسائل اداری و با استناد بنصوص مقدسه در آثار امریه که هادی محافل در یافتن راه حل صحیح است محافل ملیه را مساعدت و معاضدت خواهد کرد . « اما راجع به هینت بین المللی بهائی که از طرف حضرت ولی امرالله تعیین و در توقیع مبارک خطاب بعالم بهائی بآن بشارت داده شده این هینت بمرور ایام عاقبت با تشکیل بیت العدل عمومی آن هینت عالیه ای که بفرموده حضرت مولی الوری در الواح وصایا بموهبت مصونیت از خطا مخصص و به بیان « جعله الله مصدر كل خير و مصوناً من كل خطا » مخاطب گردیده مقصد و هدف خویش را بمرحله تحقق خواهد رسانید . . . » و همانطور که میدانیم با هدایت و حراست ایادی امرالله مقیم

## دلبر میثاق

( قسمت آخر )

« . . . در ۱۹ نوامبر ۹ نفر از ایادی امرالله منتخب از ایادی مقیم ارض اقدس و چند قاره از قارات شرق و غرب در معیت حضرت امة البهاء روحیه خانم مهرهای صندوق آهنین و میز تحریر حضرت ولی محبوب امرالله را برداشته و محتویات ثینه آنها را بکمال دقت رسیدگی کردند و سپس این عده بسایر ایادی مجتمعه در روضه مبارکه در بهجی ملحق گردیده و متفقاً تصدیق نمودند که حضرت شوقی افندی وصیت نامه ای از خود بجای نگذاشته اند و هم چنین تصدیق نمودند که حضرت ولی امرالله اولادی از خود باقی نگذاشته اند، اغصان عموماً یا فوت نموده و یا بعلت بیوفانی و عدم اعتقاد بالواح وصایای حضرت مولی الوری و ابراز کینه و عداوت نسبت بشخصی که بعنوان اولین ولی امرالله در آن سند مقدس تعیین و تسمیه گردیده از طرف حضرت ولی امرالله ناقضین عهد و میثاق معرفی شده اند . . . حضرت شوقی افندی با تعیین ایادی امرالله و هم چنین انتخاب هینت بین المللی بهائی یعنی مؤسسه که مآلاً به بیت العدل عمومی تبدیل یابد اساس نظم جهان آرای حضرت بهاء الله را بکمال اتقان پایه گذاری نموده اند « ما ایادی امرالله بعنوان حارسان مدنیت جهانی حضرت

ارض اقدس و معاونت و اعانت ساير حضرات ايادی عليهم بهاء الله الابهي امراالله حراست ، کنفرانسهای بين القارات منعقد و نقشه دهساله جهاد کبير اکبر منتهی و در ۱۹۶۲ بيت العدل اعظم الهی تشکيل گرديد .

بيت العدل اعظم در ۱۶ اکتبر ۱۹۶۲ قرار زیر را بعالم بهانی ابلاغ فرمودند :

« اين هيئت متن قرار ذيل را باطلاع آن امناء رحمٰن ميرساند . بيت العدل اعظم متوجهاً مبتهلاً بعد از غور و تعمق دقيق در نصوص مقدسه مبارکه راجع به تعيين وصی حضرت شوقی ربانی ولی امراالله و بعد از مشاورات مفصل و همچنين ملاحظه آراء حضرات ايادی امراالله مقيم ارض اقدس باين نتیجه رسيد که طريق تعيين ولی امر ثانی وصی حضرت شوقی افندی ربانی بکلی مسدود و امکان تشريع قوانينی که تعيين من هو بعده را میسر سازد بالمرة مفقود است .

اين قرار را بجمع یاران ابلاغ نمایند .

بيت العدل اعظم

باز در همان اکتبر ۱۹۶۲ چنین میفرماید :

« بيت العدل اعظم بکمال خضوع و خشوع با تقدیم ادعیه مستمره یومیه در اعتاب مقدسه اطاعة لارادة الله بر ایفاء و تعهد وظائف ثقلیه محوله اش قیام نمود ، بفرموده حضرت ولی عزیز امراالله بيت العدل اعظم امور امریه را در سراسر عالم هدایت نماید و تمشیت دهد و وحدت بخشد و جمیع

اوضاع و احوال را مجدداً ملاحظه و مطالعه کرده اساسی را وضع نماید که مادام الاقتضاء اداره امور امر الهی را تعهد کند ( ترجمه )

سلسله عهد و پیمان حضرت بهاء الله از هم نگسسته و از قدرت مکنونه و سیطره محیطه اش نکاسته است ، این میثاق غلیظ دارای دو خاصیت بی نظیر است که ازعهدود ادیان سابقه ممتازش میدارد. اول کلمه الله است که در این دور اعظم بطهارت اصلیه اش باقی و به تبیینات منصوصه الهیه غصن اعظم و غصن ممتازش مؤکد و واضح و از تصرفات عالم کون و فساد محفوظ و از کدورت تعالیم و عقاید مصنوعه بشری مصفا و از استنباطات نامشروع و تفاسیر مراجع غیر منصوص مبری . ثانی زلال هدایت الهیه است که از مؤسسه عظیمه ای جاری که حضرت بهاء الله بنفسه بنیانش را تأسیس و باختیارات عالیه اش مخصص و بهدایت محتومه مطمئنش فرموده است «

از خوانندگان محترم مستدعی است که در مورد کشف اسرار مکنونه در الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء ارواح العالمین له الفداء و توضیح بیاناتی که بحسب ظاهر اجراء نگردیده بمقاله نوشته حقیر تحت عنوان « اختتام ولایت امراالله » که در شماره های قبلی همین مجله ثمینه منتشر گردیده مراجعه فرمایند و فقط خوب است ترجمه این بیان حضرت ولی امراالله از Bahai Procedure که در کتاب نظامات بهانی درج گردیده زیب این مقال گردد «

« این دقیقه نیز بایستی خاطر نشان کلیه مؤمنین گردد که ولایت امر در هیچ وضعیت و موقعی اختیارات تامه بیت العدل را از بین نبرده و هرگز از آنچه در کتاب اقدس و در الواح حضرت عبدالبهاء در باره آن مذکور رفته باندازه سمّ ابره ای کم ننماید. هرگز و در هیچ موقعی بر خلاف وصایا والواح مبارکه حضرت بهاء الله و تعالیم مصرّحه و مؤکده او رفتار نخواهد کرد بلکه ولایت امر بر عظمت و تقدیس شان و مقام آن هیئت افزود و اساس عالیش را مستحکم نگاه میدارد .

اتحاد آنها نگرهبانی نموده و ادامه عملیات و مشاغل کارکنان آنها استقرار می بخشد . بدون آن که ذره در اختیار مصرّحه مؤکده مسلمته آنان نقصانی وارد آرد . ابناء عصر حاضر زماناً بسیار نزدیک باین اسناد والواح و مؤسسات میباشند بطوری که هیچیک قادر نیستند که ادعا نمایند کاملاً بحکم مودعه آن پی برده و باسرار مکنونه آن بصیر شده باشند . نسل آتیّه میتواند قیمت و اهمیت این شاهکار الهی را که ید قدرت خلاق آن برای نصرت وغلبه امر اطهرش در عالم ایجاد نموده استنباط کند. فقط نفوسی که پس از ما پا بعرصه وجود میگذارند درک خواهند کرد که چه حکم عجیبه و اسرار غریبه ای در تشکیل بیت العدل و ولایت امر موجود است.

آنهايي که بقدرت کلام حضرت عبدالبهاء در باره گروه ناقضین میثاق پی برده اند فقط قادرند ادراک نمایند که برای خصوصیات و مقتضیات جامعه ای

که ازاین انقلابات و استحالات بظهور خواهد رسید مؤسسات مصرّحه بقلم میثاق چقدر مناسب و چه داروی قطعی و سریع التأثیری است »

۷ - عهد و میثاق بیت العدل اعظم :

جمالقدم جلّ اسمه الاعظم در اقدس شریف فرموده اند :

« قد رجعت الاوقاف المختصة للخیرات الى الله مُظهر الايات ليس لاحدٍ ان يتصرّف فيها الا بعد اذن مطلع الوحي و من بعده يرجع الحكم الى الاغصان و من بعدهم الى بيت العدل ان تحقق امره في البلاد ليصرفوها في البقاع المرتفعة في هذا الامر و فيما امروا به من لدن مقتدر قدیر »

( اقدس چاپ طهران صفحه ۴۲ )

یعنی اوقات مخصوص خیرات بخداوند ظاهر کننده آیات راجع میشود و هیچکس نباید در آن تصرف نماید مگر بعد از اجازه از مطلع وحی ( جمالبارک ) و بعد از او حکم راجع میشود باغصان ( غصن اعظم و غصن ممتاز ) و بعد از آنها به بیت العدل اگر امر او در شهرها تحقق یافته باشد ( تشکیل شده باشد ) تا آن که آن اوقاف را در بقاع مرتفع در این امر و آنچه را که از نزد خداوند مقتدر قدیر بآن مأمور شده اند مصرف نمایند .

و باز میفرماید :

« قد ارجعنا ثلث الدّیات کلّها الى مقرّ العدل و نوصی رجاله بالعدل الخالص ليصرفوها مااجتمع عندهم فيما امروا به من لدن علیم حکیم . یارجال

العدل كونوا رعاة اغنام الله في مملكته و احفظواهم  
من الذناب الذين ظهروا بالاثواب كما تحفظون  
ابنائكم كذلك ينصحكم الناصح الامين «

( اقدس چاپ طهران صفحه ۵۲ )

يعنى يك سوم ديه ها ( خونبها ها ) بمقرّ عدل  
( بيت العدل ) راجع ميشود و رجال آنرا ( اعضاء  
آنرا ) بعدل خالص توصيه ميكنيم تا آنچه را كه  
نزدشان جمع شده در آنچه از نزد خداوند عليم و  
حكيم بآن امر شده اند مصرف نمايند . اى رجال  
عدل شما چوپانهاى ( سرپرستان ) اغنام الله در  
مملكت او باشيد و آنانرا از گرگاني كه با لباس  
( گرگ در لباس ميش ) ظاهر ميشوند حفظ نمايند  
همان طوري كه فرزندان خود را حفظ ميكنيد اين  
چنين خداوند ناصح امين شما را نصيحت مينمايد ،  
و نيز در اشراقات ميفرمايد :

« اشراق هشتم - اين فقره از قلم اعلى در اين  
حين مسطور و از كتاب اقدس محسوب ، امور ملت  
معلق است برجال بيت العدل الهى ايشانند امناء  
الله بين عباد و مطالع الامر فى بلاده يا حزب الله  
مرتبي عالم عدل است چه كه داراي دو ركن است  
مجازات و مكافات و اين دو ركن دو چشمه اند از  
براى حيات اهل عالم چون كه هر روز را امرى و هر  
حين را حكمى مقتضى لذا امور به بيت عدل راجع  
تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند .  
نفوسى كه لوجه الله بر خدمت امر قيام نمايند  
ايشان ملهمند بالهامات غيبى الهى بر كلّ اطاعت  
لازم ، امور سياسيه كلّ راجع است به بيت عدل و

عبادات بما انزله الله فى الكتاب . . . »

حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه ميفرمايند :

« . . . كتاب اقدس مرجع جميع امم و احكام الهى  
در آن مصرّح . احكام غير مذکور راجع بقرار  
بيت العدل ديگر اسباب اختلافى نه و من يتعدّ ذلك  
فاولئك هم الناعقون و اولئك هم الظالمون و اولئك هم  
الاعداء المبغضون زنهار زنهار نگذاريد نفسى رخنه  
كند و القاء فتنه نمايد اگر اختلاف آرائى حاصل  
گردد بيت عدل اعظم فوراً حل مشكلات فرمايد و  
اكثريت آراء آنچه بيان كند صرف حقيقت است  
زيرا بيت عدل اعظم در تحت حمايت و عصمت و  
عفت سلطان احديت است و او را صيانت از خطا  
فرمايد و در ظلّ جناح عفت و عصمت خويش  
محافظه نمايد و هر كس مخالفت كند مردود گردد  
و عاقبت مقهور شود . . . . »

( مكاتيب مبارك جلد سوم صفحه ۵۰۰ )

و در الواح وصايا ميفرمايد :

« و بيت عدل عمومى كه بانتخاب عموم تأسيس و  
تشكيل شود در تحت حفظ و صيانت جمال ابهى و  
حراست و عصمت فائض از حضرت اعلى روحى  
لهما الفدا است آنچه قرار دهند من عندالله است  
من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم  
فقد عصى الله . . . . اما بيت العدل الذى جعله الله  
مصدر كلّ خير و مصوناً من كلّ خطاء بايد  
بانتخاب عمومى يعنى نفوس مؤمنه تشكيل گردد ...  
اين مجمع مرجع كلّ امور است و مؤسس قوانين و  
احكام كه در نصوص الهى موجود نه و جميع مسائل

مشکله در این مجلس حلّ گردد . مرجع کلّ کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا با کثرت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممتن احب الشقاق و اظهر النفاق و اعرض عن ربّ الميثاق ... »

و باز میفرماید :

« . . . . بیت العدل عمومی اگر بشرایط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملت تشکیل شود ان عدل در تحت عصمت و حمایت حق است . آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل باتفاق آراء و یا اکثریت در آن قراری دهد آن قرار و حکم محفوظ از خطا است . حال اعضای بیت العدل را فرداً فرد عصمت ذاتی نه و لکن هیئت بیت العدل در تحت حمایت و عصمت حق است . این راعصمت موهوب نامند .

( مفاوضات - نقل از کتاب امر و خلق جلد ۴ صفحه ۲۹۸ )

حضرت ولیّ عزیز امرالله میفرماید :

« . . . در قرب آن مقامات اعمده دیوان عدل الهی منصوب شود و بیت عدل اعظم استقرار یابد و مشرق الاذکار ارض اقدس بنیانش مرتفع گردد و در ظلّ این دو مرکز روحانی حزب الله مشروعات جلیله و تأسیسات بین المللی اداری و علمی و اجتماعی آئین بهائی تشکیل شود و سریر ملکوت الله مستقر شود و علم یا بهاء الابهی بر اعلی الاعلام منصوب گردد و شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود اذاً یتحقّق ما نزل فی لوح الکرم من قلم عزّ منیع » سوف تجری سفینه الله علیک و یظهر

اهل البهاء الذین ذکر هم فی کتاب الاسماء «  
( مجموعه توقیعات مبارکه ۱۹۲۷ - ۱۹۳۹ صفحه ۲۱۵ )

و باز میفرماید :

« . . . اما آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و بتدریج از حیز غیب بعرصه شهود خواهد آمد اول و اعظم آن تأسیس دیوان عدل الهی است که اعلی ذروه قصر مشید نظم اداری امرالله محسوب و باید در جوار قبله اهل بها و مرکز روحانی آئین یزدانی استقرار یابد . . . »

( کتاب قرن بدیع قسمت چهارم صفحه ۲۸۶ )

در کتاب خاطرات ۹ ساله عکا نوشته متصاعد الی الله دکتر یونس افروخته صفحه ۲۲۴ به بعد چنین مذکور است :

« در باب آینده امر همه روزه در بیانات مبارک ( حضرت عبدالبهاء ) لزوم تأسیس بیت العدل و اهمیت آنرا گوشزد میفرمایند و با تلویحات ابلغ من التصریح میفهمانیدند که احباء گمان نکنند که بعد از غروب شمس طلعت میثاق امرالهی دستخوش بولهوسان بد کردار خواهد بود و دراین خصوص تاکید شدید میفرمودند حتی یکشب فرمودند آنچه را که من میگویم یادداشت کنید و باطراف مخابره نمائید و بذهن بسپارید و بهرکس رسیدید بگوئید تا بدانند که بعد از من امر در دست بیت العدل الهی است ، چون بسیار تاکید فرمودند که بیانات مبارک یادداشت شود آنشب در مسافرخانه هرکس بخیال خود هرچه در خاطر داشت نوشت و یادداشت این عبد از اینقرار است . شب دوشنبه

۱۶ جمادی الاولی ۱۲۱۹ هجری قمری مشرف بودیم  
بیانات چندی در خصوص بیت العدل فرمودند  
چون فرمودند که یادداشت شود لهذا آنچه از  
فرمایشات مبارک در نظر است نوشته میشود :  
فرمودند هیچ چیز خاطر مرا پریشان نمیکند مگر  
اختلاف و چاره آن اینست که جمیع احباء باید  
بامر بیت العدل اطاعت نمایند . حتی قبل از بیت  
العدل هم باید مطیع محافل روحانی که هست  
باشند ولو این که بدانند مخطی است تا اینطور  
نشود حصن حصین امرالله محفوظ نمی ماند . بیت  
العدل عمومی را باید کلّ اطاعت کنند اطاعت او  
اطاعت بامر مبارک است و مخالفت او مخالفت  
بجمالبارک ، اعراض از امر بیت العدل اعتراض از  
حق است . « در خصوص واردین از ارض اقدس  
و روایات مرقوم نموده بودید هر روایتی که سند  
در دست نباشد اعتماد نشاید زیرا اگر صدق هم  
باشد باز اسباب پریشانی است نصوص معمول بهاء  
است و بس »

( استخراج از کتاب گنجینه حدود واحکام صفحه ۴۶۰ )  
حضرت ولی امرالله میفرمایند : ( ترجمه از انگلیسی  
خطاب باحبای آمریکا ) :

« بهانیان نباید بخطابات شفاهی که بحضرت  
عبدالبهاء نسبت داده شده زیاد اهمیت بدهند مگر  
در صورتی که خطابات مزبور بشرف صحّه مبارکه  
رسیده باشد حضرت بهاءالله این مطلب را بحدّ  
کافی جهت احبا روشن فرموده اند که الواح و  
نصوص معمول بها است و بس . ممکن است موضوع

روایات بسیار جالب نظر باشد ولی بهیچوجه نباید  
بآن ترتیب اثر داد این تعلیم مبارک اساسی جمال  
اقدس ابهی برای این بوده که امر مقدّس بهائی  
مانند اسلام که در آن بجمیع احادیث و روایات  
منقوله از حضرت محمّد ترتیب اثر داده میشود  
فاسد نگردد »

( اقتباس از کتاب گنجینه حدود واحکام صفحه ۴۶۱ )

دومین وسیله : احتراز از تعبیر و تفسیر نصوص  
بوسیله اشخاص است .

جمال اقدس ابهی میفرمایند :

« ایاکم یاقوم ان تحرّفوا کلمات الله عن مواضعها ان  
اشهدوا بما شهدالله ثمّ کونوا اخواناً علی سرر  
متقابلین . . . . آنچه از آیات الهی ادراک نشود از  
معدن و مبداء آن سنوال نمائید مقصود ازاین کلمه  
آن که مباد در معنی کلمات مابین احباء الهی  
اختلاف شود و بدانند که کلمات الهیه کلّ از نقطه  
واحد ظاهر و باو راجع ایاکم ان تشهدوا الاختلاف  
فیهن اگر چه بظاهر مختلف نازل شود در باطن  
بکلمه واحده و نقطه واحده راجع و منتهی »

( کتاب بدیع صفحه ۴۰۵ )

حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه میفرماید :  
« ای یاران عزیز عبدالبهاء باید دقت در نصوص  
الهیه کرد و احکام شریعت الله مجری داشت و از  
تاویل عرفا و تشویق حکما احتراز و اجتناب کرد  
زیرا نفوس را منجمد و کسل و لاابالی و پریشان  
و سرگردان نماید و عاقبت ملت الهیه را ذلیل و

حقیر در انظار عموم کرده فسقه و فجره محسوب دارد البته دوستان حقیقی جز تقوای الهی آرزو ندارند «

( مانده آسمانی جلد ۹ صفحه ۱۸ )

باز میفرماید:

« حال استنباط راجع به هیئت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه مگر آن که در تحت تصدیق بیت العدل در آید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیئت بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملت است اختلاف حاصل نمیگردد ولی از استنباط افراد علما حکماً اختلاف شود و باعث تفریق و تشتت و تبعیض گردد و وحدت کلمه و اتحاد دین الله مضمحل شود و بنیان شریعت الله متزلزل گردد «

( ریح مختوم جلد اول ۲۰۲ )

سومین وسیله : دستور اکید در عدم مباحثه و مجادله در مسائل امری بین احباء است :

در کتاب مستطاب اقدس چنین نازل قوله الاعلی :  
« اذا اختلفتم فی امرٍ فارجموه الی الله ما دامت الشمس مشرقة من افق هذه السماء واذا غریت ارجعوا الی ما نزل من عنده انه یکفی العالمین «

( آیه ۱۲۴ )

و در لوح جمال نازل :

« حق شاهد و گواه است که ضرری از برای امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و

برودت مابین احباب نبوده و نیست «

( اقتدارات صفحه ۲۲۲ )

مرکز میثاق ارواحنا فداه چنین فرموده :

« باری ای احبای الهی صریح کتاب الهی این است که اگر دو نفس در مسئله ای از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلاف و منازعه نمایند هر دو باطلند حکمت این امر قطعی الهی اینست که در میان دو نفس از احبای الهی جدال و نزاع نشود و بنهایت الفت و محبت با یکدیگر گفتگو کنند اگر اندک معارضه ای بمیان آید سکوت کنند دیگر ابدأ طرفین تکلم ننمایند و حقیقت حال را از مبین سنوال کنند این است حکم فاصل «

( مکاتیب مبارک جلد ۲ صفحه ۲۲ )

چهارمین وسیله : امر بهوشیاری و بیداری احباء در جمیع امور است :

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

« ای یاران ، امرالله را محافظه نمائید بحلاوت لسان گول مخورید ملاحظه کنید که مقصد هر نفسی چیست و مروج چه فکر است فوراً آگاه شوید و بیدار گردید و احتراز نمائید ولی ابدأ تعرض ننمائید و نکته مگیرید و بمذمت نپردازید او را بخدا واگذارید . «

( نقل از جزوه حدائق میثاق صفحه ۴۶ )

جناب دکتر یونس افروخته از لسان مبارک حضرت عبدالبهاء چنین شنیده اند :

« هر وقت دیدید کسی بقدر سر سوزنی از جاده مستقیم امرالله انحراف جست و بعنوان عبادت یا

ریاضت یا بهر عنوان دیگر عقیده شخصی خود را بر نفسی دیگر القاء نمود بدانید که مقصودش القاء شبهه و منحرف ساختن از شاهراه الهی است که جمعی بر او بگروند و حزبی بهوای خود تشکیل دهند انحراف از جاده مستقیم هر قدر در ابتدا ضعیف و غیر قابل ذکر باشد همین که مدتی گذشت فرسنگها از راه هدایت دور میافتد و از ابتدا باید از آن انحراف ممانعت نمود ، البته هرکس بخواهد مَرده و اصحاب فراهم کند و تفرقه در بین احباب اندازد ، در ابتدا بیکی از آیات الهی متمسک میشود و خود را دلسوز امر معرفی میکند اظهار خلوص و جانفشانی مینماید تا دلهای ساده را بریاید مثلاً نه این است که تکبیر اسم اعظم را ۹۵ مرتبه میخوانیم اگر کسی بگوید چه ضرر دارد ۹۶ مرتبه یعنی یکی بیشتر تکرار کنیم یا آن که دو مرتبه ۹۵ بخوانیم بدانید که مقصودش رخنه در امرالله است . دیگر دراین امر مبارک اسرار و رموزی باقی نمانده است ، جاده امر مستقیم است منتهی آنچه در مقام مبین لازم بود گفته و نوشته ام احبا باید بیدار و هوشیار باشند از اینگونه ریاکاران پرهیز کنند هرکس را دیدید که هواخواهان و طرفدارانی چند برای خود فراهم نموده باید دقت کنید چه آرزویی در دل و چه هوائی در سر دارد زیرا این اشخاص مقصودی ندارند جز رخنه در امرالله «

( خاطرات ۹ ساله عکا صفحه ۲۸۲ بيمد )

پنجمین وسیله : تاکید در این که ناقضین و

بدخواهان در آتیه نیز در کمین خواهند بود و خصائص آنان در نصوص مبارکه تشریح گردیده است .

جمالقدم جلّ اسمه الاعظم میفرماید :  
 « وَالَّذِي يَتَكَلَّمُ بِغَيْرِ مَا نَزَلَ فِي الْوَحْيِ أَتَهُ لَيْسَ مِنِّي أَيَاكُمُ ان تَتَّبِعُوا كُلَّ مَدْعٍ أَثِيمٌ »

( اقدس چاپ طهران صفحه ۱۱۱ )

یعنی کسی که بغیر از آنچه در الواح من نازل شده تکلم کند از من نیست مبادا این که هر مدعی گناهکاری را پیروی کنید .

باز میفرماید :  
 « قُرْبُ معنوی از قُرْبِ ظاهر اقدم و اقرب است ، چنانچه مشاهده میشود بسا از نفوس که با حق بوده‌اند و در عشی و اشراق در ظاهر مشرف و لکن حق ، تصدیق قرب در حق آن نفوس نفرموده چه که از قُرْبِ معنوی محروم بوده‌اند حق عالم و سائر و اگر نفسی در اقصی بلاد ساکن و بحق ناظر باشد در حق او کلمه قُرْبِ نازل و لکن یا حَبْذا و یا طوبی « از برای نفسی که بهر دو مرزوق شود »

( مانده آسمانی جلد ۱ صفحه ۵۹ )

حضرت مولی الوری ضمن بیانات مبارکه که بوسیله شیخ علی اکبر قوچانی یادداشت شده چنین فرموده‌اند :

« در هر دوری نفسی که میخواستند علم خلاف بلند کنند يك عنوان حقّی میکنند عنوان این بود

که مقصودشان حقّ است این را وسیله می‌کردند تا آن که در گوشها قدری داخل می‌کردند بعد مقاصد خود را کم کم ترویج میدادند . دزد ماهر اول می‌آید رفیق قافله میشود و بسیار خیرخواه میشود مهربان میشود تا این که قافله را می‌آورد نزدیک دزدهای سرکوه بعد معلوم میشود که شریک دزد بود کار از کار گذشته قافله را دزد برد . احبای الهی باید بسیار هوشیار باشند در نهایت فطانت و ذكاء باشند همین که می بینند کسی عنوان جدیدی میکند و اغراض بیان کند هر عنوانی باشد عنوان جدیدی کند بدانید که مقاصد شری دارد و سبب اختلاف میشود . در این امر جمالبارك يك ميزانی قرار داده اند که آن میزان دافع و رافع اختلاف است . بجهت این که بیت العدل بنصّ قاطع در ظلّ حمایت جمالبارك است یعنی بیت عدل عمومی که جمیع بهائیان انتخاب نمایند هر اختلافی که واقع شود بیت عدل عمومی بنصّ قاطع الهی حکم است آنچه حکم کند حق است در اینصورت دیگر نمیشود شخص واحدی عنوانی بکند و استدلال بکند لهذا اختلافی نمی ماند چرا میزان در دست است میزان بیت عدل است « (نقل از جزوه حدائق میثاق تالیف شهید مجید دکتر مسیح فرهنگی صفحه ۲۲)

ششمین وسیله : احتراز از ناقضین میثاق برای حفظ و حراست احباء تأکید گشته است زیرا « يك بز گر گله را گر میکند » سعدی

جمالبارك میفرماید :

« حکم الله آن که تعرض باحدی ننمائید و لکن با نفوس مُعرض که اعراضشان ظاهر شده معاشرت و تکلم و ملاقات جائز نه هذا حکم قد نزل من سماء ارادة آمر قدیم طوبی لمن نبذ ما اراد و اخذ ما اراد الله ربّ العالمین »

( مانده آسمانی جلد ۸ صفحه ۷۴ )

باز میفرماید :

« باید از معرضین در کلّ شئون اعراض نمائیم و در آنی موانست و مجالست را جائز نداریم که قسم بخدا که انفس خبیثه انفس طیبّه را میگدازد چنان که نار حطب یابسه و حرّ ثلج بارده را «  
« لا تعاشرُوا مع الذین هم کفروا بالله و آیاته ثمّ اجتنبوا عن مثل هؤلاء »  
« ایاک ان لاتنس ذکری و لا تستانس باعدائی لآن الشیطان یذهب عن قلب الانسان نفحات الرحمن »  
« بر هر نفسی لازم است که از انفس خبیثه مشرکه اجتناب نماید »

( مانده آسمانی جلد ۸ صفحه ۲۹ )

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

« ای یاران الهی بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار باشید ... جمالبارك در جمیع الواح و رسائل احبای صادق ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع فرمودند که نفسی نزدیکی بآنان نکند زیرا نفسشان مانند سمّ ثعبان میماند فوراً هلاک میکند . از جمله در کلمات

مکنونه میفرماید مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مراقبت اشرار دست و دل هر دو بردار و خطاب باحبا میفرماید که معلوم آنجناب بوده که زود است شیطان در قیص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبای جمال سبحان را بوساوس نفسیه و خطوات شیطانیّه از صراط عزّ مستقیمه منحرف سازد و از شاطیّ قدس سلطان احدیه محروم نماید این است از خبرهای مستور که اصفیا را بآن آگاه فرمودیم که مبدا بمجالست آن هیاکل بُغضیه از مقام محمود ممنوع شوند . پس بر جمیع احباء لازم که از نفسی که رانحه بغضا از جمال عزّ ابهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگر چه بکلّ آیات ناطق شود و بکلّ کتب تمستک جوید الی آن قال عزّ اسمہ پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبدا بدام تزویر و حیلہ گرفتار آیند این است نصح قلم تقدیر «

( مکاتیب مبارک جلد ۲ صفحه ۴۱۱ بعد )

هفتمین وسیله : بر طبق نصوص صریحه هرکس قبل از هزار سال ادعای مظهریت کند باطل است.

در کتاب مستطاب اقدس میفرماید :

« من یدعی امرأ قبل اتمام الف سنۃ . کامله آنه کذاب مفتّر نسئل الله بان یؤیده علی الرجوع ان تاب آنه هو التواب و ان اصّر علی ما قال یبعث علیه من لایرحمه آنه شدید العقاب . من یأول هذه الایة او یفسرها بغیر ما نزل فی الظاهر آنه محروم من روح الله و رحمته التّی سبقت العالمین «

( اقدس چاپ طهران صفحه ۲۵ )

یعنی کسی که قبل از هزار سال کامل ادعای امر کند دروغگوی افترا زننده است . از خدا میخواهم او را یاری بر رجوع کند . اگر توبه نماید خداوند توبه پذیر است ولی اگر بآنچه گوید اصرار ورزد خداوند کسی را بر او مبعوث میفرماید که بر او رحم نخواهد نمود خداوند شدید العقاب است و (شدیداً مجازات میکند ) . کسی که این آیه را تاویل کند یا این که از آنچه بظاهر نازل شده تفسیر کند او از روح خداوند و رحمت او که بر جهانیان پیشی گرفته محروم خواهد ماند .

و هم چنین میفرماید :

« اگر نفسی به کلّ آیات ظاهر شود قبل از اتمام الف سنه کامله که هر سنه آن دوازده ماه بما نزل فی الفرقان و نوزده شهر بما نزل فی البیان که در هر شهری نوزده یوم مذکور است ابدأ تصدیق منمائید . . . چه که ضرّ این نفوس بحقیقت شجره ربانیه راجع و سبب اختلاف و جدال و نزاع و تزلزل قلوب ضعیفه و عدم استقرار امر ما بین بریه بوده و خواهند بود « ( اقتدارات صفحه ۱۴۱ )

هشتمین وسیله : اغصان دارای حقوق خاصی نیستند :

در کتاب مستطاب اقدس چنین نازل قوله الاعلی : « انّ الله قد امرکم بالمودة فی ذوی القربی و ما قدرلهم حقاً فی اموال الناس آنه لهو الفنی عن العالمین «

( اقدس چاپ طهران صفحه ۵۸ )

یعنی خداوند شما را بدوستی بخویشاوندان من امر میفرماید و لکن حقی در اموال مردم برای آنان مقدّر نشده است ، خداوند از جهانیان مستغنی است .

و در لوح عهدی میفرماید :

« محبت اغصان برکلّ لازم و لکن ما قدرّ الله لهم حقاً فی اموال الناس »

( مجموعه ای از الواح مبارکه صفحه ۱۲۶ )

نهمین وسیله ، حق در هر زمان با نیروی خلاقه خود نفوسی را مبعوث فرموده و میفرماید که میثاق الهی را حفظ نمایند .

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

« در این قرن اعظم مبارک که آفتاب روشن قرون اولی و نیر منور قرون اخری است نفوسی از رقد هوی مبعوث شوند که چون شمع در انجمن عالم بنور استقامت بر افروزند و چون بحر بمحبت جمالبارک بخروشند و چون بنیان عظیم و چون سدی از زیر حدید بعهد و میثاق الهی مستقیم و بایمان و پیمان ربّانی مستدیم گردند و مقاومت و مداومت شدید بجنود نقض و نکث نمایند و کلّ را بثبوت و رسوخ بر امرالله دلالت فرمایند و حصن حصین کلمه الله را لشکر پرشکوهند و مدینه امرالله را محافظ و مدافع »

( نقل از جزوه حدائق میثاق صفحه ۶۲ )

باری وسائل تحکیم عهد و میثاق در این امر اعظم بسیار و بی شمار است و ۹ ( نه ) وسیله ای که در بالا مذکور آمد نمونه ای از صدها وسیله است که

بقدرت یزدانی باعث حفظ و صیانت دلبر میثاق از سود جوئی و بهره گیری ناکشان و ناقضان و هرزه دلان شده و میشود .

۹ - تاکید اکید بر اتحاد احباء :

در کتاب مستطاب اقدس چنین نازل قوله الاعلی :  
« ایتاکم آن تفرقکم شنونات النفس و الهوی کونوا کالاصابع فی الیدو الارکان للبدن كذلك یعظکم قلم الوحی ان انتم من الموقنین . »

( اقدس چاپ طهران صفحه ۵۶ )

یعنی مبدا این که شنونات نفس و هوی شما را متفرق نماید مانند انگشتان در دست و اعضاء و ارکان در بدن باشید این چنین قلم وحی شما را نصیحت میفرماید اگر شما از یقین کنندگان هستید.

و نیز میفرماید :

« ای احزاب مختلفه باتحاد توجّه نمایند و بنور اتفاق منور گردید لوجه الله در مقرّی حاضر شوید و آنچه سبب اختلاف است از میان بردارید تاجمیع عالم بانوار نیر اعظم فائز گردند و در یک مدینه وارد شوند و بر یک سریر جالس ... باری بعضد ایقان اصنام اوهام و اختلاف را بشکنید و باتحاد و اتفاق تمسک نمایند این است کلمه علیا که از ام الکتاب نازل شده یشهد بذلك لسان العظمة فی مقامه الرفیع »

« هو : علت آفرینش ممکنات حبّ بوده چنانچه در حدیث مشهور مذکور که میفرماید کنت کنزاً مخفیاً فاحببت أن اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف

لهذا باید جمیع بر شریعت حبّ الهی مجتمع شوند  
بقسمیکه بهیچوجه رانحه اختلاف در میان احباب و  
اصحاب نوزد کلّ ناظر بر حبّ بوده و در کمال  
اتحاد حرکت نمایند چنانچه خلافتی ما بین احدی  
ملحوظ نشود در خیر و شرّ و نفع و ضرر و شدت  
و رخا جمیع شریک باشند انشاء الله امیدواریم که  
نسیم اتحاد از مدینه ربّ العباد بوزد و جمیع را  
خلع وحدت و حبّ و انقطاع بخشد ( مانده آسمانی  
جلد ۴ صفحه ۲۶۷ و ۲۶۸ )

حضرت مولی الوری میفرماید :

” باید جمله بجان بکوشیم و بجوشیم تا وحدت  
حقیقی در کینونات متعدده جلوه نماید یعنی کلّ  
بنده یک درگاهیم و پاسبان یک آستان باید وحدت  
اصلیه چنان جلوه نماید که حکم یک بحر و یک  
شعاع و یک روح و یک نفس پیدا کنیم . اگر  
متعدّد است الحمدلله پرتو فیض از شمس واحده  
است . اجسام اگرچه مختلف است الحمدلله حیات  
بروح واحد و آن فیض قدم جمال ابهی از ملاء  
اعلی، باری الیوم نصرتی از برای میثاق الهی اعظم  
از اتحاد و اتفاق نه وهم چنین اهانتی اعظم از  
اختلاف و شقاق نیست . والله الذی لا اله الا هو اگر  
اتحاد و یگانگی در میان ما بکمال درجه چنان که  
رضای جمالقدم است حاصل نگردد کور اعظم  
نتیجه نبخشد بلکه این حزب چون احزاب سابقه  
باشد که بکلی محو گردد “

( مانده آسمانی جلد ۹ صفحه ۸۵ )

و نیز میفرماید :

” حال باید یاران بدل و جان سمی بلیغ نمایند و  
جهد شدید مبذول دارند تا بنیان بیگانگی بر افتد  
و انوار وحدت انسان یگانگی بخشد . امروز اهمّ  
امور اتحاد و اتفاق احبای الهی است که با یکدیگر  
یکدل و یک جان شوند تا توانند مقاومت خصومت  
اهل عالم کنند و تعصّبات جاهلیه ملل و مذاهب را  
ازاله نمایند هر فردی از افراد بشر را تفهیم نمایند  
که کلّ بار یکدارید و برگ یک شاخسار ولی تا  
نفس احباء اتحاد و اتفاق کلتی نیابند چگونه توانند  
که احزاب سائره را باتحاد و اتفاق بخوانند .

جان نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش

در کائنات خارجه تفکر کنید تا عبرت حاصل  
شود ، سحاب متفرّق فیض باران ندارد و در اندک  
مدت متلاشی شود ، گله پراکنده در تحت تسلط  
گرگ افتد ، طیور متفرقه بچنگال باز مبتلا شود چه  
برهانی اعظم از این که اتحاد و اتفاق سبب ترقی و  
حیات است و اختلاف و افتراق مورث ذلّت و هوان  
واعظم اسباب خذلان و خسران . . . پس ای یاران  
الهی تا توانید بر اتحاد و اتفاق با یکدیگر کوشید  
زیرا کلّ قطرات یک بحرید و اوراق یک شجر

و لنالی یک صدف و گل و ریاحین یک

ریاض “ ( مانده آسمانی جلد ۵ صفحه ۲۷ )

بیانات مبارکه راجع باتحاد و اتفاق احباء بقدری  
زیاد است که مجموعه آنها بدون اغراق کتب

بقیه در صفحه ۷۱

## کسب فضائل عالم انسانیت و ترک رذائل عالم طبیعت

حضرت بهاء الله در لوح حکمت میفرمایند :

« قل يا قوم دعوا الرذائل وخذوا الفضائل كونوا قدوة حسنة بين الناس و صحيفةٌ يتذكر بها الاناس من قام لخدمة الامر له ان يصدع بالحكمة و يسعى في ازالة الجهل من بين البرية قل ان اتحدوا في كلمتكم و اتفقوا في رأيكم و اجعلوا اشرافكم افضل من عشيتكم و غدكم احسن من امسكم فضل الانسان في الخدمة و الكمال لا في الزينة والثروة والمال .

مضمون بیان مبارك این است . بگو ای قوم بگذارید آنچه سبب پستی است و بگیرید آنچه که موجب برتری است در بین مردم پیشوای خوبی باشید و دفتری که مردم از ملاحظه آن متذکر شوند کسیکه بخدمت امر الهی قیام کرد لازم است که با حکمت کشف حقائق نماید و سعی کند برای برطرف کردن جهل و نادانی مردم بگو در کلام و رای خود اتحاد و اتفاق حاصل کنید و قرار بدهید صبح تان را بالاتر از شب و فردایتان را بهتر از دیروز - فضل انسان در خدمت و کمال است نه در زینت و ثروت و مال .

یکی از کمالات روحانی هر شخص بهائی آنستکه سعی و کوشش نماید تا از رذائل عالم طبیعت خود را پاک و منزّه نموده بزیور فضائل عالم انسانی بیاراید چه که انسان باقتضای غریزه حیوانی دارای

متصاعد الى الله محمد علی فیضی علیه رضوان الله

تمایلات نفسانی است که همواره برای آسایش تن و بدست آوردن خوراک و تهیه مسکن تلاش نموده و دائماً در پی آنستکه موجبات لذت و خوشی جسمانی خود را فراهم نماید بدون آنکه مقید بتأمین آسایش دیگران باشد در حالیکه اگر درست ملاحظه گردد مشاهده میشود که حیوانات بدون هیچگونه زحمت و مشقتی بحدّ اعلاّی خود از چنین زندگانی طبیعی بهره مند میباشند ولی چون مقام انسان بر عالم حیوان برتری دارد هرگاه اوقات حیات را صرفاً برای تأمین مقتضیات غرائز حیوانی خویش اختصاص دهد از عالم انسان بعالم حیوان تنزل یافته و از آنچه که لایق و شایسته انسان واقعی است محروم گشته است و همین تنزل مقام که مستلزم فرو رفتن در شهوات نفسانی و مقتضیات عالم حیوانی است برای انسان رذائل شمرده شده است و باید بکوشد تا از آن دوری جسته و احتراز نماید و چون در مقابل قوای طبیعی عاجز و ناتوان است تنها بمدد و کمک نیروی ایمان قادر و توانا خواهد شد که بتواند خود را از سقوط در این پرتگاه مخوف و هولناک عالم طبیعت محفوظ داشته و در فضای نامحدود عالم روحانی پرواز نماید .

حضرت بهاء الله در لوحی چنین میفرمایند : فخر انسان در حکمت و عقل و اخلاق حسنه بوده نه در

جمع زخارف و کبر و غرور. کل از تراب مخلوق و باو راجع. ای اهل بها زینت انسان باسباب دنیا نبوده بلکه عرفان حق عزّ اعزازه و علوم و صنایع و آداب بوده شما لثالی بحر احدیه اید در لؤلؤ ملاحظه کنید که صفا و عزّت او بنفس او بوده اگر او را در حریرهای بسیار لطیف بگذارید آن حریر مانع ظهورات طراوت و لطافت او خواهد شد زینت او بنفس او است کسب این زینت ننماید و از عدم اسباب ظاهر محزون نباشید .

وحضرت عبدالبهاء در این خصوص چنین میفرمایند: ( پس واضح و معلوم شد که این نعمت و راحت و ثروت جسمانیّه سعادت تامّه جماد و نبات و حیوان است و هیچ ثروت و غنائی و راحت و آسایشی در عالم جسمانی مثل این غنای این طیور نیست بجهت اینکه این صحرا و کھسار فضای اشیانه او و جمیع دانه ها و خرمنها ثروت و قوّت او و جمیع اراضی و قریّ و چمن و مرعی و جنگل و صحرا ملک او حال این مرغ غنی تر است یا اغنیاء انسان زیرا آنچه دانه چیند و ببخشد ثروتش تناقض حاصل ننماید پس معلوم شد که عزّت و علویّت انسان مجرّد بلذاذ جسمانیّه و نعم دنیویّه نه بلکه این سعادت جسمانیّه فرع است .

( کتاب مفاوضات )

در اینصورت واضح است که میزان کامل برای شناسائی ارزش و مقام و منزلت انسان همانا فضائل و کمالات اخلاقی و خدمت بعالم بشری است نه جمع زخارف و اموال و آراستن خود و تکبّر وزریدن باین و آن چه که مال و منال هرچه ارزش داشته باشد موقّتی و فانی است ولی ارزش و مقام انسانی

واقعی که به زینت خدمت و کمال معنوی آراسته باشد واقعی و دائمی است. وجود آن ناپایدار و به لحظه ئی از دست برود و این به بقای عالم اثراتش باقی و برقرار بوده و هرگز از صفحه روزگار محو و فراموش نگردد . بدیهی است که این میزان کامل تدریجاً سایر موازین موهومه را که مقیاس برتری و امتیاز شناخته شده متزلزل ساخته و فرو خواهد ریخت .

ایضاً حضرت عبدالبهاء میفرمایند : ( واما علویّت انسانیه خصائل و فضائلی است که زینت حقیقت انسان است و آن سنوحات رحمانیه و فیوضات سمائیّه و احساسات وجدانیّه و محبّت الهیه و معرفت ربانیه و معارف عمومیّه و ادراکات عقلیه و اکتشافات فنیّه است عدل و انصاف است صدق و الطاف است شهامت ذاتیه است مروّت فطریّه است صیانت حقوق است محافظه عهد و میثاق است راستی در جمیع امور است و حقیقت پرستی در جمیع شئون . جانفشانی بجهت خیر عموم است و مهربانی و رأفت با جمیع طوائف انسانی و اتباع تعالیم الهیست و خدمت ملکوت رحمانی هدایت خلق و تربیت ملل و امم است این است سعادت عالم انسانی این است علویّت بشر در عالم امکانی این است حیات ابدی و عزّت آسمانی و این مواهب در حقیقت انسان جز بقوه ملکوتی الهی و تعالیم آسمانی جلوه ننماید زیرا قوتی خواهد ماوراء الطبیعه و در عالم طبیعت نمونه ازاین کمالات ممکن ولی بی ثبات و بی بقا مثل شمع آفتاب بر دیوار . خداوند مهربان چنین تاج وهاجی بر سر انسان نهاده پس باید بکوشیم تا گوهر آبدارش بر جهان بدرخشد . »

با ملاحظه و دقت در این دستورات و بیانات عالیّه اخلاقی واضح میگردد که افراد بهائی چگونه باید هدف و مقصد نهائی خویش را از جمیع مجاهدتها و فعالیتّهائی که در زندگانی روزانه خود بعمل میآورند وصول باین مقام عالی که کمال عالم انسانی است دانسته و آنها اصل حیات بشمارند و در این راه از فداکاری و از خود گذشتگی دریغ ننمایند و زمانی خود را قرین سعادت و نیکبختی بدانند که برای خدمت بعالم بشریت قدمی برداشته و عملاً موجبات تأمین و تکمیل سعادت هیئت اجتماعیه را فراهم سازند .

سرگذشت ایام حیات نفوس مقدّسه ذیل نمونه ایست که واضح مینماید چگونه انسان در ظلّ امر مبارک میتواند خدمت بعالم بشریت نماید :

\* \* \*

سِتِ لَوَا که نام اصلی او لویزا اِمر بود و حضرت عبدالبهاء باو این لقب را عنایت فرمودند در زمره اولین دسته زائرین آمریکائی بود که بزیارت حضرت عبدالبهاء در عکا نائل آمد روز دوم ورودش بعکا حضرت عبدالبهاء باو فرمودند من امروز باید بدیدن یکی از دوستان مریض و بسیار فقیر خود بروم ولی چون مشغولم مایلم شما بجای من بروید . سِتِ لَوَا بسیار مسرور شد که آنحضرت خدمتی باو رجوع فرموده اند ولی هنوز نرفته بود که مراجعت کرده عرض نمود که آقا از وضعیّت و ناجور بودن این شخص ناچار شدم که فوراً مراجعت کنم و عرض نمود مرض او ممکن است بمن سرایت کند حضرت عبدالبهاء باو فرمودند آیا مایل نیستی بخدا خدمت کنی خدمت

بخلق خدمت بخدا است و در خلق او صورت و مثال الهی را می بینی و فرمودند مجدداً بخانه آن مرد برو اگر خانه اش پاک نیست تو آنها پاک کن و اگر این مرد که برادر تو است کثیف و چرک است او را شست شو و تمیز کن . اگر گرسنه است غذا بده و تا این امور را انجام نداده ئی مراجعت نکن من بسیاری از روزها اینکار را کرده ام آیا ممکن نیست شما یکبار اینکار را انجام بدهید .

( نقل از کتاب درّکه دوست )

\*\*\* \*\*

جناب خواجه ربیع در کاشان فرزند ارشد ملا اسمعیل پیشوای کلیمیان بود که خود و برادرانش بامر مبارک ایمان آوردند و جناب خواجه در بین اهالی کاشان باخلاق و صفات روحانی و خیرخواهی و نوع پروری و راستی و درستی معروف گردید و بسیاری از دعاوی تجّار را حکومت محلّ بایشان رجوع مینمود که حلّ و فصل نماید . در موقعیکه نایب حسین کاشانی اطراف شهر را محاصره نموده و قطع رابطه با مرکز مملکت نموده بود از تجّار محلّ هر يك مقداری وجه میگرفت یکی از تجّار معروف کاشان را بنام میر آفتاب گرفته و در چاهی حبس نمود تا مبلغی هم از او گرفته و آزادش نماید . این شخص در آن حال نزد هرکس فرستاد که پولی تهیه کنند هیچکس جرئت اینکه خود را بزحمت انداخته و باو نزدیک شود نداشتند . دراین حالت و موقعیّت سخت جناب خواجه ربیع که همیشه مورد تکفیر این شخص بوده و هر وقت حواله بنام خواجه داشته است بشاگردش

بقیه در صفحه ۶۵

## دُرّ منظم

دُرّ منظم نام کتابی است که در آثار حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء از آن به اختصار یاد شده است. از جمله حضرت بهاء الله در یکی از الواحی که خطاب به جناب ورقای شهید نازل شده چنین میفرمایند :

« شهد الخادم بما شهد الله و اعترف بما اعترف به القلم الاعلی قبل خلق الاشیاء ... »

این که ذکر دُرّ منظم و روایات مذکوره در آن را فرمودند مطابق است و موافق و لکن ناس مخالف و منافق در این ارض هم بعضی اشارات واضح و براهین لائح و احادیث محکمه در کتب یافته اند که کلّ مدّل بر ظهور اسم مکنون و سرّ مخزون و کلمه جامعه تامّه بوده و هست مع ذلك احدی آگاه نه ... » (۱)

و حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به جناب آقا شیخ فرج الله زکّی الکردی از کتاب الدرر المنظم که قطعاً همان کتاب دُرّ منظم مذکور در لوح جمال قدم میباشد چنین یاد میفرمایند :

« ايتها الحبيب الروحاني قد وصل تحریرکم البديع و اطّلت بمضمونه الدالّ علی الوفاء بالعهد الوثيق و دعوت الله لك بالتأييد و التوفيق حتّى تقرّ عينك بمشاهدة العناية من رتك الجليل و اما الدرر المنظم

لابن طلحه قد وصل ... و اقا کتاب ابن طلحه سنستخرج منها ما يفيد و نرجعه اليکم ... سوم ذيقعدة ۱۲۲۹ عبدالبهاء عباس »

تا آنجا که این عبد مطلع است کتاب دُرّ منظم یا درر المنظم که حضرت عبدالبهاء نویسنده آن را ابن طلحه ذکر فرموده اند تا کنون به طبع نرسیده است. اما نسخ خطی از جمله آن در مصر و ترکیه موجود است. در باره نسخ موجود در مصر در صفحه ۱۹۷ کتاب فهرست الکتب الموجودة بالکتبخانه الخديويّة المصريّة الکبری که در قاهره به سال ۱۲۸۹ هـ ق به طبع رسیده چنین مذکور شده است :

« الدرّ المنظم فی الاسم الاعظم ویسمی بالجفر الصغیر و یسمی مفتاح جفر سیدنا علی لکمال الدین محمّد بن طلحة البسطامي » و نیز در صفحه ۲۰۰ همین فهرست چنین آمده است :

« الدرّ المنظم فی السرّ الاعظم لکمال الدین ابوسالم محمّد بن طلحه » .

از نسخه دیگری از این کتاب که در ترکیه موجود است دائرة المعارف اسلامی به نسخه محفوظ تحت شماره ۲۴۸ در Amuca Huseyin Pasa در استانبول

اشاره نموده و نویسنده آن را « ابن طلحه العدوی الرّاجی » دانسته است . (۲) بنابر این بر نوشته دائرة المعارف اسلامی کتاب ابن طلحه به اسم مفتاح الجفر الجامع و نیز باسم الدرّ المنظم فی السّرّ الاعظم هم تسمیه شده است علاوه بر دو عنوان فوق حاجی خلیفه در کشف الظّنون کتاب ابن طلحه را تحت عنوان الجفر الجامع و النّور اللّامع نیز مذکور داشته و در ذیل این عنوان چنین آورده است :

« الجفر الجامع و النّور اللّامع - للشیخ کمال الدّین ( ابی سالم ) محمّد بن طلحة النّصیبی ( الشافعی المتوفی سنه ۶۵۲ اثنتین و خمسين و ستّمائة ) مجلّد صغیر اوله الحمد لله الذی اطلع من اجتباہ الخ ذکر فیہ انّ الائمة من اولاد جعفر یعرفون الجفر فاختر من اسرارهم فیہ » (۳)

حاجی خلیفه در موضع دیگری از کتاب کشف الظّنون کتاب ابن طلحه را تحت عنوان « الدرّ المنظم فی السّرّ الاعظم المعظم . للشیخ کمال الدّین ابی سالم محمّد بن طلحة العدوی الجفّار ( الشافعی ) ... » صورت داده است . (۴)

ابن طلحه که اسماعیل پاشای بغدادی آثار او را در کتاب هدیه العارفین در ذیل عنوان « الجفّار . محمّد بن طلحة بن الحسن بن محمّد الجفّار القرشی العدوی کمال الدّین ابوسالم النّصیبی وزیر الشافعی » مذکور داشته در سنه ۵۸۲ هـ ق ( ۱۱۸۶ م ) وفات یافته است . آثاری که از ابن طلحه بر جای مانده مطابق صورت مندرج در هدیه

العارفین حدّ اقلّ بر نه اثر بالغ است که از جمله شامل الجفر الجامع و مصباح النّور اللّامع و الدرّ المنظم فی الاسم الاعظم میباشد (۵)

از مجموع توضیحات مندرج در کشف الظّنون و هدیه العارفین چنین بر میآید که ابن طلحه را در زمینه جفر لااقل دو رساله است که یکی به الدرّ المنظم موسوم است و دیگر به الجفر الجامع و النّور اللّامع . این هر دو رساله در مجموعه خطی موجود در اسلامبول که به آن اشاره شد ( Istanbul, Amuca Hüseyin Paşa 348 ) مندرج گردیده است . این مجموعه حاوی ۱۷۷ ورق است که در هر ورق آن دو صفحه ۱۷ سطری بخط نسخ نسبتاً درشت کتابت شده است . این نسخه این طور آغاز میشود :

« قال الشیخ الامام کمال الدّین ابوسالم محمّد بن طلحه الرّاجی عفو ربّه و رضاه الحمد لله الذی اطلع من اجتباہ من عباده الابرار علی خبايا الاسرار ... » و نویسنده در ورق چهارم اسم کتاب را « الدرّ المنظم فی السّرّ الاعظم » تعیین مینماید . آخرین عبارات کتاب در ورق ۱۷۷ چنین است :

« ... الهی ارحمنی اذا انقضی اجلی و انقطع عملی و لبست کفنی و فارقت سکنی یا ارحم الراحمین و هذا آخر الکتاب و الحمد لله ربّ العالمین و هو حسبی و نعم الوکیل و صلّ الله علی سیدنا محمّد و علی آله و صحبه و سلّم تسلیماً » (۶)

این نسخه فاقد تاریخ کتابت است اما در پایان

ورق ۱۷۷ کاتب آن خود را چنین معرفی نموده است :

« تَمَّ عَلَيَّ يَدُ افقر عبادَه و احوجهم اليه الفقير الراجي عفو ربه القدير الفقير عبدالرحمن بن احمد ابن محمد البدهلي (؟) الشافعي غفر الله و لو الديه و للمسلمين » .

نکته ای که در باره این نسخه خطی باید گفته شود آن است که این اثر علاوه بر کتاب الدر المنظم که در اول آن قرار گرفته ( ورق اول تا چهارده ) و الجفر الجامع که به دنباله آن آمده ( ورق چهارده تا سی و چهار ) مشتمل بر چندین رساله کوتاه و بلند دیگر و تعدادی از خطب حضرت امیرالمؤمنین است که بصورت مجموعه ای تألیف گردیده است . از جمله در ورق ۸۲ این مجموعه رساله ای آغاز گشته که نویسنده آن یعنی عبدالرحمن بن محمد ابن علی بن احمد البسطامی ( فوت ۸۵۸ هـ ق ۱۴۵۴ م ) آن را مفتاح الجفر الجامع و مصباح النور اللامع تسمیه کرده است .

اساس مطالب مندرج در رسالات این مجموعه مبتنی بر شرح و بسط نقشی است که به حضرت امیرالمؤمنین منسوب است . این نقش که حاوی دو اثر ، خطوط ، اسماء الهی و حروف مختلفه میباشد به « لوح قضا و قدر » و « جفر جامع » نیز تسمیه گشته و شرح و بسط این نقش وجه همت اهل جفر قرار گرفته و وقایع عدیده از آن استخراج شده است . از جمله در رسالات این مجموعه به

صدها حادثه طبیعی ، وقایع سیاسی ، مذهبی و تاریخی که اتفاق افتاده و یا خواهد افتاد اشاره گشته است . این اشارات گاهی به صراحت و اکثراً به رمز و اشارت و کنایت است . زبان کتاب در بسیاری از موارد پیچیده و مبهم است زیرا برای بیان مطالب ازاعداد ، حروف ، الفاز و رموز بصورت بسیار وسیع و متنوع استفاده شد و به احادیث و روایات و اشعار مختلفه استشهاد گشته است . از جمله نکاتی در این کتاب مذکور شده که مصادیق آنها در وقایع و حوادث این ظهور بوقوع پیوسته است . این کتاب همچنین حاوی بعضی از احادیث مهمه ای است که بعضی از آنها در آثار بهائی نقل و یا به آنها اشاره شده است . در سطور ذیل چند نمونه از اشارات و احادیث مندرج در این کتاب را عیناً نقل و در باره هریک از آنها نکاتی را مندرج میسازد :

۱ - در ورق ۱۷ چنین آمده است : « ... و یری العجب بین جمادی و رجب و یصیر العباس امام الناس ... و یحکم الصبّی صاحب الوجه البهی ... و یجلس علی السّریر حرف الشّین ... و یجلس یوسف علی سریر یوسف ... »

در استشهاد به این کلمات در رساله ایّام تسعه چنین آمده است :

« ... در بیانات شیخ محیی الدّین عربی و شیخ ابوسالم طلحه و غیره نیز در ضمن اخبار وقایع یوم ظهور پس از بیانی طولانی که راجع به ظهور مبارک حضرت اعلی و جمال مبارک و قیام حضرت

عبدالبهاء و دوره سلطنت روحانیه هریک از آنجودهای مقدسه مسطور گردیده راجع بدوره حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه از آن بزرگوار بصبی تعبیر گردیده است قوله ثمّ يحكم الصبى صاحب الوجه البهى و يجلس على السّير حرف الشّين يعنى بعد از حضرت عباس عبدالبهاء صبى و طفلى كه صاحب رخساره روشن است بر سریر ولایت عظمی جالس میشود و آنجود مبارك حرف اول نام مقدّسش شین است يعنى حضرت شوقی رتانی جلّ سلطانه. برای تفصیل و اطلاع بیشتر به استدلالیه حضرت صدر الصدور همدانی و جلد سوم کتاب درج لنالی هدایت مراجعه شود « (۷) »

و با نقل همین کلمات در رساله بشارات کتب آسمانی چنین مذکور شده است :

« ... در کتاب فتوحات مکی محیی الدین اعرابی پس از وقایع ظهور و نیز شیخ ابوسالم طلحه مینویسد ( ثمّ يحكم الصبى صاحب الوجه البهى و يجلس على السّير حرف الشّين ) يعنى جوانی حکم میکند که صاحب وجه نورانی است و بر کرسی حرف الشّين جالس است حرف الشّين اشاره به نام مبارك [ شوقی ] است « (۸) »

در جملات منقول در فوق عبارت « ... و يجلس يوسف على سریر يوسف ... » میتواند به جانشینی حضرت عبدالبهاء پس از حضرت بهاء الله تفسیر گردد ، چه هم حضرت بهاء الله و هم حضرت عبدالبهاء در آثار متعدده بهائی به « يوسف »

مستى گشته اند . علّت تسمیه به « يوسف » آن است که جمال اقدس ابهى و حضرت عبدالبهاء نظیر حضرت يوسف هر دو به بی مهری و مخالفت برادران مبتلا گشتند . (۹)

جالب توجه است که قدمای مبلّغین بهائی به این نوع روایات و بشارات بسیار استدلال می نموده اند از جمله آقا سید اسدالله قمی در هنگام تبلیغ مشهدی عبدل قراباغی ضمن شرح وقایع این ظهور به صعود جمال قدم پس از چهل سال رسالت اشاره میکند و سپس میگوید « ... و بعد به موجب حدیثی که میفرماید و یصیر العباس امام الناس امروزه حضرت عبدالبهاء که نام مبارکش عباس است پیشوای مؤمنین و خلیفه امر حضرت رب العالمین است ... » (۱۰)

۲ - در ورق ۲۴ چنین مذکور است : « ... یا ابا العباس انت امام الناس سبحان من یحیی الارض بعد موتها ... »

این کلمات ممکن است به ظهور جمال قدم و تجدید حیات روحانی عالم در اثر ظهور جدید تعبیر شود . چنانچه مذکور شد در مجموعه مورد مطالعه احادیث و روایاتی نیز مذکور شده که بعضی از آنها در آثار بهائی نقل و یا به آنها اشاره شده است . البته لازم به تذکر است که این نوع احادیث در سایر کتب معتبره شیعه و سنی نیز روایت گشته و اختصاص به این مجموعه ندارد . ذیلاً یکی دو نمونه از این نوع احادیث را نقل می

نماید :

۳ - در ورق ۲۵ چنین آمده است :

« ... قد اظهر [ الامام على ] احكام اللفظ بقوله الفاعل مرفوع و المفعول منصوب و المضاف اليه مجرور ... » (۱۱)

حضرت ربّ اعلی در جواب سائلی اصفهانی که از علم نحو سنوال نموده با نقل کلام حضرت امیر که در فوق مذکور شده چنین میفرمایند که حکم علم نحو همان دستورالعمل کلی حضرت امیرالمؤمنین است که فرمود « کلّ فاعل مرفوع و کلّ مفعول منصوب و کلّ مضاف اليه مجرور ... » (۱۱)

۴ - و در ورق ۴۳ این حدیث آمده است :

« ... اعلم ان جميع اسرار الله تعالى في الكتب السماوية في القرآن و جميع ما في القرآن في الفاتحة و جميع ما في الفاتحة في بسم الله و جميع ما في بسم الله في باسّم الله و جميع ما في باسّم الله في النقطة التي تحت الباء قال الامام على و ان [كذا - انا صحيح است ] النقطة التي تحت الباء ... »

حضرت بهاء الله در اشاره به این حدیث در ذیل این بیت :

« و ملك معالى العلم فى الباء سرّة

و باء الجهر بالستر خرت لنقطتي »

که در قصیده عزّ ورقائیه آمده چنین میفرمایند :

« بالباء ظهر الوجود و بالنقطة تميّز العابد من المعبود حديث كلّما في القرآن في الحمد الى آخره » (۱۲)

در اشاره به حدیثی که نقل شد حضرت ربّ اعلی در تفسیر بسم الله الرحمن الرحيم چنین میفرمایند:

« السّرّ المقنع بالسترّ هيكل الاحدية قال على عليه السلام السّرّ البسملة في الباء و سرّ الباء في النقطة وانا النقطة تحت الباء و في الحديث ظهرت الموجودات من باء بسم الله الرحمن الرحيم و قد عبّر في الاحاديث عن تلك الرتبة بالشجرة الطوبى و بالقصبة الحمراء و القضاء المثبت و الصبح الازل و الرحمة الجامعة ... » (۱۲)

۵ - در ورق ۴۶ حدیث ذیل از حضرت

امیرالمؤمنین نقل گردیده است :

قال اميرالمؤمنين على ابن ابيطالب كرم الله وجهه العلم نقطة كثرها الجاهلون ... » (۱۴)

حضرت بهاء الله در جواهر الاسرار میفرمایند :

« ... و يشاهد في هذا السفر بان المختلفات كلّها ترجع الى كلمة واحدة والاشارات تنتهي الى نقطة واحدة كما شهد بذلك قول من ركب على فلك النار و مشى في قطب الاسفار حتّى وصل الى ذروة الاعلى في جبروت البقاء [ مقصود حضرت امیرالمؤمنین است ] بان العلم نقطة كثرها الجاهلون ... » (۱۴)

۶ - و در ورق ۹۵ چنین آمده است :

« ... قال [ امیرالمؤمنین ] رضی الله عنه اذا نَفَد عدد حروف بسم الله الرحمن الرحيم فانه يكون اوان ولادة المهدي ، شعر

» اذا نَفَد الزّمان على حروف

بسم الله فالمهدي قاما

و دوران الخروج عقيب صوم

الا بلغه من عندي سلاما »

در مجلد هشتم کتاب روضات الجنّات ابیات فوق با اندکی تغییر به محیی الدّین ابن عربی نسبت داده شده است که گفت :

» اذا دار الزّمان على حروف

بسم الله فالمهدي قاما

و اذا دارالحروف عقيب صوم

فاقرؤا الفاطمي متي السلاما» (۱۵)

در این ابیات ارزش رقمی « بسم الله » معادل عدد ۱۶۸ است و اگر کلمه « صوم » را معادل ماه « رمضان » که ماه صوم است بگیریم رقم « رمضان » معادل عدد ۱۰۹۱ خواهد بود و جمع دو رقم ۱۶۸ و ۱۰۹۱ برابر ۱۲۵۹ خواهد گردید . در این صورت عقیب رقم ۱۲۵۹ رقم ۱۲۶۰ است که سنه ظهور حضرت ربّ اعلی به حساب هجری قمری میباشد .

در آنچه فوقاً مرقوم گردید شرحی بسیار مختصر در معرفی یکی از نسخ خطّی درّ منظم و رسائل ضمیمه آن عرضه گشت و چند عبارت و روایت از آن نقل گردید تا نمونه ای از مندرجات این اثر ارائه شده باشد . بدیهی است که مراد از نوشتن این مقاله و استخراج این قبیل اشارات اثبات حقانیت این ظهور نیست چه حقانیت این امر اعزّ صمدانی که در جمیع شئون و اطوار آن متجلّی است واضحتراً از آن است که به استدلال و استشهاد به کتبی نظیر درّ منظم محتاج باشد ، اما چون ذکر این اثر در الواح جمال قدم و حضرت عبدالبهاء مذکور گشته این چند صفحه تحریر و تنظیم شد تا اثر ابن طلحه به اجمال معرفی شده باشد . تعیین دیگر نسخ خطّی این اثر و مطالعه عمیق و وسیعتر و مندرجات آن و نیز تحقیق در شرح احوال و سایر آثار ابن طلحه از جمله مطالعاتی خواهد بود که به آینده ایام موکول است .

## یادداشتها

۱ - حضرت بهاء الله ، مجموعه آثار قلم اعلی ( طهران : لجنه مَلّی محفظه آثار ، ۱۳۲۲ ب ) ، شماره ۱۹ ، ص ۲۳۲ - ۲۳۳ فقراتی از این لوح در کتاب مائده آسمانی ( طهران : مؤسسه مطبوعات امری ، ۱۳۸ ب ، ج ۱ ، ص ۱۹ - ۲۴ ) نیز به طبع رسیده است .

۲ - نگاه کنید به دائرة المعارف اسلامی به زبان انگلیسی ( Encyclopaedia of Islam ) ، طبع جدید ، ج ۲ ، ص ۲۷۶ ، ستون اول ، ذیل عنوان: جفر " چنانچه از عین کتاب درّ منظم نقل خواهد شد کلمه " الر اجی " که نویسنده مقاله دائره المعارف اسلامی آن را به عنوان لقبی بدنباله اسم ابن طلحه آورده ربطی به اسم ولقب ابن طلحه ندارد و اسم فاعلی است به معنی " امیدوار "

۳ - حاجی خلیفه ، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون ( بیروت : دارالفکر ، ۱۹۸۲ م ) : ج ۱ ، ص ۵۹۲ .

۴ - کشف الظنون ، ج ۱ ، ص ۷۲۴

۵ - اسماعیل باشا البغدادی ، هدیه العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين ( استانبول : وكالة المعارف ، ۱۹۵۱ - ۱۹۵۵ ) دوجلد دريك جلد ، ج ۲ ، ص ۱۲۵ .

۶ - از جناب جواد قوچانی که بنا به تقاضای این عبد میکروفیلم این نسخه را در اسلامبول تهیه و به لطف برای این فانی ارسال فرموده اند قلباً سپاسگزارم .

۷ - عبدالحمید اشراق خاوری ، ایام تسعه ( طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری ، ۱۲۱ ب ) ، ص ۴۵۵ .

نکته ای که در این مقام لازم به توضیح است آن که استدلالیه حضرت صدر الصدور که جناب اشراق خاوری خواننده را به آن ارجاع داده اند هنوز به طبع نرسیده است . اما در صفحات ۵۴۹ - ۵۵۲ کتاب درج لنالی هدایت جلد سوم ( طبع ژلاتینی در اصفهان به سال ۱۰۰ بدیع ) که خواننده را به آن نیز ارجاع داده اند شرح مبسوطی از استدلالیه جناب صدر الصدور را نقل نموده و در چند جمله مقدماتی قبل از نقل کلام جناب صدر الصدور چنین مرقوم داشته اند :

" و از جمله مبشرین محیی الدین عربی است . جناب صدر الصدور همدانی در استدلالیه خویش مطالبی از فتوحات مکّیه تألیف محیی الدین نقل کرده اند و اسرار آن را کشف فرموده در این مقام خلاصه آن را مندرج میسازد حاجی صدر میفرمایند محیی الدین در فصل ۲۲ فتوحات در شرح دائره امیرالمؤمنین ... بیانات مفصلی فرمود ... "

آنچه بعد از این عبارت نقل شده و به فصل ۲۲ کتاب فتوحات مکّیه منسوب گشته در فصل ۲۳ کتاب فتوحات مکّیه موجود نیست بلکه عبارات منقول که مورد شرح و بسط جناب صدر الصدور قرار گرفته از فصل ۲۲ کتاب احمد بن علی البونی ( فوت ۶۲۲ هـ ق / ۱۲۲۵ م ) موسوم به شمس المعارف الکبری ( بیروت : دارالفکر : ۱۹۸۰ : چهار جزء در يك مجلد ، ص ۲۲۸ - ۲۴۵ ) نقل گردیده است . آخرین عبارتی که شرح و بسط آن به نقل از استدلالیه صدر الصدور در صفحه ۵۵۲

کتاب درج لنالی هدایت جلد سوم درج شده این است : « و يحکم الصبى صاحب الوجه البهى و يجلس على السّير حرف الشّين . . . مقصود از صبى صاحب وجه بهى و حرف شين حضرت شوقى رتانی است که بعد از حضرت عبدالبهاء مبین کتاب و مرجع اهل بهاء و حجت الهیه بر جمیع دنیا است. » عبارت « و يحم الصبى . . . » چنانچه در متن این مقاله مذکور شد در وروق ۱۷ در منظم مندرج گردیده و در تصفّح حقیر در فتوحات مکيه و شمس المعارف الكبرى این عبارت ملاحظه نگردید.

۸ - حسام الدین نقبائی ، بشارات کتب آسمانی ( طهران : مؤسسه مطبوعات امری ، ۱۲۴ ب ) ، ص ۲۶۰ چنانچه در ذیل یادداشت شماره ۷ مذکور گشت عبارت : « . . . يحکم الصبى . . . » در ورق ۱۷ در منظم مذکور گردیده و در فتوحات مکيه بنظر حقیر نرسیده است . جناب ذکراالله خادم هم در کتاب بیاد محبوب همین بشارات را از یادداشت های آقای دکتر فروغ بشاری نقل نموده و آن را به خطبه امیرالمؤمنین منسوب داشته اند . نگاه کنید به کتاب بیاد محبوب ( طهران : مؤسسه مطبوعات امری ، ۱۲۱ ب ) ، ص ۱۹۲ .

۹ - برای ملاحظه نصوص و شروح وارده در این خصوص نگاه کنید به کتاب جناب میرزا اسدالله فاضل مازندرانی موسوم به اسرار الآثار ( طهران : مؤسسه مطبوعات امری ۱۲۹ ب ) ، ج ۵ ، ص ۲۷۰

و کتاب جناب عبدالحمید اشراق خاوری موسوم به رحیق مختوم ( طهران : مؤسسه مطبوعات امری ، ۱۲۱ ب ) ، ج ۲ ، ص ۶۸۷ - ۶۹۰ .

۱۰ - عزیزالله سلیمانی ، مصباح هدایت ( طهران : مؤسسه مطبوعات امری ، ۱۱۸ ب ) ، ج ۴۱ ، ص ۹۷ .

۱۱ - نگاه کنید به صفحات ۶۶ - ۶۷ مقاله این عبد نویسندۀ تحت عنوان « نگاهی به چند زمینه از تجلی ادب پارسی در آثار بهائی » که در کتاب خوشه هائی از خرمن ادب و هنر ( لندگ : انجمن ادب و هنر ، ۱۹۹۰ م ) به طبع رسیده است .

۱۲ - حضرت بهاء الله آثار قلم اعلى ( طهران : مؤسسه مطبوعات امری ، ۱۲۱ ب ) ، ج ۳ ، ص ۲۰۴ . حضرت عبدالبهاء نیز حدیث « کَلَمَا فِي الْقُرْآن فِي الْحَمْد . . . » را به کرات نقل فرموده اند ، از جمله نگاه کنید به مکاتیب عبدالبهاء ( قاهره : کردستان العلمیه ، ۱۹۱۰ - ۱۹۱۲ ) ، ج ۱ ، ص ۴۱ و ج ۲ ، ص ۹ .

۱۳ - حضرت ربّ اعلى ، مجموعه آثار حضرت اعلى ( طهران : لجنه ملى محفظه آثار ) ، فتوکپی نسخه خطی ، ص ۲۲۸ .

۱۴ - حضرت بهاء الله ، آثار قلم اعلى ( طهران : مؤسسه ملى مطبوعات ، ۱۲۱ ب ) ، ج ۳ ، ص ۲۵ .

۱۵ - محمد باقر خوانساری ، روضات الجنّات ( قم : مکتبه اسماعیلیان ، بی تاریخ ) ، ج ۸ ، ص ۵۶ .

## تاریخ زرین شهادت

### شرح شهادت و خدمات شهید مجید جناب ستار خوشخو علیه رضوان الله

## جلال میثاقی



مأمّن و ماوای مسافرین و زائرین احباب بود که در بدو ورود به شیراز آدرس تشکیلات امری را از ایشان اخذ و راهنمایی های لازم را بعمل میآوردند . خانه ایشان محلّ تشکیلات امری و اجتماعات احبا بوده زیرا در آن ایام در شیراز محلی بنام حظیرة القدس غیر از منزل خال حضرت اعلی وجود نداشته و این مرد نازنین باغوش باز بدون ترس و واژه از احباء و دوستان پذیرائی و دلجوئی میکرده فرزند دلبندش بنام ستار خوشخو که نامش گواه صفاتش و عاقبت حالش میباشد بر حسب شرح حالیکه صبیّه ایشان نوشته اند مشارالیه یکساله بوده که مادرش وفات کرده و از مهر مادری محروم گردید . تحصیلات مقدماتی را در شیراز به پایان رسانیده و با تحرّی حقیقت بامر مبارک مؤمن و در خدمت دانشمندان معروف جناب طرازالله سمندری و

از نقطه نظر مجالست و مؤانست اینجناب جلال میثاقی با شهید مجید جناب ستار خوشخو اینک شرح مختصری از حالات آن روح پاک و نازنین را ذیلاً می نگارم .

جناب ستار خوشخو فرزند متصاعد الی الله جناب مشهدی علی سروسنّانی میباشد که ایشان در شیراز سکونت و بشغل قالی فروشی و امتعه دست باف اشتغال داشتند . محل شغل ایشان در بازار نزدیک مدرسه خان در شیراز بوده و اهالی این ناحیه و حتی اشخاصیکه قالی فروشی داشتند و رقیب شغلی مرحوم مشهدی علی و در نهایت درجه تعصب مذهبی بودند در اثر حسن سلوک و صحتّ عمل و درستکاری این مرد شریف شیفته اخلاق و رفتار ایشان بوده و افراد اعم از احباب و یا اغیار کالاهای خود را بطور امانت در اختیار ایشان برای فروش گذاشته و کمال رضایت را از حسن معامله و رفتار مشارالیه ابراز میداشتند و ضمناً محل کسبشان

جناب نوش آبادی و جناب فیضی و سایر مبلغین کسب معلومات امری نموده و در دوران جوانی با پای پیاده برای تبلیغ به نقاط اطراف شیراز سفر کرده در سال ۱۲۲۰ هجری شمسی با دختری از خانواده بهائی ازدواج و هر دو عاشقانه به خدمت امراالله قیام نمودند، چند سال در بهداری ارتش بخدمت مشغول بوده و در نقشه چهل و پنج ماهه دستور حضرت ولیّ عزیز امراالله را برای امر مهاجرت لبیک گفته از خدمت دولت کناره گیری در حالیکه کودکی یکساله داشته به کازرون یکی از نقاط فارس به مهاجرت رفته و مدت یکسال در آن شهر به تبلیغ و تبشیر و ابلاغ کلمة الله پرداخته در اثر اغتشاشات محلی خانه و کاشانه اش مورد تالان و تاراج قرار گرفت و ناچار شبانه مجبور به ترک محل گردید چند سالی در شیراز اقامت ولی قرار و آرام نداشت این مرتبه به اصطهبانات شهری که اهالیش به تعصب معروف و هنوز کمتر بهائی قدم بانجا گذارده بود مهاجرت کرد در آن محل داروخانه ای تأسیس و ضمن کسب و کار به تبلیغ مشغول شدند و به بینوایان و فقرا کمک و مساعدت می نمودند بعد از مدتی سرمایه را از دست داده و امور معیشت مختل و از طرفی تشدید و فشار معاندین شدت گرفت ناچار به شیراز مراجعت و در خدمات امری عاشقانه میکوشید همیشه کیفی بزرگ محتوی اخبارات و بشارات و کتب امری همراه داشت و از کوئی و برزنی و از خانه به خانه ای شتابان و در سیر و گردش بود دقیقه ای راحت

نداشتند و ماکتر بدیدار او موفق میشدیم سحرگاهان بعد از تلاوت مناجات به درگاه کبریائی از خانه خارج و اکثر مواقع نیمه های شب خسته و نالان ولی با روحی شاد از لذت خدمت به خانه مراجعت می نمود آوارگان بی خانه و کاشانه را در حدّ توانائی سر و سامان میداد و هر وقت پدر را می دیدیم یا از مسافرت مراجعت یا عازم سفر بود آنی راحت و دقیقه ای آسایش نداشت در سالهای ۱۲۵۶ و ۱۲۵۷ شمسی که مراکز امری اطراف شیراز از قبیل خرموج - سروستان - نیریز - داریون و غیره مورد تهاجم اعداء قرار گرفت و بهائیان بی کاشانه شده خانه های آنها غارت شده بود و به شیراز میآمدند، بدستور محفل مقدّس روحانی شیراز آنها را در کوچه شمشیرگرها یا حظیرة القدس و سایر محل سکنی داده و خود مرتباً از آن ها دیدن و حوائج آنها را برطرف میکرد و آنها را به استقامت در برابر ظلم و جور ستمگران تشجیع و روحشان را غنی از تلاوت آیات و مناجات مینمود . در اواخر سال ۱۲۵۷ شمسی در واقعه قریه سعدی شش کیلومتری شیراز خانه اش بدست اعداء طعمه آتش شد و تمام زندگی خود و فرزندان به تاراج رفت ، با وجودیکه همه چیز را از دست داده بود از صبح تا دیرگاه شب در حظیرة القدس شیراز که پناهگاه انبوهی از آوارگان بود وسائل راحت و آذوقه ایشان را فراهم مینمود و باهمکاری عده نی از احبای خادم ، دقیقه ای آرام و قرار نداشت از بیوتی که آوارگان در آن سکنی

داشتند دیدن میکرد بالاخره وسیله مأمورین دادگاه انقلاب اسلامی باتفاق چند نفر دیگر زندانی شد و مدت یکسال در زندان با مشکلات فراوان بسر برد در تمام نامه هائیکه از زندان می نوشت طلب دعا برای حسن خاتمه می کرد در یکی از نامه هایش چنین مینویسد :

( امرالله در هر دوره ای احتیاج به آبیاری دارد و اگر خون من لیاقت داشته باشد در راه امر ریخته شود و اگر آزاد شوم خلق جدید شده ام )  
و همچنین در کارت تبریکی بمناسبت عید نورز چنین نوشته :

( همسر عزیز باوفایم ، نورچشمان عزیزم ، بستگان نسبی و سببی ام اگر امسال جسماً در میان شما نیستم ولی روحاً در بین شما هستم در این ایوانی که باراده حق با دوستانم آرمیده ام نه تنها ناراحت نیستم بلکه از سالیان ماضیه خوشحال ترم ) و در خاتمه نامه تقاضای حسن خاتمه کرده اند تا اینجا گزارش و مشهودات صبیحه ایشان بپایان میرسد .  
اما بقیه مشاهدات فدوی نسبت به خدمات برجسته آن یار عزیز و محبوب :

پس ازتحصیلات بهداشتی به خدمت اداره فرهنگ شیراز در آمد و در مدارس مراقب وضع صحّی و بهداشتی اطفال بود و در این باره نهایت کوشش و جدّیت را بعمل میآورد بطوریکه محبوب القلوب رؤسای اداری و اولیای اطفال قرار گرفته بود ازاین نظر احبا هرگونه اشکالی راجع به اطفال بهانی در مدارس پیش می آمد که منجر به ناراحتی های تحصیلی آنها میشد با جدّیت خستگی ناپذیر

برطرف میکرد جای نگرانی برای احباء ازاین جهت حتی برای نقاط اطراف شیراز که اطفالشان برای ادامه تحصیل دچار مشکلات میشدند نبود . همواره تمام اوقات خود در تشکیلات امری میکرد از جمله در چند لجنه عضویت داشت و به سمت منشی در اثر ممارستی که در این قسمت داشت انتخاب میشد با وجود تراکم امور امری و تشکیلاتی محال بود کار فوق العاده امری و سرکشی به نقاط امری شیراز چه از طرف محفل و چه از طرف لجنات بایشان ارجاع شود امتناع ورزد. همیشه قبل از تشکیل جلسه در جلسات حضور پیدا میکرد و برتق و فتق امور می پرداخت نکته قابل توجه اغلب روزهای جمعه برای اداره کلاسهای دروس اخلاقی با اتوبوس به سروستان که یکصد و بیست کیلومتر از شیراز فاصله داشت عزیمت و عصر مراجعت میکرد و نیز جهت دلجوئی و رسانیدن اخبار و بشارات امری به احبای ساکن نقاط جنوب شیراز که اغلب نقاط صعب العبور بود با الاغ در بحبوحه گرمای تابستان مسافرت و احباء را به صبر و شکیبائی در اثر فشار و تضییقاتی که مرتب از طرف اغیار بآنها وارد میشد متذکّر میداشت .  
چندی بود که از خدمت دوائر دولتی مستعفی و اوقات خود را در حظیره القدس شیراز برای انجام امورات محفل مقدّس روحانی شیراز و لجنه منطقه ای صرف و لحظه ای از پا نمی ایستاد تا آنکه اوائل انقلاب جزء اولین گروه زندانی، ابتدا در حظیره القدس شیراز که وسیله مأمورین انقلاب اشغال شده بود زندانی و سپس به

بقیه در صفحه ۵۷

## شعر نا گفته

روزگاری من وجودی داشتم  
سایه ای نابود بر دیواره  
سایه ام بنیاد و بنیانی نداشت  
عمر من در ظلمت دیجور بود  
ناگهان وقت سحر نوری بتافت  
موکب سلطان عشق از ره رسید  
عشق پیدا شد جهان معمور گشت  
آدم خاکی گلی دیگر گرفت  
در جهان شوری دگر آمد پدید  
عشق چون از نو گلم را می سرشت  
شعر من بی لفظ و خط و گفت بود  
شعر من در دل چو دریای کبود  
شعر من روشن چو شمع انجمن  
سوخت جانم ز آتش جانسوز او  
سوخت دل زان شعر جز آهی نماند  
آه شد آزاد شد پرواز کرد  
با صبا همدم شد و همداستان  
غنچه ای هر جا تبسم میکند  
اوست در لبخند طفل شیرخوار  
در صفای دلپذیر ماهتاب  
درافق چون صبح افرازد درفش  
در میان دفتر گلبرگها  
در خرام ابرهای آسمان  
هر کجا لطف و صفا و شادی است  
باشد آنجا جلوه گاه شعر من

نی غلط گفتم نمودی داشتم  
بینوایی بی کسی بیچاره  
جنبشی گرد داشت خود جانی نداشت  
هستی ام يك وصله ناجور بود  
آسمان صد پرده زربفت بافت  
سایه اندر پرتو اش شد ناپدید  
تیرگی برخاست جمله نور گشت  
نار عشق اندر وجودش در گرفت  
چرخ گردون خلق دیگر آفرید  
گوشه دل شعر نابی بر نوشت  
شعر من با روح و جانم جفت بود  
موج میزد راه بیرونش نبود  
لیک پنهان مانده در روپوش تن  
کس نبیند نور دل افروز او  
غیر آه گرم جانکاهی نماند  
سیرهای دلکشی آغاز کرد  
شد چمن آرای باغ و بوستان  
شعر دیرین را تجسم میکند  
در نگاه مادر امیدوار  
در نوای دلنواز جوی آب  
سبز و زرد و سرخ و آبی و بنفش  
باز گوی زند گیها مرگها  
در طپیدنهای قلب عاشقان  
هر کجا آزادی است  
دفتری ز آن شعر بیرون از سخن

# THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHÁ'Í WORLD CENTRE

Department of the Secretariat

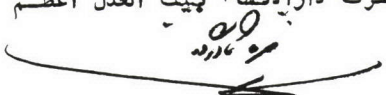
Andalib Magazine  
7200 Leslie Street  
Thornhill, ON L3T 2A1  
Canada

۱۵ شهرالسلطان ۱۴۸

۲ فوریه ۱۹۹۲

هیئت مجله تحریریّه مجله عندلیب دامت تائیداتها

در سوابق تاریخی موجود در دائره محفّظه آثار امری این شطر مکتوبی از جناب آقا سید اسدالله قمی وجود دارد که حسب الامر معهد اعلی سوادى از آن برای نشر در مجله شریفه عندلیب به ضمیمه ارسال میگردد. در پاره این مکتوب و معرفتی نویسنده آن شرحی به اختصار مرقوم گشته که آنهم ضمیمه میباشد.

با تقدیم تحیات  
از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم  


نفوس مبارک دیگری چون جناب آقا میرزا علی اکبر  
نخجوانی ، دکتر گتسنگر ، جناب میرزا ولی الله  
خان ورقا ، جناب دکتر ضیا بغدادی و بالاخره  
میرزا احمد سهراب به ملتزمین حضور پیوستند ولی  
همه مستمراً در محضر مبارک سفر ننمودند  
( بدایع الآثار - جلد اول )

در هنگام سفر بغرب امریکا هیکل اطهر مقرر  
فرمودند جناب آقا سیداسدالله ، جناب آقا میرزا  
علی اکبر و جناب ورقا در بستون بمانند و فقط

## نامه تاریخی

مقدمه:

مکتوب زیر را جناب آقا سید اسدالله قمی از  
نیویورک به شیکاگو خطاب به جناب دکتر ضیا  
بغدادی مرقوم داشته اند .

در رکاب حضرت عبدالبهاء در سفر امریکا جناب  
آقا سید اسدالله ، جناب میرزا محمود زرقانی ،  
دکتر امین فرید از مصر سفر نمودند و در امریکا

جناب زرقانی و احمد سهراب را امر بحضور فرمودند در این اوقات جناب دکتر ضیاء در شیکاگو ساکن بودند .

در این مراسله محبت آمیز روحیات و ملکات فاضله جناب آقا سید اسدالله بارز و نمایان است . تعلق خاطر ایشان بنفوس مبارکه خادمین امر و ذوق لطیف و سعه معارف ادبی مشارالیه و بالاتر از همه حالت تسلیم و تفویض ایشان باراده مبارک اثر دلنشینی بوجود آورده است . اشعار مذکور در مکتوب از ابیات زیبایی است که در فرهنگ جامعه ایرانی زبانزد است اما دو بیت اخیر از طبع روان خود جناب آقا سید اسدالله است که شعر میسرود و حیرت تخلص میفرمود و در تاریخ شعرای بهائی بنام حیرت قمی از ایشان یاد شده است . البته صفای خاصی در این دو بیت موجود است که اهل نظر ملاحظه خواهند نمود .

مقصود از « حضرت والد ماجد » جناب آقا محمد مصطفی بغدادی پدر جناب دکتر ضیاء بغدادی و از « حضرت افنان سدره بقا حضرت حاجی وکیل الدوله » جناب حاج میرزا محمد تقی ابن خال اکبر و از « جناب آقا رضا ابو حبیب الله » جناب آقا رضا شیرازی مراد است که از خادمین حضور جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء بوده است . مقصود از « دکتور » و « گدسنگر » که ذکر ایشان در شعر آمده جناب دکتر ادوارد کریستوفر گتسینگر است و مقصود از « حضرتین اخوین » جناب علی افندی احسان و حسین افندی اقبال برادران جناب دکتر ضیاء افندی مبسوط بغدادی

است .

تاریخ دقیق این مکتوب مشخص نیست اما با توجه باینکه حضرت عبدالبهاء طبق مندرجات مکتوب در آن تاریخ در کالیفرنیا تشریف داشته اند و آن اوقات مصادف با اکتبر ۱۹۱۲ بوده میتوان تاریخی تقریبی برای آن در نظر گرفت .

متن مکتوب چنین است :

در شیکاگو ضیاء افندی مبسوط بغدادی زید توفیقه

هو الله

روحی لضیاء قلبك الفداء الان مکتوب آن محبوب رسید و از مضامین نازنینش نسیم مرحمت آنحضرت وزید و مشام روح را معطر فرمود بنده دیروز بعینه آنچه آنجناب مرقوم داشته اید در جواب عرض نموده بودم که ای کاش در این ایام وحشت خیز و روزگار دهشت انگیز نزد آن عزیز با تمیز بودمی و عهدی تجدید مینمودیم و چندی با هم مانوس میشدیم زیرا امیدمی در زندگانی با این حالت پیری نیست رفقا يك بیک رفتند مثل حضرت والد ماجد روحی لرمس اطهر فدا و مثل حضرت افنان سدره بقا حضرت حاجی وکیل الدوله مثل جناب آقا رضا ابوحبیب الله روحفداء

هر روزه باد میبرد از بوستان گلی

مجروح میکند دل بیچاره بلبل

باری آنچه آنحضرت نوشته و از خدا خواسته بنده بعینه نوشته و از بها خواسته بودم سنوحات بمعنی این است •

تشنه مینالد که کو آب گوارا

آب هم نالد که کو آن آب خوار

همان طوریکه شما مشتاقید این بی طاقت مشتاق و در بوطه ( کذا ) فراق برّتی المیثاق . باری تویی مبارك رسید اشاره فرموده بودند که به نیویورک بروید و اگر در آنجا نیز دلتنگ گردیدید بکلیفورنیا با دکتور بیانید بعد از آن تلفراف مبارك رسید که مترصد دستورالعمل زیاده باشید و هنوز خبری نرسیده است که تکلیف معلوم شود چهار روز است که به نیویورک آمده ایم ، در خانه قدیم مبارك منزل نموده ایم با جناب آقا میرزا ولی الله خان روحی فدا و دکتور بسر میبریم ولی نیدانم در این سفر بنده چه حالی پیدا کرده که نهایت حزن را دارم هرچه میکنم برطرف نمیشود خداوند میخواهد امتحان کند چه باید نمود . لابد جناب آقا میرزا علی اکبر نخجوانی روحانی ذکر نموده اند که حین حرکت مبارك چه حالی داشته و حضرات رفقا با آن احوال نیز توقع از فانی داشته علی قول شاعر که میگوید :

نشسته ام بمیان دو دلبر و کسلم

که دل بمهر که بندم در این میان دو دلم

در هر حال پریروز حضور مبارك عریضه عرض نموده و رجا نموده که مرا بخود نگذارد و آنچه صرف اراده مبارك است معامله فرماید و صبر و تحتل عطا فرماید که صابر گردیم تا تشریف بیاورند سزاوار عبودیت آستان این است که اگر بدریا بیندازند لم و بم بر زبان نرائم اللهم احفظنا

علی ( کذا ) ظلّ امرالله لآبد میرزا علی اکبر روحی فدا و مرخص شده اند شرح حال خود را مرقوم میفرمایند و اگر خودشان مرقوم نفرمودند آن جناب در ضمن جواب مرقوم خواهند فرمود کاغذ گدسنگر را داده بحضرات رفقا نوشته بودم

شما پروانه های شمع یارید

بپروانه جفا پروا مدارید

که من رامونس این گدسنگرامد

بکشتی مرادم لنگر آمد

و این نامه عمل بنده گردیده گاهی خدا نامه عمل انسان را بدست میدهد و السلام .

هرگاه از حضرتین اخوین خبری دارند مرقوم بفرمایند مدتهاست خبر ندارم قربانشان میروم .

مونس جان آقا میرزا ولی الله خان روحی فدا پیوسته بذکر محاسن آنحضرت ذاکر و مکبرند دوستان روحان را باعلی اذکار ذاکر گردند . اسدالله

\*\*\*\*\*

بقیه از صفحه ۵۳

زندان عادل آباد شیراز منتقل و پس از گذراندن یکسال دوره زندانی روز دهم اردیبهشت ماه سنه ۱۳۶۰ شمسی در سن ۷۵ سالگی با جناب سرهنگ یدالله وحدت و جناب احسان الله مهدی زاده توسط مأمورین دادگاه انقلاب اسلامی در میدان چوکان شیراز شربت شهادت نوشیدند و برفیق اعلی شتافتند و در جنت علیا مقررگذیدند . ضمناً همسر بزرگوارشان با صبر و شکیبایی این فرقت پر حرقت را تحمل و نیز فرزندان برومندی از خود بیادگار گذاشته که کلیه در ظل امر میباشند .

## میثاق حقّ

نگر جمال هدی جلوه گر به ارض و سما      بقای بدرتقی شد عیان ز برج عطا  
فضای ظلمت گیتی شد از رخس نورا      ز نفخ صور جدیدش دو عالمی احیا  
جهان دگر شد و امروز روز امر بهاست  
چو مستوی شده ذات قدم به عرش ظهور      دو صد هزار کلیم از تجلیش در طور  
شدند منصعق از شعاع جلوه نور      بپا نمود ظهورش به ملک ، شور و نشور  
که ذات لم یزل امروز در قمیص پیری است  
شد اشکار همان ما عرف به اسم وصفات      به مردگان نفحاتش دمید روح حیات  
به گمراهان همه سو باز شد طریق نجات      به خلق گشت عیان معنی حیات و ممات  
منادی است ، ندا در دهد که یوم جزاست  
ای آنکه از قلم صنع تو ، به روز الست      هر آنچه بود عدم ، در وجود صورت بست  
ز جام فضل تو ذرات تا ابد سرمست      فر ظهور تواز خسروان شکوه شکست  
بلند از تو انالله ، ز مکمن عکاست  
تو را شکن شکن طُره خم اندر خم      به فکنده سلسله برگردن تمام امم  
فضای دوحه جان ز آب فضل تو خرم      به یاد ذکر تو احیا ، دل همه عالم  
خیال روی تو ، انوار خلوت دلهاست  
خبر دهید به موسی که دور ابها شد      مکلم است که خود از جبل هویدا شد  
شعاع سدره سیناست ، کاشکارا شد      رموز شعله طور است باز افشا شد  
دم از لقا زن و ، دیگر سخن چه از لن ولاست  
تویی که در صف عشاق از پی نخجیر      بتاختی و ربودی دل از صغیر و کبیر  
ز تار موی مسلسل ، فکنده ای زنجیر      به گردن همه ای شاه بی بدیل و نظیر  
شها بجز تو کرا چون تو دلبری زیباست

گر آفتاب جمال تو شد به زیر محاق      ولی ز مشرق امر تو هیکل میثاق  
 نمود با طلعات بهائیت اشراق      زبرق شعله رخ سوخت خرمن عشاق  
 به وجه اوست توجه به وجه غیر خطاست  
 به نقض عهد الهی هر آنکه کرد قیام      سیاه روز ازل تاابد شده است مدام  
 ز قرب حق زده در بُعد خرگه آرام      خوشا به عاقبت عاشقان نیکو نام  
 کسی که طائف من طاف حوله الاسماست  
 هزار شکر به میثاق حق و عهد اله      شدیم ثابت و راسخ ز فضل سرالله  
 در این صراط نگشتیم هیچ ره گمراه      نمود خامه بصر نعت حق کوتاه  
 مدام چشم امیدش به لطف عبد بهااست

\*\*\*\*\*

از حوریوش رحمانی

## « جلوه سال مقدس »

رنگ گیتی شد دگرگون از شکوه روی دوست  
 گردش امواج روحانی جهان را زنده کرد  
 آنچه گفتند انبیاء در باره روز خدا  
 سخت آداب کهن ناسازگار و نارساست  
 تا که آمد مژده صلح بزرگ روزگار  
 چون طلوع بنمود خورشید عدالت در جهان  
 نظم نو تا از سماء فضل حق نازل شده  
 مردمان حیران و طوفان عظیم حادثه  
 قرنهای بگذشته و اینسان نبوده روزگار  
 قرن ما وقت غروب کهنه و آغاز نوست  
 سالگرد قرن میثاق و صعود شمس حق

عالم امکان تجلی گاهی از انوار اوست  
 تیرگیهای طی شد و خورشید اعظم روبروست  
 آشکار و واضح و پیدا بهر بازار و کوست  
 نوع انسان زین سبب در اضطراب و جستجوست  
 در مشقت آنکسی کوکینه توز و جنگجوست  
 ظالم و بیدادگر در هر کجا بی آبروست  
 جمله ترتیب و نظام ملک امکان زیر و روست  
 هر کجا رو مینمائی زین تحول گفتگوست  
 حالیا گوئی زمان افسانه ساز و قصه گوست  
 بیم و امید و خرابی و بنا از هردو سوست  
 جلوه سال مقدس بس عظیم و بس نکوست

# پاسخ

## نامه چهاردهم

دوست عزیز و سرورگرام :

نامه اخیر شما را که مشحون از لطف و محبت بزرگوارانه شما بود هفته پیش دریافت داشتم . خیلی خوشحال شدم که با بررسی وقایع جاری در اروپای شرقی بار دیگر به آتیه تمدن بشری امیدوار شده‌اید و از بدبینی مفرط سالهای قبلی کاسته شده است . همانطور که مرقوم فرموده‌اید ناظر تحولاتی هستیم که بیشتر به معجزه شبیه است . مثل اینکه انسانها فهمیده‌اند و میفهمند که برای زندگی کردن باهم باید تعصبات ملی ، نژادی ، وطنی ، مذهبی و فرهنگی را دور بریزند و بفکر جامعه بشری باشند . منم مثل شما و به تبعیت از شما به آتیه بسیار امیدوارم و روزهای خوشی را در پیش می بینیم .

در قسمتی از نامه نیز سنوالاتی مطرح فرموده بودید که بررسی آنها برای خود منم جالب و قابل تعمق است . سنوال اصلی این بود که آیا ما را بدنیآ آورده‌اند که آب خوش از گلویمان پائین رود یا ما را آورده‌اند که تمدن بشری را بهر قیمتی هست بجلو ببریم ؟ این سنوال را قبلاً سعدی مفید و مختصر جواب گفته که : خوردن برای زیستن و ذکر کردنست . تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است و اگر زیستن بهر خوردن نیست پس ما بدنیا

## دکتر هوشنگ طراز

نیامده ایم که فقط آب خوش از گلویمان پائین رود و از نعم زندگی بهره مند گردیم بلکه وظائف دیگری هم داریم که از جمله آنها پیشبرد تمدن بشری - کمک به اجتماع آدم ها ، برای بهبود وضع آنها و تحقق سعادت عالم انسانی است . اما سنوالی که شما مطرح فرموده‌اید این است که ( اگر قبول کنیم که نقش انسانها فقط پیش بردن و اعتلای تمدن بشری است آیا تمتع از مواهب زندگی مادی در حد اعتدال و تا آنجائیکه به حریم دیگران تجاوزی صورت نگیرد منافاتی با آن وظیفه اصلی دارد ؟ ) تا آنجا که عقل ناقص من قد میدهد و با تکیه بر دو موضوع ( حد اعتدال ) و ( عدم تجاوز به حریم دیگری ) تمتع از مواهب زندگی مادی هیچ منافاتی با آن وظیفه اصلی ندارد . بعد مطرح فرموده‌اید که ( آیا قرار بر این بوده که افراد انسانی در انجام این نقش و وظیفه حتماً رنج ببرند و مثل اسب عصار و گاو خرمن کوب ، کار تکراری و خسته کننده انجام دهند و از لذات طبیعی و غریزی بی بهره بمانند ؟ ) و من تصور نمیکنم که چنین قراری بوده است . انجام این نقش وظیفه مشروط بشرطی نبوده و نیست و لزوماً نه مستلزم رنج است و نه مستلزم محرومیت از لذات طبیعی و غریزی . بعد مرقوم فرموده‌اید که ( اصولاً تعریف تمدن بشری چیست که برای پیشبرد آن افراد باید بهر قیمتی حتی به قیمت از دست دادن کلیه نعم زندگی و حتی به قیمت جان فداکاری و تلاش کنند ؟ ) به کتاب لغت تهیه شده

برای دانشگاه‌های آمریکا رجوع کردم مینویسد که: تمدن يك حالت پیشرفته از اجتماع بشری است که انسانها در آن به سطح بالائی از هنر - علم - دیانت و دولت دست یافته باشند .

اینجا هم دسترسی به سطح بالاتری از هنر و علم و اخلاق و حکومت مستلزم از دست دادن کلیه نعم زندگی و جان فدا کردن نیست بخصوص اینکه هنر را برای لذت و آرامش روحی می‌خواهیم و علم را برای دانائی و در صورت امکان تأمین رفاه مادی . و بعد مرقوم می‌فرمائید که ( آیا تمدن بشری منحصر به اعتلای مکتسبات روحانی و اخلاقی و معنوی افراد فارغ از عوامل زندگی مادی و رفاه و بهبود شرایط آن است و یا آنکه این دو لازم و ملزوم و وابسته یکدیگرند که یکی بدون دیگری لنگی و عدم اعتدال در ساختار يك انسان کامل و وارسته بوجود می‌آورد ؟ ) قدر مسلم آنست که تمدن بشری منحصر به اعتلای مکتسبات روحانی و اخلاقی و معنوی افراد فارغ از عوامل زندگی مادی و رفاه و بهبود شرایط آن نیست و همانطور که اشاره فرموده اید این دو لازم و ملزوم و وابسته یکدیگرند . اجتماعی که افراد آن روحانیت و معنویت مطلق باشند اما نان برای خوردن و تن پوش برای گرم شدن نداشته باشند اجتماع سعادتمندی نیست . اجتماعی هم که آسمان خراش های متعدد و فراوانش سر بفلک کشیده باشند و وسائل مدرن حمل و نقل در آن بتواند مسافری را در طی چند دقیقه از اینطرف يك قاره به طرف دیگر آن حمل کند و وسائل ارتباط جمعی آن بتواند خبری را از این سر دنیا بآن سر دنیا در

چند ثانیه پخش کند و تخصص های فنی افراد بتواند اعضاء و جوارح موجودات حیث و مرده را بهم وصله پینه نماید و بطول عمر بیفزاید اما از همکاری و غمخواری انسانها و دستگیری درماندگان و احترام به حقوق دیگران در آن اجتماع اثری وجود نداشته باشد اجتماع پیشرفته و متمدنی به حساب نمی آید. سعادت عالم انسانی که منظور نظر است وقتی حصول می یابد که تمدن مادی منضم به تمدن روحانی باشد زیرا تمدن مادی فقط وسائل تأمین رفاه مادی را بوجود می‌آورد اما قادر نیست سعادت عالم انسانی را تأمین کند چون که قادر به تربیت اخلاقی و کنترل رفتار و سلوک مردم نیست . با اینکه میلیاردها تن غله بوسیله ماشین آلات مدرن در دنیا تولید میشود اکثریت مردم دنیا گرسنه هستند زیرا روابط آدم ها روابط حیوانی مبتنی بر تنازع بقاء است نه روابط انسانی و روحانی . با اینکه انواع ماشین آلات و وسائل حمل و نقل تهیه شده است رساندن غذا به گرسنگان حبشه و ارتیره و سودان ممکن نیست . زیرا همکاری و غمخواری که منبعث از تربیت روحانی و معنوی است میان گروههای متخاصم و حامیان آنها وجود ندارد . با اینکه میلیاردها متر پارچه در دنیا تولید می شود نیمی از افراد جهان سوم برهنه هستند زیرا زندگی آنها دستخوش تمایلات یکمده افراد بی خبر از انسانیت و روحانیت است . اجازه بدهید تا قسمتی از نامه را که حضرت عبدالبهاء در سالهای بعد از جنگ جهانی اول در جواب نامه جمعیت صلح لاهه برای اجرای صلح عمومی مرقوم فرموده اند و در صفحات ۱۰۱ تا ۱۱۸ جلد سوم مکاتیب عبدالبهاء

مندرج است در اینجا نقل کنم . میفرمایند :

( و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله اینکه هرچند مدنیت مادی از وسائط ترقی عالم انسانیت ولی تا منضم به مدنیت الهیه نشود نتیجه که سعادت بشریه است حصول نیابد . ملاحظه کنید که این سفائن مدرعه که شهری را در یکساعت ویران مینماید از نتایج مدنیت مادیست و همچنین توپهای کروپ و هم چنین تفنگهای ماوزر و هم چنین . . . . . جمع این آلات از سینات مدنیت مادی است . اگر مدنیت مادیّه منضم بمدنیت الهیه بود هیچ این آلات ناریّه ایجاد نمی گشت بلکه قوای بشریه جمیع محول به اختراعات نافعه میشد و محصور در اکتشافات فاضله میگشت . مدنیت مادیّه مانند زجاجست و مدنیت الهیه مانند سراج . زجاج بی سراج تاریک است . مدنیت مادیّه مانند جسم است ولو در نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد مرده است مدنیت الهیه مانند روح است این جسم باین روح زنده است و الّا حیفه گردد . پس معلوم شد عالم انسانی محتاج بنفثات روح القدس است بدون این روح عالم انسانی مرده است و بدون این نور عالم انسانی ظلمت اندر ظلمت است زیرا عالم طبیعت عالم حیوانی است . تا انسان ولادت ثانویه از عالم طبیعت ننماید یعنی منسلخ از عالم طبیعت نگردد حیوان محض است . تعالیم الهی این حیوان را انسان مینماید ) .

در اینجا لازم است به يك نکته بسیار حسّاس نیز اشاره کنم . بعضی ها اجتماع مردم مرفّه و بهره مند از تمدن مادی اما بی خبر از روحانیت و معنویت را با اجتماعی که فقط روحانیت و معنویت باشد و

از نعم زندگی و رفاه مادی در آن اثری نباشد مقایسه میکنند و روحانیت و معنویت را علت فقر و فاقه به حساب میآورند . اما غافل هستند که اصولاً اجتماعی که فقط روحانیت و معنویت صرف باشد و از نعم زندگی و رفاه مادی در آن اثری نباشد وجود خارجی ندارد و این مقایسه فارغ از حقیقت است . در کتب مقدسه ادیان عتیقه موضعی وجود ندارد که تمتّع از مواهب و نعم زندگی نهی شده باشد و بر عکس در تمام آنها مذکور است که این مواهب و نعم موجود در طبیعت از جانب خدا برای انسان که گل سر سبد خلقت است آفریده شده تا از آنها استفاده کند . شاهد بر این مطلب وجود تحقق تمدن داود و سلیمان - تمدن مادها و ساسانیان - تمدن بیزانس و تمدن اسلامی است که همه آنها نتیجه تعلیمات پیامبران و توأم با توسعه چشمگیر علم و صنعت و رواج وسائل و ادوات برای تأمین رفاه مادی بوده است . حضرت عبدالبهاء در یکی از نامه های خود خطاب به اهل بهاء ( مندرج در صفحه ۲۲۱ جلد اول مکاتیب عبدالبهاء ) مرقوم فرموده اند که :

« احبای الهی چه صغیر و چه کبیر و چه ذکور و چه اناث هر يك بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و فنون متعارف چه روحانی چه امکانی بکوشند و در اوقات اجتماع مذاکره کل در مسائل علمیّه و اطلاع بر علوم و معارف عصریه باشد . اگر چنین گردد بنور مبین آفاق روشن شود و صفحه غبرا گلشن ملکوت ابهی گردد »

تاکید مستمر در کسب علوم و فنون متعارف در اجتماع و فعالیت در راه تأمین زندگی بهتر و کسب

و کار تا آنجاست که در دیانت بهائی کار را نفس عبادت مقرر داشته و در کلمات مکنونه میخوانیم که :

« ای بندگان من - شما اشجار رضوان منید باید باثمار بدیمه منیمه ظاهر شوید تا خود و دیگران از شما منتفع شوند لذا بر کل لازم که بصنایع و اکتساب مشغول گردند . . . . اشجار بی ثمار لایق نار بوده و خواهد بود . »

( ای بنده من پست ترین ناس نفوسی هستند که بی ثمر در ارض ظاهرند و فی الحقیقه از اموات محسوبند بلکه اموات از آن نفوس معطله مهمله ارجح عندالله مذکور ) -

( ای بنده من بهترین ناس آنانند که باقتراف تحصیل کنند و صرف خود و ذوی القربی نمایند حباً لله رب العالمین ) .

با این وصف تجسم اجتماعی که فقط روحانیت و معنویت صرفه باشد و از تأمین رفاه مادی در آن صحبتی نباشد يك تجسم فارغ از حقیقت و يك فرض محال است . چنین اجتماعی وجود خارجی نداشته و ندارد . شما ممکن است روی اجتماعی مثل ایران فعلی انگشت بگذارید که مردم را با حرف از روحانیت و معنویت و تشویق به دینداری از تلاش در باره تأمین رفاه مادی باز میدارند و بامید آخرت آنها را دلخوش میکنند . اما شك نیست که این مردم مقلد ظاهر بین آلت دست مردم دنیا پرست شده اند و وضع آنها که معلول نادانی و بی خبری آنهاست ارتباطی با حقیقت ادیان و روحانیت و معنویت واقعی ندارد . اجتماعی که به روحانیت و معنویت ارج می نهد به تأمین رفاه

مادی افراد هم اهمیت میدهد و در آن مسیر تلاش میکند . باین ترتیب فقط دو نوع اجتماع پیشرفته میتواند تجسم کرد . نوع اول اجتماع پیشرفته است که از روحانیت و اخلاق و معنویات در آن اثری نیست اما پیشرفتهای مادی و اکتشافات علمی بوسیله افراد آن وسائل متعدد تأمین رفاه مادی را تهیه کرده و آماده نموده است . معمولاً در چنین اجتماعی این وسائل را وسیله تفوق و برتری گروهی بر گروه دیگر قرار میدهند و در توجیه این اعمال انسان را حیوان پیشرفته و تابع قانون تنازع بقا میشناسند . نوع دوم اجتماع پیشرفته است که با توجه به روحانیات و اخلاق و معنویات و با توجه به مشخصات انسان که استعداد کسب کمالات الهی دارد وسائل تأمین رفاه مادی را که محصول ذات کنجکاو بشری است بخدمت نوع انسان میگمارد و آسایش اجتماع بشری و سعادت عالم انسانی را تأمین میکند .

نوع سوم اجتماعی که مطلقاً روحانیت و معنویت باشد و از تمدن مادی در آن خبری و اثری نباشد وجودخارجی ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد . ذات کنجکاو بشر و قوه استنتاج و عقل او طبق گواهی تاریخ هر روز کشف تازه میکند وسائل تازه میسازد ارتباطات اجتماعی را دگرگون میکند و در روابط انسانها مسائل تازه بوجود میآورد که مجموعه اینها عبارت از تمدن مادی است . این تمدن مادی میتواند عاری از انسانیت و آدمیت باشد همانگونه که الان در خیلی از نقاط دنیا هست یا برعکس میتواند از تعالیم روحانی و اخلاقی بهره بگیرد و سعادت جامعه را تأمین کند . بعبارت دیگر بشر به

كمك عقل و قواى نفس ناطقه در مسير تاريخ بجلو  
 ميرود و تمدن مادى را كه محصول عقل و  
 كنجكاوى و تلاش در راه تأمين احتياجات مادى  
 اوست خواه و ناخواه ميسازد . اگر در طى اين  
 مسير از روحانيت و معنويت كه انعكاس انوار  
 مشيت الهى در مشخصات انساني اوست بهره گرفت  
 سعادت عالم انساني را تأمين خواهد كرد و اگر از  
 آن محروم ماند جز رنج و بدبختى و نابودى چيزى  
 بوجود نخواهد آورد . اينجاست كه مسئله اولويت  
 در رفتار افراد بوجود ميآيد اگر مقصد از وجود  
 فقط تمتع از نعم زندگى نيست اگر زيستن بهر  
 خوردن نيست اگر ما بعنوان يك عضو جامعه بشرى  
 سهمى در پيشبرد تمدن بشرى داريم و اگر وظائفى  
 براى خود احساس ميكنيم اولويت در اين وظائف  
 چگونه است . البته جواب اين سؤال در ارتباط با  
 مشخصات افراد است . هر كسى بسته به مشخصات  
 روانى و اخلاقى و جسمى خود براى اعمال خود  
 اولويتى قائل است اما آنها كه گوش به نصايح معلم  
 اول دارند تمتع از نعم مادى زندگى را تحت الشعاع  
 انجام وظائف اجتماعى قرار ميدهند و بدنبال لذت  
 حقيقى ميروند . حضرت عبدالبهاء در نامه خطاب به  
 يكي از بهائى ها ( مندرج در صفحات ۴۵۰ - ۴۵۱  
 جلد سوم مكاتيب عبدالبهاء ) چنين مرقوم  
 ميفرمايند :

( اى رفيق - لذائذ و نعماء ناسوتى محدود و فانى  
 است و چون بحقيقت نگري و تعمق نمائى لذائذ  
 اين جهان دفع آلام است يعنى تشنگى صدمه و  
 بلاست آب تسكين آن حرارت نمايد نه اينست كه  
 آب فى حدّ ذاته لذتى دارد . و همچنين گرسنگى

صدمه زند غذا دفع آن محنت نمايد نه اينست كه  
 غذا فى حدّ ذاته لذتى دارد و همچنين خستگى  
 مشقت است خواب دفع آن مشقت نمايد نه اينست  
 كه خواب فى حدّ ذاته لذتى دارد . جميع لذائذ عالم  
 فانى از اين قبيل است . آنچه لذت حقيقى دارد آن  
 فيوضات ملكوت است و فضائل و كمالات انسانيست .  
 علم و دانش است صفات رحمانيت و حيات ابدى  
 است ) .

سرور من - استفاده از نعم و لذائذ زندگى نهي  
 نشده است . كسى را هم دليل لذت بردن از تمدن  
 مادى توبيخ نميكنند اما آنها كه بدنبال لذت حقيقى  
 هستند آنها كه ديدگاهى بالاتر از عالم حيوان دارند  
 آنها كه مقصد از وجود را ظهور كمالات الهيه در  
 انسان ميدانند قيد اين لذائذ را زده اند و به بود  
 و نبود آنها اهميت نميدهند . اگر فضائل و كمالات  
 انساني و لذتى كه از علم و دانش در راه خدمت  
 بهمنوع حاصل ميشود از زندگى بشر منها كنيم مى  
 بينيم كه زندگى ديگر جز عذاب و بلاء و شقاوت و  
 دنائت در مسير تنازع بقاء چيز ديگرى نيست و  
 رفع اين عذاب و بلا يعنى سيرکردن شكم و دفع  
 شهوت و تأمين رفاه مادى سعادت به حساب نيايد  
 دفع آلام است . تلاش براى زيستن و زنده بودن  
 است آنها كه در ورای زيستن و زنده بودن بدنبال  
 لذائذ كيفى و كسب كمالات روحانى اند خيلى از  
 اوقات از اين لذائذ مادى چشم ميپوشند و اين  
 لذائذ را در راه وصول بآن كمالات فدا ميكنند . آنها  
 را نبايد ديوانه بخوانيم . سعدى آنها را حكيم  
 ميخواند و ميگويد :

اندرون از طعام خالى دار

تا در او نور معرفت بینی

تهی از حکمتی بعلت آن

که پُری از طعام‌تابینی

و خیلی از این حکماء با فدا کردن جان و از دست دادن کلیه نعم مادی درس آزادگی و انسانیت بدیگران دادند و وظیفه انسانی خود را باینگونه در قبال اجتماع بانجام رساندند . معهذا عطف به سنوالات شما باید بگویم که فداکردن جان و ترك كليته نعماء مادی لزوماً تنها وسیله پیشبرد تمدن بشری نیست . تمدن مادی بشر بدون همه اینها پیش می‌رود بموازات آن عرفا - حکماء و پیامبران سعی میکنند این تمدن مادی را با تمدن معنوی بیارایند و سعادت عالم انسانی را تأمین کنند . در این راه باقتضای زمان میگویند - مینویسند - آموزش میدهند - یادآوری میکنند - تشویق میکنند - توبیخ میکنند و گاهی از اوقات جان فدا میکنند و هرکدام بهر قیمتی که برای آنها میسر است در بیداری و هوشیاری نوع بشر برای توجه به خصائل روحانی و معنوی که در او بودیعه گذاشته شده کوشش میکنند تا سعادت و آسایش عالم انسانی که منظور نظر است تحقق یابد . شما هم در این راه سالک هستید و با بخطر انداختن آسایش و راحت خود قلم بر کاغذ می نهید و نسل جوان ایران را بیدار میکنید . شما هم در این راه قیمتی میپردازید و چیزی را فدا میکنید . خدمت به نوع بشر مستلزم فداکاری است . بعضی جان فدا میکنند و بعضی دقیقه وقت - اما هر دو سعی میکنند به آن قیمتی که برای آنها امکان دارد تمدن بشری را بجلو ببرند . از هر دوی آنها باید

تقدیر کرد . حضرت بهاء الله در کلمات مکنونه میفرمایند :

( ای دوست من تو شمس سماء قدس منی خود را به کسوف دنیا میلای - حجاب غفلت را خرق کن تا بی پرده و حجاب از خلف سحاب بدر آئی و جمیع موجودات را بخلفت هستی بیارائی ) آرایش موجودات به خلعت هستی و آرایش بکسوف دنیا هر دو میتواند مقصد آدمی از زندگی باشد . بعضی اینگونه می پسندند و بعضی آنگونه - تا عقل و درایت طالب صادق چگونه قضاوت کند .

\*\*\*\*\*

بقیه از صفحه ۴۲

میداده و آنرا با دست خود نمیگرفته و میگفته است برو از این سگ بابی بگیر . بكمك او می شتابد و مبلغی را که مورد احتیاج بود باو میدهد و او را از این فشار زندان نجات میدهد . وقتیکه آزاد شد چنین شخص متعصبی که حاضر نبود ایشان را ببیند هر روز بدر حجره خواهه رفته و میگوید من لایق اینکه داخل حجره شما بشوم نیستم فقط آمده ام که در حجره تو را ببوسم .

این حکایت را غالباً جناب نورالدین ممتازی اخوی کوچکتر در محافل احباء بیان میکردند .



## فضل این ظهور اعظم

عهد و میثاقی که جمال اقدس ابهی تاسیس فرمودند در هیچیک از کتب مقدسه و صحف و زیر سماویه در اعصار و ادوار سابقه حتی در بین آثار مبارکه حضرت اعلیٰ نظیر و مثیل ندارد چه که در شرایع قبلیه و ادیان ماضیه چنین وثیقه یگانه ای که چنین میثاق منیع و پیمان عظیم و قدرت و اختیار عمیمی را بمرکز مخصوص و مبین مخصوص تفویض نموده باشد مشهود و موجود نیست .

(گاد پاسز بای ص ۲۱۶)

در چنین لوح ( کتاب عهدی ) مقصود عالمیان با بیانی صریح هدف و منظور اصلی خویش را از تاسیس این شریعت الهیه چنین اظهار میفرماید :

« مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلاها و انزال آیات و اظهار بینات اخمد نار ضغینه و بغضاء بوده که شاید آفاق افنده اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و به آسایش حقیقی فائز »

( کتاب عهدی )

حال که منظور اصلی و هدف غائی از تاسیس این شریعت ربّانی بنصّ قاطع الهی معلوم گشت واضح و مشهود میشود که هر مطلب و بیانی و موضوع و عنوانی که بر هم زننده اساس وحدت اصلیه در جمع پیروان حضرت ربّ البریه باشد مغایر مقصد اصلی شارع مقدّس بوده مخالف منظور غائی آن معلم

آسمانی است و نفوسی که به عناوین مختلفه و به تصوّرات واهیّه بخواهند در اساس این وحدت حقیقی خللی وارد کنند آنان دشمنان دین الله و ناقضان عهد الله بوده و افکارشان مسموم کننده و آراء شان کشنده روح ایمان در قلوب و افنده است . و این نفوس اسیران نفس و هوی و پیروان ظنون و اوهام خویشند که از حکمتهای بالغه حکیم حقیقی غافل و زاهلند چنانچه در همان صحیفه حمرا یعنی کتاب عهدی میفرماید :

« ولکن جهال ارض چون مربای نفس و هوسند از حکمتهای بالغه حکیم حقیقی غافلند و بظنون و اوهام ناطق و عامل »

( کتاب عهدی )

و در نتیجه تمسّک به این ظنون و اوهام وغفلت از نصایح حکیم حقیقی گرفتار اختلاف شدند و پریشان گشتند .

جميع اعمال و رفتار مظاهر ظهور الهی مقرون به حکم و مصالحی است که افکار ناقصه نفوس بشریه به حقیقت آن پی نبرده و درک نتواند نمود چنانچه واضح است که هر يك از انبیای الهی در قرون سالفه

بر وقایع آتیه شریعت خود واقف و مطلع بوده و بر اسرار قلوب و ضمائر منافقان بینا و آگاه بوده است با وجود این مشاهده شده که هیچیک از آنان در مسئله عهد و پیمان آن طور که حضرت بهاء الله تاکید و تصریح فرموده امر نکرده اند این دلیل بر بی اطلاعی آن نفوس مقدّسه بر وقایع آینده و یا خدای نخواستہ اہمال و تسامح در اجرای اوامر ربانیه نتواند بود بلکه باید آن را بر حکم و مصالحی متعلق دانست که افکار بشری از فهم آن عاجز است . ولی در این دور مقدس حکمت ربانیه و اراده قاطعہ الہیہ برآن تعلق گرفته کہ برای صیانت هیکل امراالله و حفظ وحدت اہل بہاء شارع مقدّس مبین منصوص و مرجع مخصوص را بکمال صراحت و اتقان در کتاب عهد خویش تنصیص نماید تا ابواب شقاق و اختلاف مسدود گردد و ابواب ہدایت بر وجہ کلّ مفتوح شود . جمال قدم جلّ اسمہ الاعظم در لوح دنیا میفرماید :

« ای اہل عالم فضل این ظہور اعظم آنکہ آنچه سبب اختلاف و فساد و نفاق است از کتاب محو نمودیم و آنچه علت الفت و اتحاد و اتفاق است ثبت فرمودیم نعیمًا للعالمین . مکرّر وصیت نموده و مینمائیم دوستان را کہ از آنچه رائحہ فساد استشمام میود اجتناب نمایند . بل فرار اختیار کنند . »

آری حضرت بہاء الله بر ضمائر نفوس محیلہ و حقایق وجود ارباب غرض و مرض واقف و بصیر بوده اند کہ از بدو تاسیس شریعت خویش اہل

بہاء را اولاً مطمئن فرمودند کہ اسباب اختلاف را از کتاب محو فرمودہ است و دیگر ممکن نیست جاہ طلبان رخنہ کنند و بہانہ بدست آرند و اختلافی ایجاد کنند و وحدت جمع اہل بہاء را بہم زنند و در ثانی مؤمنین خویش را انذار فرمود تا از ہر نفس و ہر گفتار و ہر عمل خلاصہ « از آنچه رائحہ فساد استشمام میشود اجتناب بل فرار اختیار کنند » چنین نفوس عناوین مختلفی را بہانہ نموده در ہر عصر و زمان بنوعی کہ در اصل روش بہم مشابہ است خلق را از صراط مستقیم الہی منحرف ساختہ اسیر اہواء خویش مینمودہ اند ولیکن قلم اعلیٰ در این ظہور اعظم باب ہر اختلافی را سدّ فرمودہ بنیان اتفاق و اتحاد بکلمہ واحدہ را مستحکم ساختہ است .

( حضرت بہاء الله در کتاب بدیع صفحہ ۴۰۵ )

« ان اتحدوا علی شأن لا یجد احد بینکم روائح الاختلاف و باتحاد کم یظهر امرالله بین بریتہ و تثبت آثارہ بین عبادہ و تبرهن انوارہ بین العالمین امید چنان است کہ کل بہ کلمہ جامعہ مجتمع شدہ بہ ذکر و ثنای حقّ مشغول شوند و بہ کمال انقطاع در ارض ظاہر گردند و بشأنی بہ نار حب الہی مشتعل شوند کہ کلّ بہ حرارت آن مشتعل شدہ بہ شطر اقدس ناظر گردند . »

حفظ وحدت اصلّیہ از الزم امور و اساس ثبوت و رسوخ بر میثاق الله محسوب است و اگر چنانچہ بہ فرض در ادراک بعضی کلمات الہیہ بین یاران

اختلافی حاصل شود قلم اعلی راه صحیح را نشان داده و طریق مستقیم را ارائه فرموده است چنانچه میفرمایند :

« و آنچه از آیات الهی ادراک نشود از معدن و مبداء آن سنوال نمایند مقصود ازاین کلمه آنکه مباد در معنی کلمات مابین احباء الهی اختلاف شود و بدانند که کلمات الهیه کل از نقطه واحده ظاهر و باو راجع ایّاکم ان تشهد وا الاختلاف فیهن اگرچه به ظاهر مختلف نازل شود در باطن به کلمه واحده و نقطه واحده راجع و منتهی » ( کتاب بدیع ص ۴۰۵ )

حال باوجود این روش صحیح و طریق مستقیم که اسهل طرق برای وصول حقیقت است چرا به آن متشبث نشویم و خود را به اصل مقصود نرسانیم بلکه باید در معنی بعضی کلمات خود را مجبور به استنباط و غیره نکنیم و تحریف را جائز ندانیم زیرا تحریف و استنباط صریحا ممنوع شده و این خود یکی از وسائلی است که مارا از هر تشبث و تفرق و تحزّب و تذهب باز میدارد و حفظ مینماید. چنانچه قلم اعلی در کتاب بدیع صفحه ۴۰۲ میفرمایند :

« اهل بهاء جناح یکدیگر باشند از برای طیران کل دراین هوای روحانی و فضای قدس نورانی و بغیر ما قدره الله تکلم ننمایند مگر باذن الله و به ادراک خود

معانی کلمات الهیه اکتفا ننمایند چه که غیر الله بر معانی کلمات خود علی ما هی علیها مطلع نه. » حضرت عبدالهاء میفرمایند :

« الیوم نصرتی از برای میثاق الهی اعظم از اتحاد و اتفاق و همچنین اهانتی اعظم از اختلاف و شقاق نیست والله الذی لا اله الا هو اگر اتحاد و یگانگی در میان ما بکمال درجه چنانکه رضای جمال قدم است حاصل نگردد کور اعظم نتیجه نبخشد بلکه این حزب چون احزاب سابقه باشد که بکلی محو گردد. »

( مانده آسمانی ج ۱ )

حال ملاحظه میشود که اعظم نصرت از برای میثاق الهی حفظ وحدت اصلیه است و اعظم اهانت از برای میثاق الهی همانا ایجاد اختلاف و نفاق و شقاق مابین اهل بهاء ، دیگر معلوم است نفوسی که به صرف هوی و هوس و جاه طلبی میکوشند تا رخنه کنند و در وحدت جمع اهل بهاء ایجاد اختلاف نمایند تاچه حدّ مغایر تعالیم الهی و مخالف مبانی ربانی عمل مینمایند و مانع نفوذ و پیشرفت تعالیم الهیه میشوند چنانچه قلم اعلی در لوحی خطاب به جناب نبیل میفرمایند :

« . . . و باید به کمال همت در تألیف نفوس و اتحاد قلوب جهد بلیغ مبذول دارید در هر محل که مابین احباب اختلاف شده سبب تضییع امر گشته و علت اخماد نارالله شده نسل الله بان یوفق الكل علی ما یحب و یرضی . . . »

( از یادداشت‌های ایادی ام‌الله حضرت آقا میرزا طراز الله سمندری )

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

« ولی این قدر التماس از احبای الهی دارم که سبب اختلاف در این امر که جوهر تقدیس است نگردند و اسرار و رموز و اشارات سرّیه روا ندانند ام‌الله ظاهر و مشهود است الحمدلله در این کور اعظم امر مصرح و مشروع غیر مستور و مرموز . »

( مکاتیب عبدالبهاء ج ۱ ص ۲۴۶ )

با این تأکیدات صریحه چگونه نفوسی می‌توانند با القاء پاره شبهات و اظهار برخی رموز و اسرار و استنباطاتی بی مزه و ناوارد ذهن یاران را مشوب نموده از توجه به مرکز منصوص و مرکز مخصوص منحرف سازند . حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به صریح بیان می‌فرمایند :

« لهذا در نهایت تحسّر و اسف وصیّت مینمایم که ام‌الله را محافظه نمائید و شریعت الله را صیانت کنید و از اختلاف نهایت استیحاş بفرمائید اساس عقاید اهل بهاء روحی لهم الفدا حضرت رب اعلى مظهر وحدانیّت و فردانیّت الهیّه و مبشر جمال قدم حضرت جمال ابهی روحی لاحبائه الثابتین فدا مظهر کلیّه الهیّه و مطلع حقیقت مقدّسه ربانیّه و مادون کل عباد له و کل بامرہ يعملون مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر

منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و به بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا به اکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممن احب الشقاق و اظهر النفاق و اعرض من رب الميثاق . »

وقتی مرکز و مرجع اهل بهاء معلوم و واضح است چه جای بحث و انتقاد و یا القای شبهات باقی میماند . هر مطلبی که نا معلوم و غیر مصرح بود باید از مرجع کل امور که بیت العدل اعظم است سنوال نمود آنچه بیت العدل مقرر داد حق است و مراد الله و هر معارض با اوامر او مرکزی از مراکز نقض و شقاق و بروز اختلاف و نفاق محسوب خواهد بود .

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند :

« کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرّح احکام غیر مذکوره راجع بقرار بیت العدل دیگر اسباب اختلافی نه و من يتعد بعد ذلك فاولئك هم الناعقون و اولئك هم الظالمون و اولئك هم الاعداء المبغضون زنهار زنهار مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً حلّ مشکلات فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیت است و او را صیانت از خطا فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید هرکس

مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود . «

( مکاتیب ۲ ص ۴۹۹ )

با این بیانات صریحه واضحه معلوم میشود که هرگاه خدای نخواستہ در مسئلہ از مسائل اختلاف آرائی بین یاران حاصل شود راه صحیح مراجعہ بہ بیت العدل اعظم است و آن مقام معصوم رفع اختلاف نماید چہ کہ در ظل جناح عفت و عصمت حضرت احدیت است . انصاف باید داد کہ بعد از این ہمہ بیانات صریحہ واضحه آیا میتوان بہ کسی حق داد تکلم بکلامی نماید و ایجاد فتنہ و رخنہ کند و بہ عناوین مختلف متمسک شدہ شبہات سست تر از بیت عنکبوت ببافد اہل بہاء امروز با چنان وحدت صمیمیتی قائمند کہ احدی را امکان رخنہ در صف آراستہ آنان نخواہد بود ہمہ در ظل ہدایت و قیادت بیت العدل اعظم الہی ہستند و بیت العدل اعظم کہ طبق نصوص مصرّحہ کتاب اقدس و تبیینات واضحه الواح وصایا تشکیل گردیدہ مصون از خطا است و امکان ندارد چنین مقامی خطا کند و اگر خطا میکرد مصدر کل خیر نمیتوانست باشد وقتی میفرمایند « زیرا بیت عدل در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیت است او را صیانت از خطا فرماید » اہل بہاء ہرگز تصوّر خطا نسبت بہ بیت العدل اعظم نمی نمایند و ایمان دارند بہ اینکہ خداوند این مقام را در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظہ نماید .

تصوّری غیر از این گناہی عظیم است و از عدم و

سستی ایمان ناشی است . چہ کہ بہ نص قاطع جمال قدم جَلّ ذکرہ الاعظم اعضای بیت عدل اعظم الہی ملہمند بالہامات غیبی چنانچہ میفرماید :

« امور بہ بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند نفوسی کہ لوجہ اللہ بر خدمت امر قیام نمایند ایشان ملہمند بالہامات غیبی الہی بر کل اطاعت لازم » ( اشراق ۸ )

و نیز مرکز میثاق در لوحی از الواح میفرماید:

« . . . و همچنین ملاحظہ نشود کہ بیت عدل بہ فکر و رأی خویش قراری دہد استغفراللہ بیت العدل اعظم بہ الہام و تأیید روح القدس قرار واحکام جاری نماید زیرا تحت وقایت و حمایت وصیانت جمال قدم است و آنچه قرار دہند اتباعش فرض مسلم و واجب متحتّم بر کل است ابدا مفری از برای نفسی نہ . . . »

حال ناقضان ناکثان از چہ راہی مفری برای خویش میجویند خود دانند و گرنہ مؤمنین ثابتین را این بیانات کافی است و زنگ ہر شبہہ و ریبی را از صفحات قلوب بخوبی میزداید و پاک میکند .

در خاتمہ برای اینکہ بار دیگر بہ مسائلی کہ مربوط بہ وظائف بیت العدل اعظم الہی است متذکّر گردیم قسمتی از الواح وصایا را نقل میکنیم کہ میفرماید :

« این مجمع مرجع کل امور است و مؤسسّ

کل قوانین واحکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجالس حل گردد . «

همچنین در جای دیگر از الواح وصایا میفرماید:  
 « در آنچه اختلاف واقع و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند و هرچه تقرر یابد همان مانند نص است . »

پس ملاحظه میشود که جمیع مسائل مورد اختلاف باید به دست مشکل گشای بیت عدل اعظم الهی حل گردد و اوامر صادره از آن مقام رفیع که جمال قدم مقام شاریعت به او اعطاء فرموده مورد اطاعت کلیه یاران ثابت قدم است و هرکس مخالفت کند از ناقضین میثاق محسوب خواهد بود .

برای اینکه جلوی هر نوع سنوال مقدر و یا بهتر بگوئیم شبهات مکدر گرفته شود و استنباط های بی مزه بعضی نوهوسان را مجالی نماند قسمتی از بیان مبارک مرکز میثاق را زیب این اوراق مینمائیم قوله عز ذکره :

« در آن شرایع اولیه افراد علماء استنباطهای مختلف مینمودند و مجری میشد حال استنباط راجع به بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علماء را حکمی نه مگر آنکه در تحت تصدیق بیت العدل در آید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیئت بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملت است اختلاف حاصل نمیگردد ولی از استنباط افراد علما حکماً اختلاف شود و باعث تفریق و تشبث و تبعیض گردد و

وحدت کلمه و اتحاد دین الله مضمحل شود و بنیان شریعت الله متزلزل گردد. «  
 ( نقل از آهنگ بدیع )

\*\*\*\*\*

بقیه از صفحه ۳۹

متعددی را شامل خواهد گردید .

در خاتمه این مقاله را با ذکر این اشعار جناب نعیم اعلی الله مقامه پایان می دهیم :

آنکه فرمود عاشروا الادیان

گفت لاتجلسوا مع الشیطان

آن که فرمود بار یکدارید

گفت ابرار را غنیمت دان

آنکه ذکر قد اصطفینا کرد

کرد حکم توجه اغصان

آن که امر اذا خلتقم داد

داد مالا عرفتموا فرمان

آنکه گفت احترام آل و حرم

گفت یک یک شرایط ایشان

آنکه گوید من ادعی امراً

گوید اظهرونا الامر فی الامکان

آنکه فرمود انهم اوراق

گفت با خاک میشود یکسان

گفت معدوم صرف خواهد شد

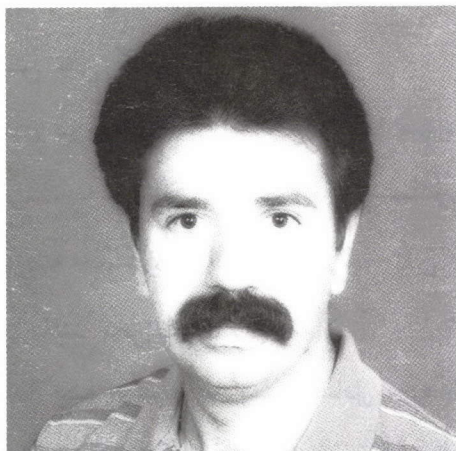
گردد منحرف ز دین یک آن

أفبا لكل انتم ایقنتم

او بیعوض الکتاب آمنتتم

## شرح حال فرهاد قدرت

خلاصه ای از سرگذشت زندگانی فرهاد قدرت  
علیه غفران الله



کرده بوده بفرهاد داده که برساند از جیبش بیرون آورده و همینکه میفهمند بهائی اند آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده به پاسگاه میبرند و صبح روز بعد پنج نفر پاسدار با فرهاد وارد منزل شده و منزل را زیر و رو کرده کتابها و مجله‌های امری و هرچه که نام بهائی روی آن بوده برداشته و بعداً به کارگاه رفته و هرچه در کارگاه بوده حتی ماشین وانت فولکس واگون او را برداشته با خود میبرند و میگویند «حق الناس مردم است» در زندان هم از آزار و اذیت کوتاهی نکردند. فرهاد و هدایت را بشدت شکنجه داده شاید بتوانند آنها را هم وادار به تبری سازند که موفق نمیشوند.

گاهی با اشاره مطلبی را میگفت مثلاً پس از شانزده ماه بوسیله مالیدن انگشت به گلو خبر داد که حکم اعدامشان صادر شده ۱۵ روز بعد یعنی روز ۱۱ دیماه آقای هدایت سیاوشی را شهید میکنند فرهاد هم در انتظار بود ولی تقدیر الهی چنین اقتضا نمود و شهید نشد.

در اردیبهشت ماه ۱۳۷۵ شمسی با دوشیزه نوشین

فرهاد قدرت در تاریخ نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و سی و سه شمسی در شهر یزد در خانواده ای بهائی، پدر قدرت الله فریدون و مادر بانو مهربان تشکر بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۰ با خانواده پدر بشیراز آمده سکونت نمودند و بقیه درس دبیرستانی را در شیراز طی نموده و در تشکیلات امری شرکت داشتند و مدتی را با عده ای از جوانان یکی از دهات اطراف شیراز بنام قصر ابونصر بمهاجرت رفتند در سال ۱۳۵۶ بخدمت نظام وظیفه رفته در سال ۱۳۵۸ مرخص شد. و سفری باروپا نموده تا بادامه تحصیل پردازد یا بشغلی مشغول شود. مدت ۲ الی ۴ ماه بکشورهای انگلستان - آلمان - اتریش - ایتالیا - ترکیه سفر نموده و چون حکومت انگلستان از اقامت ایشان مخالفت بعمل میآورد بایران مراجعت مینمایند و سپس در شیراز بشغل قاب سازی مشغول شد تا اینکه در شب ۲۲ مرداد ماه ۱۳۶۰ بعد از فراغت از کار و صرف شام با دوستانش در ساعت ۱۱ شب موقعیکه با دونفر از رفقاییش بنام های هدایت سیاوشی و جمشید پوستچی بمنزل میآمدند در خیابان گرفتار پاسداران میشوند پس از بازجویی و رسیدگی کردن جیبهای آنها يك نامه ای برای محفل مقدس روحانی از يك نفر که تقاضای وام

خانم احسنیان ازدواج نموده که از این ازدواج دو فرزند بنامهای هدایت‌الله و صهبا باقی مانده است .

ناگفته نماند فرهاد محض اینکه ما ناراحت نشویم شکنجه‌های زندان را بما نمی گفت ولی وقتی برای ملاقات ایشان بزندان میرفتیم معلوم بود که هفته گذشته چه بحالشان آمده زیرا ملاحظه میشد چشمش اشگ آلود است و یا نمیتواند راه برود و یا جهاتی دیگر از این قبیل . روزیکه باو اطلاع داده بودند حکم اعدامش صادر شده خیلی خوشحال بود و گفت عکسش را بزرگ نموده حاضر باشد شاید هفته دیگر ملاقات روی ندهد ما هم او را بحضرت بهاء‌الله سپرده خداحافظی کرده مرخص شدیم قسمتش شهادت نبود .

وامابشنویدازمعجزه حضرت بهاء‌الله جلّ جلاله ... روزی او تقاضای لوح هفت وادی نمود که هفته ای ده سطر نوشته بزندان ببرم تا از طریقه دفتر خوانده باو بدهند . . . .

بنده دیدم این رقم مدتی طول خواهد کشید تمام لوح هفت وادی را زیراکس نموده همراه خود بردم وقتی پشت شیشه باو نشان دادم او هم به يك پاسدار که پشت سرش برای حفاظت ایستاده بود گفت بیاید و این دفتر را گرفته برای او ببرد او هم آمد گرفت و برد بایشان داد در صورتیکه این کار از نظر پاسداران خلاف محسوب می شد . بعداً معلوم شد هفته قبلش فرهاد دعائی را ۲۱۴ مرتبه تلاوت کرده ورفقای دیگرش هل مِن مفرَج خوانده اند .

بالاخره فرهاد در تاریخ دوم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و يك که با خانواده و پدر و

مادش با ماشین سواری عازم اصفهان برای جشن عروسی بود در ۱۵ کیلومتری اصفهان منطقه بهارستان ماشین منحرف و در اثر واژگون شدن و ضربه شدید مغزی در سن ۲۷ سالگی بملکوت اعلی صعود نمود جسد ایشان در گلستان جاوید اصفهان دفن گردید جلسات تذکر با شکوهی در اصفهان و شیراز و طهران و یزد و خارج از کشور طرف فامیل برگزار شد .

در خاتمه قسمتی از دستخط معهد اعلی برای حسن ختام زینت بخش این شرح حال میگردد :

« خواهر عزیز روحانی خانم فرنگیس قدرت  
علیها بهاء‌الله

از مکتوب ۱۴ می ۱۹۹۲ که در آن خبر ناگوار صعود نا بهنگام جناب فرهاد قدرت مذکور بود سبب حزن وافر بیت العدل اعظم گردید . مدارك موجوده در ارض اقدس حاکی است که آن نفس نفیس مخصوصاً در وقایع اخیر چقدر تحمّل جفای اولوالبغضاء را نمود و بشکنجه و زندان دچار گردید . شکّی نبوده و نیست که آن روح پاک حال فارغ و آزاد در عوالم الهی در ظلّ عنایت جمال اقدس ابهی محشور و از زحمات سابقه خویش مسرور و مشکور .

معهد اعلی در اعتاب مقدّسه علیا آن نفس نفیس را بدعای خیر یاد فرموده و بار دیگر در آستان مقدّسش رجا نمایند تا انشاءالله بترقیات عظیمه در عوالم بقا فائز شود . . . » .

## اطلاعاتی در مورد :

### « دانشگاه نور »

نامه ای همراه با جزوه ای شامل اطلاعاتی در باره « دانشگاه نور » واقع در سانتا کروز بولیویا به عندلیب رسیده که درخواست نموده اند احبا را از چگونگی دانشگاه مزبور و اهداف و فعالیت های آن آگاه سازند که خلاصه آن را ذیلاً بنظر خوانندگان گرامی می رساند :

قسمتی از نامه بیت العدل اعظم مورخه سوّم دسامبر ۱۹۸۹ :

« . . . امید بیت العدل آن است که فعالیت این اولین دانشگاه که بوسیله بهائیان بر اساس اصول و اهداف دیانت بهائی تأسیس گردیده با پیشرفت و موفقیت ادامه پیدا کند . »

۱ - تاریخ تأسیس - در ۲۳ می سال ۱۹۸۲ عده ای از احباء اعضای مؤسسه Fundesib دانشگاه مزبور را تأسیس نمودند .

۲ - هدف : پیشبرد فعالیت‌های در زمینه خدمات اجتماعی و پرورش منابع انسانی که قادر به پشتیبانی و نوسازی و ابداع اصولی عادلانه و صلح جویانه و هماهنگ برای اجتماع باشد .

۳ - تعلیم و تربیت - فلسفه تعلیم و تربیت این دانشگاه ، بنیان و برداشت معنویش صریحاً از

اصول جهانی امرالله الهام میگیرد و بفرموده بیت العدل اعظم « اولین دانشگاهی است که بوسیله بهائیان و بر وفق اصول و مقاصد نهائی بنیاد شده »  
۴ - همان اراده تعلیم فارغ التحصیلان در رشته مدیریت ، دانشگاه نور دارای مدرسه فوق لیسانس میباشد که رشته مدیریت را در سطح Master ادامه میدهد .

۵ - رشته اقتصاد کشاورزی برای تربیت مدیر یا مشاور در مؤسسات کشاورزی دولتی و یا بخش خصوصی ( دانشگاه نور تنها مؤسسه ایست که در بولیویا این رشته را تدریس میکند ) .

۶ - رشته مهندسی در سیستم اطلاعات با استفاده از کامپیوتر .

۷ - رشته ارتباطات اجتماعی ( روزنامه نگاری و برنامه های سمعی و بصری )

۸ - رشته های « روابط عمومی » و « ترویج اجتماعی » .

۹ - امور بازرگانی و تجاری ، بانکی و صنعتی .

دانشگاه مزبور با اراده مصمم دانشجویانش و با دید و برداشت روشن که در مورد آینده دارد بدون شك قادر به توسعه قوای حقیقی انسانی برای خدمت و نفع جامعه است .

UNIVERSIDAD NUR.

AV. BANZER # 100. SANTA CRUZ.  
BOLIVIA

CASILL 3273. Tel. (591)(3) 333939

FAX : (591) (3)

331850

TX 4390 UNIVNUR BY

## لنو قایقران

لنواز ساکنین جزیره سینت وینسنت (St.Vincent) که از جزایر کارائیب (Caribbean) است میباشد و شغلش قایقرانی است. مسافری را از جزیره ای به جزیره دیگر میبرد و گاهی اوقات هم ماهی گیری میکند.

در کنار ساحل با او آشنا شدیم و پس از آن لنو مرتب به ما سر زده و برایمان يك پاکت پر از نارنگی میآورد. به محض آنکه وارد منزل میشود نارنگیها را به همسرم داده، با بچه ها احوالپرسی میکند و بعد روی مبل نشسته در عرض چند ثانیه خوابش میبرد. يك ساعتی برای خودش میخوابد و بعد بیدار شده غذا میخورد، تشکر میکند و میرود. چند بار این برنامه به همین صورت تکرار شد و هر وقت سعی میشد چند کلمه ای راجع به امر با او صحبت شود، در عرض چند ثانیه لنو در خوابی عمیق مشاهده میشود.

بچه ها به من میخندیدند چون هر دفعه سر صحبت را با او باز میکردم چند لحظه بعد لنو در خواب بود. البته متوجه بودیم که کار لنو واقعاً سخت است چون تمام روز در حال پارو زدن میباشد و احساس میشد که منزل ما هم برایش خیلی آرامش بخش است، لذا از خستگی زود خوابش میبرد. يك شب وقتی منزل را ترك کرد،

خانوادگی مشورت کردیم و قرار شد بار دیگر که آمد باو بگوئیم يك روز صبح بدیدن ما بیاید که لااقل بتوانیم چند کلمه ای با او راجع به امر مبارك صحبت کنیم. همین کار را کردیم و چند روز بعد لنو روز شنبه صبح بدیدنمان آمد، طبق معمول با يك پاکت پر از نارنگی. خوشحال شدیم و پیش خود گفتیم امروز میشود چند کلمه ای در باره امر با او صحبت کرد. بعد از صرف چای، سر صحبت را با او باز کردم و در حالی که داشتم چند عکس از مشرق الاذکار باو نشان میدادم، صدای خنده بچه ها بلند شد، سرم را بالا کردم دیدم لنو در خواب است، چه خوابی. عکسها را گذاشتم روی میز و مایوسانه رفتم سرکارم. لنو هم یکی دو ساعتی برای خودش خوابید.

چندی بعد يك شب که در اطاقم بودم، پسرم وصال آمد پیشم و گفت: بابا مژده بدم. گفتم چی شده، گفت: لنو اینجاست و خیلی هم سر حال است و اصلاً خواب داخل چشمهایش نیست. گفتم فکر میکنی، به محض اینکه سر صحبت را باز کنم خوابش میبرد. وصال گفت: نه بابا امشب از آن شبها نیست لنو خیلی سر حال است. قبول کردم و قرار شد مجدداً با او صحبت کنم. نزد لنو رفتم و او را خیلی سر حال مشاهده کردم، با چشمانی درشت و بیدار روی مبل نشسته بود و با بچه ها حرف میزد. با او احوالپرسی کرده به صرف چای

مشغول شدیم ، بعد از چند دقیقه يك جزوه امری که دارای عکسهای بسیار زیباست باو دادم و گفتم لنو يك نگاهی به این جزوه بکن . به چشمهای لنو نظر انداختم و دیدم درشت و سرحالند ، خیالم راحت شد که نخواهد خوابید .

لنو با اشتیاق فراوانی و توجه زیاد به عکسها نگاه میکرد ولی چون عینکش همراهش نبود نمی توانست مطالب زیر عکسها را بخواند ، این بود که يك يك برايش توضیح داده میشد . عکسی که بیشتر از همه نظر او را جلب کرد ، زندان عکا بود و از آن پرسید ، برايش تاریخ مسجونیت حضرت بهاء الله را بطور خیلی مختصر توضیح دادم ، هرچه بیشتر راجع به حضرت بهاء الله و صدمات وارده بر آن هیکل مبارك گفته میشد لنو مشتاق تر بنظر میرسید ، از تعالیم مبارك نیز برای او گفته شد ولی آنچه به قلب او نشست و به هیجاناش آورد تاریخ زندگی حضرت بهاء الله بود .

آن شب لنو بعد از شنیدن تاریخ زندگی حضرت بهاء الله که بطور مختصر بیان شد ایمان آورد . از آن شب به بعد هر وقت لنو بدیدن ما میآمد ، چه روز و چه شب ، نه تنها خوابش نمی برد بلکه مشتاق بود بیشتر از تاریخ امر بشنود . تاکنون چند بارهم که به جلسات آمده هر دفعه با خود مبتدی همراه داشته .

احبای عزیز ، داستان ایمان آوردن لنو از این نظر جالب است که از زمانی که اسم امرالله را شنید و به تاریخ زندگانی حضرت بهاء الله و صدمات وارده بر آن هیکل مقدّس آگاهی پیدا نمود ، نه

تنها خواب از چشم سرش پرید بلکه چشم دل هم بیدار شد ، به اهتزاز آمد و ایمان آورد . بنظر میآید که امروزه اکثر مردم جهان در خوابند ، نه در خواب ظاهری بلکه در خواب غفلت و اسم مبارك حضرت بهاء الله مانند نوای موسیقی میباشد که آنها را از خواب غفلت به عالم روح برده و چشمان باطن ایشان را باز میکند و شنیدن کلماتی از زندگی جمال مبارك و صدمات وارده بر آن هیکل مبارك به اهتزازشان در میآورد . بخاطر میآوریم که حضرت بهاء الله در لوح مبارك احمد میفرمایند : ثم ذکر ايامی فی ايامك

\*\*\*\*\*

## یادی از مهاجره فداکار

### از هوشنگ گهرریز

دو غزال زیبا بر بستری نرم و گسترده از سبزه های نورس در حال جست و خیزند گاهی از پی هم دوان و زمانی در پس بوته بزرگی از شاخ و برگ سبز نورسیده بآرامی در حال چرا .

روی نیمکتی از چوب سفید در کنار سایه درختی نشسته و به گذران عمر میاندیشم . هوا گرم و آفتابی است بهمین جهت عده ای برای هواخوری به پارک زیبای شهر پناه برده اند تا از مناظر مختلف آن لذت ببرند . اطفال كوچك در گوشه ای مخصوص بخود مشغول بازی هستند . دو قوی زیبا و سفید و چند مرغابی قشنگ بر سطح آب دریاچه ای که در پارک احداث شده در حال شنايند . چند زوج مُسن بر نیمکتهای اطراف

دریاچه به تماشای دو قوی زیبا نشسته اند  
جوانترها با شادی و شغف بسیار که لازمه سن و  
سال آنهاست روی چمن پارك به ورزش و بازی  
سرگرم و گاهی به رقص و پای کوبی مشغول .

از دیدن اینهمه مناظر مختلف و زیبا و قهقهه  
جوانان ، از مشاهده دو غزال چشم سیاه و دو قوی  
سفید و چند مرغابی قشنگ بر سطح دریاچه در  
عالمی از خیال به گذران عمر می اندیشم .

خورشید که تابحال بر سقف نیلگون آسمان خرامان  
بود حال آهنگ آن نموده که خود را در پس  
کوههای مرتفع پنهان کند بهمین سبب افق از سمتی  
خونین است و از سوی دیگر که کوهها سر بفلک  
کشیده اند به فرش زمردین مزین همچنانکه به  
تماشا نشسته بودم ورود دوست عزیزی که سالها با  
هم در نقطه مهاجرتی یار و ندیم بودیم رشته  
خیال را از هم گسست .

با او بود که در سنه مقدس جهاد روحانی کبیر  
اکبر که از بدایع صنع مولای حنون بود سوگند  
وفاداری یاد نمودیم و در طریق عشق و بندگی با  
قائد مقتدر ملکوتی خویش وارد میدان هجرت  
گشتیم . در آن سال فرخنده جام محبت حضرت  
دوست بدور آمد و عاشقان را چنان سرمست نمود  
که خیل مهاجرین چون طیور شکور بسوی اهداف  
معینه پرواز نموده از خانه و کاشانه چشم پوشیده  
بسوی اقالیم بعیده رهسپار شده از قلل جبال و  
قلب جنگلها و دل صحراها و اقیانوسها گذشته  
بنقاط مختلفه هجرت نمودند . اکنون سالهای  
بسیاری از آن زمان گذشته ولی یاد خاطرات آن  
دوران شادی بخش دلهاست بخصوص که فداکاری

و وفاداری آن عشاق جمال بی مثال به فتح و  
ظفری انجامید که انوارش روشنی بخش قرون و  
اعصار گردید .

آفتابی زد و ویرانه دل روشن شد

لیک افسوس که زود از لب دیوار گذشت  
از جا برخاسته باهم قدم زنان بکنار دریاچه رفتیم  
هنوز دو قوی سفید و چند مرغابی قشنگ بر سطح  
آب دریاچه در حال شنا بودند و دو غزال چشم  
سیاه در حال جست و خیز .

مدتی گذشت و شرح حال مشتاقان را دل بدل  
گفتم و یاد آن مجاهدان دلیر را با شوق و شغف  
بسیار بخاطر آوردیم یادمان آمد که همراه خواهر و  
برادری از خطه شمال با کشتی بادی کوچکی در  
ظهر یکی از روزهای گرم تابستان از بندر مخروبه  
ای بطرف نقطه مهاجرتی حرکت نمودیم . دختری  
که با ما همسفر شد تنها خانم مسافر این کشتی  
بود که بقصد ازدواج با پسری در نقطه مهاجرتی  
عازم بود بدون اینکه او را قبلاً شناخته یا دیده  
باشد . در آن زمان جوانان فداکار که با چنین نیتی  
طریق مشکل مهاجرت را طی میکردند کم نبودند .

آذر نازنین یکی از آن مهاجرات فداکار بود که با  
این قصد آهنگ وفا ساز نموده راهی آفاق بعیده  
شد. او مانند مرغی بی پر و بال خود را در چادری  
پیچیده در زاویه خلوت این کشتی بادی در پناه  
سایه بانی پنهان نموده ناظر هیجان کارکنان کشتی  
در موقع حرکت از بندر بود . ما هریک بگوشه ای  
خزیده دست دعا و مناجات بسوی خداوند بی نیاز  
بلند کردیم که بارالها از جام صهبای محبتی که  
بدست توانای مولای عزیزمان بدور آمده ما را

جرعه ای بنوشان بار پروردگارا ما را موید فرما تا  
ذیل جوار سلطان سلاطین عشق را که نصیب  
فرمودی بعالمی از دست ندهیم .

بگیر احباب خود را در پناهت ترا سوگند بر  
احسان و جاهت که ما دراین جهان جز تو پناهی  
نداریم و تو خود بر این گواهی .

آن بعد از ظهر داغ، سپری شد و شام سیاه در  
رسید . چهار نفری در گوشه ای نشسته مختصر  
غذائی که داشتیم خوردیم و بگفتگو پرداختیم در  
جمع ما آذر از همه صبورتر و آرامتر بود معلوم بود  
که با خدای خود راز و نیاز میکند و زیر لب  
اشعاری زمزمه مینماید .

پاسی از شب گذشت هریک در گوشه ای آرمیده و  
جز حرکت کشتی بر سطح آب صدائی شنیده  
نمیشد . مدتی که براین منوال گذشت کم کم بر  
تکان کشتی افزون شده تلاطم آب دریا ازدیاد  
یافت . معدودی از مسافری که از تکانهای سخت  
کشتی بیدار شده بودند شاهد وخامت اوضاع  
گردیدند . ابر غلیظی همه جا را فرا گرفت و  
طوفان مهیبی آغاز گردید و کشتی کوچک ما بر اثر  
آن طوفان مانند مرغی که دستخوش گرداب شده  
باشد بهر طرف میچرخید . وحشت و اضطرابی که  
در شب ظلمانی بر اثر طوفان بر همه مسافری  
مستولی شده بود وصف ناشدنی است . به آذر  
نزدیک شدم تا حالش را بهرسم دیدم در گوشه ای  
در زیر چادر نماز خود با اطمینان و ایمانی لبخند  
میزند و برادرش را که بزرگتر از او بود مخاطب  
ساخته اطمینان میدهد که نترس جمالبارک با ما  
است ما را به نقطه مهاجرتی هدایت خواهد فرمود

میگفت :

نیست ما را بیمی از گرداب امواج بلا

مرغ دریا دل کجا اندیشه از طوفان کند

در این وقت صدای رعد آسانی برخاست و در پی  
آن نیمی از کشتی در اثر برخورد با امواج دریا  
شکسته و بدریا پرتاب گردید . جمعی از کارکنان  
منجمله ناخدای کشتی بوسط دریا افتاد که  
خوشبختانه با مساعی دیگر کارکنان از دریا گرفته  
نجات یافت اما سکان و بادبان آن در يك لحظه  
در عمق دریا ناپدید گردید. معلوم است که در  
این هنگامه چه بر همه گذشت اما آذر همچنان در  
گوشه ای ساکت و صامت نشسته و لبخند میزد .  
خدایا این چگونه موجودی است که ترس و  
وحشت را بر او راهی نیست . آیا او چه احساس  
میکند که با اینهمه اطمینان جالس و با چشمانی پر  
از امید بدیگران درس شهامت میدهد شاید در  
دل می گوید :

از حادثه ترسند همه کاخ نشینان

ما خانه بدوشان غم سیلاب نداریم

بر اثر دو نیم شدن کشتی آب به طبقه زیرین  
نفوذ کرده عده ای را بر آن داشت تا با کاسه  
شروع به تخلیه آن نمایند اما این کشتی شکسته که  
نه بادبان و نه سکان داشت بر اثر هر موجی بیک  
طرف کشیده میشد و هیچگونه کنترلی نداشت .  
چند شبانه روز بهمین منوال گذشت تا بر اثر  
جریان آب دریا بطرف ساحل ناشناخته ای رانده  
شدیم و با مشقت فراوان پا به خشکی گذاشتیم  
اما نمیدانستیم در چه سرزمینی هستیم . آذر  
میگفت من اطمینان داشتم که حضرت بهاء الله

بیاری ما خواهد آمد و ما را بساحل نجات رهبری خواهد فرمود و میدانم که بالاخره موفق خواهیم شد تا در نقطه مهاجرتی ساکن شویم .

خداوندا اینهمه ایمان و خلوص را از که آموخته و این رضا و توکل را از کجا آورده که مردان دلاور را سهمی از آن نه و ناموران عالم را بهره ای از آن نیست . در نقطه ای پیاده شدیم که صحرای سوزان بود و از آبادی خبری نبود . چهار نفری روی شنهای داغ کنار دریا نشستیم و به تلاوت مناجات و الواح مشغول شدیم . از آن پس سخت ترین و غم انگیز ترین لحظات این سفر آغاز گردید چون تصمیم گرفتیم که آذر و برادرش را در همان نقطه بیابان گذاشته من و دوستم هریک بطرفی برویم تا اگر به آبادی رسیدیم برگشته آنان را ببریم و الا هیچ . لحظات دردآوری بود ما سه نفر پسر دست در گردن هم اشک ریختیم و با هم وداع نمودیم اما آذر لبخند زنان بما دلداری میداد که راه نجاتی پیدا خواهد شد و اطمینان میداد که حضرت بهاء الله به مدد ما خواهد آمد و ما را بنقطه مهاجرتی هدایت خواهد فرمود بالاخره آنها را تنها گذاشته و فرسنگها در آن هوای گرم و صحرای سوزان با پای پیاده حرکت کردیم و راه نجاتی یافتیم . آذر عزیز درست میگفت راه نجاتی پیدا شد و تائید و توفیق حق مددکار گردید و ما از آن بی سر و سامانی نجات پیدا کردیم .

هرکی بی سامان شود در راه دوست

در دیار عشق سامانش دهند

براستی انسان متحیر است که آذر عزیز که بخاطر رضای مولای ابهایش حاضر شده بود با پسری در

نقطه مهاجرت ازدواج کند بدون اینکه او را بشناسد چگونه موجودی است . خدایا اینهمه عشق و دلدادگی و این گونه وفا و صفا را از که آموخته و خمیر مایه جاننش را از چه گلی آمیخته و گل وجودش را از چه مایه ای سرشته اند که این طور فداکاری میکند .

لحظاتی که تلاطم طوفان شدید میشد و قلب به نومیدی میگرانید و امواج سهمگین غموم و ناامیدی بر همه مستولی میشد آذر بکنار ما میآمد برادرش را صدا میزد و از او که صدای خوشی داشت خواهش میکرد که برایمان مناجات بخواند . هرچه گونی اولی دارد به غیر از حرف عشق کاینهمه گفتند و آخر نیست این افسانه را . بلی او عاشق بود سرمست از باده محبت مولای عزیزش و دلدادگی ای بود سرشار از صهبای عنایت محبوبش . در طریق عشق و جانبازی وارد شده بود و از همه عالم و عالمیان دست شسته بامید شادی قلب مولایش سرمایه عمر را در طبق اخلاص نهاده رنج هر محنتی را بخود خریده بود .

براستی انسان تا به این درجه از ایمان و خلوص نرسد از خانه و لانه و دوست و بیگانه نمیگذرد . او میگفت که :

جهان دریا و تن کشتی و عقلت ناخدا باشد

خدا ساحل هوس گرداب و دانش بادبان باشد

اگر این بادبان عقل و فکرت کشتی تن را

از این دریا بردبرسوی ساحل ای خوشا حالش

و گرنه صد چنین کشتی که شد بشکسته در دریا

نه از کشتی نشانی و نه از کشتی نشینانش

آذر فقط بیک چیز میاندیشید و آن سرور قلب طلعت محبوب ابهایش بود و بهمین سبب روح و فکرش مملو از رضا و تسلیم شده بود خود را فراموش کرده بغیر از مهرش سرمایه ای و جز عشق او مایه ای نداشت . هیچ حادثه ای در عزم راسخ آن کنیز محبوب الهی ادنی خللی وارد نیآورد . او خود را کبوتری می پنداشت که پیام جانبخش الهی را زیر بال خود گرفته حامل آن هدیه آسمانی به بشر سرگردان بود و الحق شرط وفا بجا آورد . اکنون سالهاست که آن فرید عشق و رضا و وحید وفا و انقطاع در لانه و آشیانه حقیقت و صفا با همسر نازنینش زیست میکند و همچنان در آفاق بعیده در نقطه مهاجرتی بخدمت و عبودیت قائم است . چون حکایت کنی از دوست من از غایت شوق

باز صد بار بگویم که دگر بار بگو سخن که باینجا رسید مدتها بود که از خورشید عالمتاب خبری نبود اما صدف نیلی آسمان بانجم تابناک پرگشته پهن دشت آن از اختران زیبا مملو شده بود .

ماه که تا لحظاتی قبل در دل قطعه کوچکی از ابر پنهان بود اکنون بر سقف فلک نیلگون خرامان شده آفاق را روشنی بخشیده نور سیمگونش درخشش تابنده ای یافته انوار نقره فامش تمام محیط اطراف را فرش از سیم گسترده . دیگر از دو غزال زیبا که بر بستر سبزه های نورس در حال جست و خیز بودند و از دو قوی سفید و چند مرغابی قشنگ که بر سطح آب دریاچه شناور خبری نبود . از آنهمه سروصدا و غوغا و شادی اطفال و جوانان که روی چمن به رقص و پایکوبی مشغول بودند

اثری مشاهده نمی شد . در اینحال هر دو ساکت و صامت شدیم . مرغ خیال به سالهای گذشته پر کشید و در عالمی از شور و عشق پرواز نمود . در آن سنه مقدس جمعی از شیدائیان محبت و گروهی از عشاق دلباخته جمال احدیت همتی مردانه نموده به ندای سردار جند هدای و قائد جیش عزم بهاء لبیک رضا و وفا گفتند و به امر مولای خویش آواره دشت و صحرا و کوه و بیابان و دریا شدند و نقد عمر را صرف خدمت نمودند .

آن حمامه های قدسی که حامل پیام الهی بودند عاشقانه از وطن مألوف دور شده روانه میادین هجرت گشتند تا شرط وفا بجا آورده تشنگان وادی حرمان را از سرچشمه تعالیم الهیه سیراب نمایند .

معلوم است که دراین راه چه رنجهای برده و به چه صدماتی مبتلا شدند . چه جانهای پاک که در این سبیل به مرگ ناگهانی در دیار غربت بجهان ملکوت پرواز نمودند . چه اطفال معصوم و دُرْدانه رضیع محبت که در آن طریق آرمیدند و دیگر برنخاستند .

براستی چگونه باید شکر آستان مولای حنون و شفق را بجای آورد که این بلبان ثناخوان رضوان احدیت را به نغمه و آواز مشغول و این هدهدان سبای عنایت را به گلبانگ معنوی دمساز فرمود .

کاس ماء طهور را بدور آورد و عاشقان جمال ازلی را جرعه ای از آن صهبای الهی بنوشانید تا عالمی را از رنج و محنت برهاند و جسم علیل جهان را داروی ابدی بخشد .

شرح جستجوی طالبی عاشق و عاشقی صادق در طلب مقصود  
و اظهار امر موعود در ليله پنجم جمادى الاول

شعر از عطاء الله ستوده نیا

فرستنده بانو بتول درخشان

## جلوه گه راز

چون جدّ خویش ، مظهر حق ، احمد امین  
پرسید حالِ آن مسافر رنجور و خسته را  
مسرور کرد خاطر آن دل شکسته را  
ملّا حسین ، آن مسافر از راه آمده  
مبهوت و بی اراده در پی او راه می سپرد  
چون عابدی که در پی معبود می‌رود  
این راه نیز با دل آگاه می سپرد  
القصه ، چون به کعبه مقصود آمدند  
با یکدیگر بمنزل معبود آمدند  
گرد سفر بشُست ز روی و نماز کرد  
در پیشگاه حق همه راز و نیاز کرد  
سَر نهان شنید و به مطلوب خود رسید  
روحي جدید در بدن خسته اش دمید  
آندم شنید صوتِ اَلستُ بریکم  
با پاسخ بلی ، چه بلاها بجان خرید  
خلق جدید گشت و به مسجد روانه شد  
در عشق حق به هر دو جهان جاودانه شد  
پا در رکاب کرد و براهی " ستوده " رفت  
در قتلگاهِ عشق ، چه کار آزموده رفت



با چهر پُر غُبار رسید از دیار دور  
از سرزمین سَرور ابرار کربلا  
از کوی دوست  
در جستجوی گمشده خویش هر نَفَس  
پای پیاده راه طلب طی نموده بود  
در عشق روی دوست  
در یاد داشت گفته استاد خویش را  
آن سیدی که درس عشق به وی یاد داده بود  
هر روز گفته بود به طلاب درس خود  
از حُجّتی که گوش بفرمان خلق داشت  
موعودِ کلّ  
آن مُنّجی ام که مظهر حق و عدالت است  
آنکس که ذکر او همه جا در روایت است  
در جمع دوستان همه از وی حکایت است  
در شوق وصل دوست چهل شب دعا نمود  
دینی که داشت در طلب حق ، ادا نمود  
اکنون به شهر شُهره شیراز آمده است  
یاران او به مسجد و او باز آمده است  
اینجا به عشق جلوه گه راز آمده است  
در جستجوی دوست  
ناگاه دید جوانی نکو خصال  
حتّی نظیر او نتوان دید در خیال  
با هاله ای ز نور  
با جلوه ای مُهمین و با شیوه ای متین

## اخبار و بشارات امری

### برزیل :

#### جشن میثاق حضرت عبدالبهاء

روز دوم دسامبر جشنی بمناسبت صدمین سال عهد و میثاق حضرت عبدالبهاء در شهر «نووهمبرگو» (Novo Hamburgo) برگزار گردید که در آن ۱۲۰ نفر از افراد برجسته شهر شرکت کردند. در این جشن کارتهائی که روی آن قطعاتی از کلمات مبارکه مکنونه نوشته شده بود توزیع گردید که از نظر تبلیغی بسیار موفقیت آمیز بود.

#### فردا متعلق به کودکان است :

روز نهم دسامبر عالیجناب میکائیل گورباچف و رازیا همسر ایشان ضمن سفر خود به چهار کشور آمریکای جنوبی از کنگره ملی در برازیلیا دیدن کردند. در این بازدید نماینده دفتر بهائی کتاب «فردا متعلق به کودکان است» را که جدیداً از طرف دفتر بین المللی اطلاعات بهائی منتشر شده است و همچنین کتاب «يك کشور» را به آقا و خانم گورباچف تقدیم کرد. خانم و آقای گورباچف مدتی با احباء صحبت کردند و از دریافت کتابها تشکر نمودند.

#### نماینده محفل ملی بعنوان مشاور انتخاب میشود :

نماینده رسمی محفل ملی برزیل بعنوان یکی از مشاوران دفتر ملی حقوق اطفال و جوانان که تحت نظر وزارت دادگستری برزیل انجام وظیفه مینماید انتخاب شد. دفتر ملی حقوق اطفال و جوانان مشغول وضع قوانین و خط مشی در مورد حفاظت حقوق اطفال و جوانان بوده و راهنمایی برای بهبود وضع اطفال و جوانان پیشنهاد میکند. این دفتر دارای ۲۰ مشاور اصلی و همچنین ۲۰ مشاور علی البدل میباشد. آناپاز Anapaz معلم مدرسه بعنوان مشاور علی البدل در این دفتر انجام وظیفه خواهد کرد روز ۱۶ دسامبر که انتخاب اعضاء بر گزار گردید وزیر فوائد عامه و عده ای از افراد برجسته حضور داشتند.

روز ۱۸ دسامبر کتاب هفت وادی و همچنین بعضی از الواح دیگر حضرت بهاء الله به موزه تصویر و صدا در سائو پالو اهداء گردید. کتاب هفت وادی بوسیله یکی از مؤلفین بهائی که متخصص تالیف کتابهای فلسفی و مذهبی میباشد چاپ شده و نقاشی روی جلد آن توسط دو نقاش برجسته برزیلی انجام گرفته است. این کتاب در ۱۰۸ صفحه و ۲۰۰۰ جلد از آن انتشار یافته. در مراسم اهدای کتاب ۲۰۰ نفر از هنرمندان و ناشران و روزنامه نگاران شرکت داشتند. برنامه بسیار جالبی در این مراسم اجرا شد که شامل دکلمه قسمتهائی از هفت وادی بوسیله هنرمند معروف «رودریگو سانتیاگو» و خواندن آوازی از نام «جمال مبارک» به زبانهای مختلف بود.

غرفه بهائی در ان موزه شامل الواح و آثار حضرت

بهاء الله به ۳۰ زبان مختلف و همچنین ۱۸ پوستر بزرگ در باره امر میباشد که تا آخر ماه دسامبر ادامه داشت .

مراسم اهدای کتاب و آگهی غرفه بهائی در دو روزنامه معتبر برزیل درج گردید و در تلویزیون نشان داده شد .

### احباء برای شرکت در انستیتو سال مقدس

#### ۷۰ کیلومتر پیاده راه پیمودند

۱۶۶ نفر در انستیتوی سال مقدس که از تاریخ ۸ تا ۱۲ نوامبر در گویده (Gueyde) منعقد شده بود شرکت نمودند .

بعضی از احباء برای رسیدن به این انستیتو بیش از ۷۰ کیلومتر راه پیاده طی کردند . در بین افرادی که پیاده باین انستیتو رفتند اطفال و جوانان نیز وجود داشتند . رئیس قبیله ای که انستیتو در نزدیکی آن تشکیل شده بود آنقدر تحت تاثیر رفتار بهائیان قرار گرفت که هدیه ای برای تولد حضرت بهاء الله تقدیم کرد .

#### اتیوپی :

### احبا در آدیس آبابا در روز مارتین لوتر

#### کینگ مراسمی بر گزار کردند :

محفل ملی اتیوپی یک گرد همآیی عمومی در روز ۱۷ ژانویه ( روز مارتین لوتر کینگ ) منعقد کرد . این مراسم در آمفی تاتر آدیس آبابا برگزار شد که از طرف وزارت کشاورزی اتیوپی در اختیار محفل قرار گرفته بود .

آگهی برگزاری این مراسم چهار روز پی در پی از

رادیو و تلویزیون پخش گردید و در روز مهبود آمفی تاتر پر از جمعیت شد .

#### چین :

### احبا در رژه صلح شرکت میکنند :

جامعه بهائی در رژه صلح که در ۳۰ اکتبر در شهر آکرا ( Accra ) برگزار گردید شرکت کردند . این رژه تحت نظر کمیسیون ملی دموکراسی و ازطرف ادیان مختلف بهائی ، مسیحی ، مسلمان و تعدادی گروه دیگر ترتیب داده شده بود . یکی از احباء پرچمی حمل میکرد که روی آن نوشته شده بود : " صلح تنها وسیله اتحاد نوع بشر ... " ( بهاء الله ) يك وانت ، بهائیان را مشایعت میکرد که روی آن نوشته شده بود " وحدت خدا ، وحدت ادیان ، وحدت نوع بشر " احبا در این رژه تعداد ۶۰۰ جلد از کتاب وعده صلح جهانی و هزار بروشور مختلف مربوط به امر را در بین مردم توزیع کردند . یکی از برگزار کنندگان این مراسم در انتهای رژه به احبا گفت که بنظر میرسد که این مراسم فقط بخاطر اعتلاء نام بهائیان تشکیل شده است . رژه در میدان آزادی که حدود ۷۰۰۰ نفر در آنجا اجتماع کرده بودند با خواندن پیام صلح بوسیله گروه های مختلف و همچنین قرائت یکی از مناجاتهای حضرت عبدالهء بوسیله مشاور قاره ای بیاتریس آساره خاتمه یافت . این مراسم از رادیو و تلویزیون پخش گردید و یکی از روزنامه های مهم مطالبی در باره آن منتشر کرد .

## هندوراس :

### جزوه وعده صلح جهانی به مأمورین عالیرتبه دولتی اهداء میگردد :

جزوه وعده صلح جهانی و کتاب بهاء الله به چهارده تن از مأمورین عالیرتبه دولتی منجمله رئیس جمهور هندوراس جناب رافائل لنونارد و همسرش ، سه تن از وزراء ، رئیس مخابرات و رئیس دیوان عالی کشور اهداء گردید .

## مجارستان :

### اولین کنفرانس ملی جوانان قلب ها را مملو از نشاط میکنند :

اولین کنفرانس ملی جوانان مجارستان در تاریخ ۲۰ فوریه در دبرسن ( Debercen ) برگزار گردید که در حدود ۶۰ نفر از جوانان بهائی و غیر بهائی از سرتاسر کشور در آن شرکت کردند . برنامه کنفرانس شامل نطق ، مشاوره ، نمایش و بازیهای مختلف بود .

### نیوزیلند : جشن سال مقدس :

بزرگترین جشن سال مقدس بعنوان يك مراسم تبلیغی در ۲۱ فوریه در هامیلتون با شرکت تعداد زیادی از احباء و افراد غیر بهائی برگزار گردید. در این جشن شاهزاده توسی مالییتوا Tosi Malietoa و پوا چنگ ( Pua Chang ) از ساموا توماس دیویس ( Thomas Davis ) از جزائر کوک ، چهار نفر از اعضای هیئت معاونت و بیشتر اعضای محفل ملی نیوزیلند حضور داشتند مهمان برجسته غیر بهائی در این جشن خانم آتانی رنگی کاآهو

Ata-i rangi Kaahu بود که رهبر جنبش کینگیتانگا Kingitanga میباشد . هدف جنبش کینگیتانگا اتحاد ملی قبائل است ، این جنبش بوسیله کینگ پوتاتا King Potatau در سال ۱۸۵۰ بنیان گذاری شد و برای مائوری ها بسیار مهم میباشد . خانم کا آهو ششمین رهبر این جنبش است که نسل بعد نسل باو رسیده است .

این مراسم در روز جمعه بعد از ظهر با خوش آمد گونی جناب موریسون عضو هیئت مشاورین قاره ای افتتاح شد و سپس جناب قاضی سیمسون رئیس محفل ملی در باره سال مقدس صحبت کرد . برنامه روز شنبه با خوش آمد به افراد عالیرتبه مائوری شروع شد و سپس يك فرش ایرانی و تصویری از عقاب به خانم کاآهو اهدا گردید .

یکی از برنامه ها سرودهای بهائی برای کودکان بود همچنین نطقی در باره زندگی حضرت بهاء الله . عصر همان روز ضیافت شام برگزار گردید که در آن جناب آنتونی ووی کویک Anthony Voykovic عضو هیئت مشاورین قاره ای و جناب ایری اسمیت Iri Smith در مورد عهد و میثاق صحبت کردند و سپس موزیک و رقص تاپاسی از شب ادامه داشت .

کتاب بهاء الله به خانم کا آهو اهداء گردید . معزی لها پس از دریافت کتاب اظهار داشت « چقدر برای من مسرت آمیز است که می بینم اعتقادات من مطابق چیزهائی است که بهائیان اجراء میکنند » و همچنین گفت که « اعتقاد به وحدت در کثرت دارد که بهائیان نیز معتقد بآن میباشند » و قبل از « راروتونگا » در جشن هنری منطقه اقیانوس آرام

پلاکاردی را که روی آن « وحدت در کثرت » نوشته شده و بوسیله بهائیان بنمایش گذاشته شده بود دیده است . خانم کا آهو در مورد کنفرانس نیز که در ریودوژانیرو بر پا شده بود گفت که این کنفرانس و همچنین فرستادن خاک کشورهای مختلف برای بنای صلح او را بشدت تحت تاثیر قرار داده است و اضافه کرد که بسیاری از مانوری ها بهائی هستند . در خاتمه خانم کا آهو يك پاروی کنده کاری شده چوبی بعنوان هدیه تقدیم جامعه امر کرد و گفت که این پارو برای کمک به جلو رفتن در این دریای طوفانی است و سپس از اعضای محفل ملی نیوزیلند و بقیه احباء شرکت کننده خواست که به اطاق کنفرانس او رفته و با او چای صرف کنند .

پاناما :

اجبا در روز بین المللی ادیان در شهر پاناما  
رژه میروند:

محفل روحانی شهر « روبرتو دوران » ( Roberto Duran ) در روز ۱۷ ژانویه بمناسبت روز بین المللی ادیان رژه ای ترتیب داد . تعداد پنجاه نفر از احباء باخواندن آوازه های امری تقریباً هفت کیلومتر رژه رفتند و در بین راه بین مردم جزوه های مربوط به امر را پخش کردند . احباء پیراهن هائی پوشیده بودند که در جلوی آن کلمه « بهائی » و در پشت آن « يك نژاد ، يك مذهب » به زبان اسپانیولی چاپ شده بود . کامیون رادیو بهائی که در روی آن جمله های ( امر بهائی ، روز بین المللی ادیان ، دین باید سبب الفت و محبت باشد ، بهاء الله )

نوشته شده بود در مسیر رژه روندگان حرکت میکرد .

پلیس با موتور سیکلت این جمع را مشایعت مینمود . این رژه در مشرق الاذکار پاناما پایان رسید . خبر این رژه در تلویزیون پخش گردید .

### اسلوونی و کروتیا

#### Slovenia and Croatia

اولین مدرسه زمستانه بهائی در اسلوونی و کروتیا در شهر « موزیرجه » ( Mozirje ) از ۱۹ تا ۲۱ فوریه تشکیل گردید . مسئولین مدرسه امیدوارند که این مدرسه پایه ای برای تأسیس دانشگاه بهائی در آینده باشد . تعداد ۱۸ نفر بهائی ، دو نفر غیر بهائی و ۷ نوجوان در این مدرسه شرکت کردند . جناب پائولو اسکارپا Paolo Scarpa عضو هیئت معاونت نیز جزو شرکت کنندگان بود . مواد مورد تدریس شامل عهد و میثاق ، روزه ، انتخابات بهائی و حیات بهائی بود .

#### سوئیس :

۲۱ کشور در سمینار اطلاعات شرکت میکنند:  
تأثیر انتشار کتاب مستطاب اقدس بر مردم دنیا ، موضوع بحث و گفتگوی سمیناری بود که در آکادمی لندگ سوئیس از تاریخ ۱۲ تا ۱۴ فوریه تشکیل گردید که در آن ۱۲۰ نفر از اعضای محافل ملی بهائی اروپا در سمینار شرکت کردند . داگلاس مارتین رئیس مرکز بین المللی اطلاعات در مورد اهمیت کتاب اقدس نطق مهمی ایراد کرد . قسمت دیگر سمینار گفتگو در مورد پخش اطلاعات

مربوط به امر ، هنر تبلیغ ، رابطه با مطبوعات و دولت و اشکالات تبلیغ در روسیه شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی بود . سپس از طرف هیئت مشاورین قاره ای اروپا، مرکز بین المللی سمعی و بصری بهائی یکسال آبونمان مجانی اخبار بهائی به محافل ملی آلبانی ، بلغارستان ، چکسلواکی ، مجارستان ، لهستان ، آذربایجان ، روسیه ، جورجیا ، ارمنستان ، آسیای مرکزی ، ایالت بالتیک ، اکراین ، بلد روس و مولدوا اهداء گردید . بعلاوه از طرف محفل ملی اطیش جناب کلاوس لیت شینگر بهریک از محافل ذکر شده يك حلقه فیلم " زندانی عکا " را که شخصاً تهیه کرده بود تقدیم داشت که در امر تبلیغ از آن استفاده کنند .

#### ترکیه :

وزیر داخله ترکیه روز بین المللی ادیان را به

جامعه بهائی تبریک میگوید :

روز ۱۴ فوریه مجلس جشنی از طرف لجنه سال مقدس با همکاری محفل روحانی کارتال در هتل شرایتون برگزار گردید . جناب ایلمان سرگین عضو هیئت مشاورین قاره ای ناطق اصلی جلسه بود که با استفاده ازالواح و آثار طلعات مقدسه در مورد اتحاد ادیان صحبت کرده و نمایندگان ادیان دیگر نیز مطالبی بیان داشتند و سپس گروه کُر کودکان آهنگ هائی اجراء نمودند . وزیر داخله ترکیه و شهردار آنکارا تلگرافهای تبریکی باین مناسبت برای محفل فرستادند .

#### آمریکا :

اجتماع جامعه بهائی بیادبود دکتر مارتین لوتر

#### کینگ:

جامعه بهائی جرجیا ( Georgia ) مراسمی بیاد بود دکتر لوتر کینگ بر پا نمودند که در این مراسم قریب ۱۵۰۰۰۰ نفر شرکت کردند . منشی محفل ملی آمریکا در مورد اهمیت اتحاد نژادها در امر بهائی و راجع به وحدت نوع بشر صحبت کرد .

نماینده بهائی در جلسه پذیرائی رئیس جمهور

آمریکا شرکت میکند :

در جلسه پذیرائی رئیس جمهور که بیاد بود مارتین لوتر کینگ در هتل " پیچ تری " برگزار شده بود جناب ماریون هچ ( Marion Hatch ) و چند نفر بهائی دیگر شرکت کردند . جناب دیوید هافمن بنمایندگی بهائیان کتاب انتخاباتی از آثار حضرت بهاء الله را به خانم لوتر کینگ اهدا کرد .

اقدامات تبلیغی جناب دیوید هافمن :

جناب دیوید هافمن از ۱۱ تا ۲۱ ژانویه بمنظور تبلیغ امر به شهر آتلانتا رفته و مجالس تبلیغی ترتیب دادند . در یکی از این جلسات دویست نفر غیر بهائی حضور یافته که منجر به اقبال دو نفر به امر مبارک شد . همچنین جناب هافمن در ضیافت ناهاری که محفل ملی ترتیب داده بود شرکت کرده و نطقی تحت عنوان تجدید تمدن ایراد کردند .

## زئیر :

### جشن موسیقی برای جوانان :

از طرف لجنه پیشرفت و توسعه در سنه مقدس ، دومین جشن موسیقی برای جوانان از اول تا سوم ژانویه منعقد گردید . موضوع این جشن حضرت عبدالبهاء و عهد و میثاق بود . بیش از ۲۷۰۰ نفر از جنوب و شمال زئیر در این جشن شرکت کردند و تعدادی از احباء ، پنج تا شش روز پیاده راه رفتند تا به محل جشن رسیدند . این برنامه در فضای باز اجراء گردید و بیشتر شرکت کنندگان نوجوان بودند .

## آلمان :

مدیر کل سازمان ملل متحد هنگامی که رسماً بدیدار شهر بُن رفته بود در جلسه ای که قریب ۶۰۰ نفر از اولیای امور ، مقامات دولتی ، سفرا و اعضاء پارلمان ، نمایندگان سازمانهای دولتی و غیر دولتی و خبرنگاران حضور داشتند نطقی در مورد اتحاد بشر ایراد کرد و رئیس و منشی محفل ملی آلمان را بعنوان نمایندگان جامعه بهائی معرفی نمود .

### در مدرسه زمستانه آلمان دو جوان در ظلّ امر

#### وارد میشوند :

در ژانویه امسال ۲۰۰ نفر در مدرسه زمستانه بهائی که در شهر نیومونستر ( Neumunster ) تشکیل شده بود شرکت کردند . برنامه مدرسه تماماً به شرح حیات و تعالیم حضرت بهاء الله اختصاص یافته بود . مشاور قاره ای جناب فواد کاظم زاده در این مدرسه دوستان را تشویق مینمود که خود

را برای دوره تحوّل جامعه بهائی که با طبع و انتشار کتاب مستطاب اقدس شروع خواهد شد آماده کنند.

در این مدرسه دو جوان ایمان خود را بامر اظهار داشتند .

و نیز کتابی در حدود ۹۰ صفحه که عنوان آن « اتحاد در تنوع . مذاهب عالم در برلن » میباشد جدیداً توسط سنای برلین طبع شده است . در فصل مخصوصی از این کتاب آئین بهائی بعنوان یکی از نه مذهب بزرگ عالم که دارای پیروانی در ۱۶۰ کشور دنیا میباشد شرح داده شده . در روی جلد کتاب نیز ستاره نه پر نقاشی شده است .

مقصود از طبع و نشر این کتاب ایجاد حسن تفاهم بین ملل و مذاهب مختلف است . از این کتاب تا بحال ۲۵۰۰۰ نسخه چاپ شده است .

### مدرسه زمستانه بهائی در برمودا :

مدرسه زمستانه بهائی برمودا از ۱۵ تا ۱۷ ژانویه در حظیرة القدس ملی بهائی برمودا تشکیل گردید . جناب عزیز یزدی و همسرشان مهمان مخصوص این مدرسه بودند و صحبت های جناب یزدی الهام بخش حاضرین در این مدرسه گشت .

### افتتاح اولین حظیرة القدس بهائی در لهستان :

روز ۲۳ ژانویه بهائیان پزنان ( Poznan ) بهمراهی اعضای محفل ملی و يك عضو هیئت معاونت و بهائیان شهرهای نزدیک برای افتتاح اولین حظیرة القدس در لهستان جمع شدند . دیوارهای حظیرة القدس مزین به « یابهی الاهی » و الواح حضرت

کنفرانس	کنفانس	۲۱	۱۵
طرح	طرحه	۱۱	۱۶

در صفحه ۵۸ ستون سمت راست و سمت چپ  
جابجا شده است .

\*\*\*\*\*

### « عندلیب »

نشریه محفل روحانی ملی بهائیان کانادا  
بزبان فارسی  
سال دوازدهم  
سالیانه چهار شماره

حق اشتراك برای کانادا ۴۰ دلار کانادایی و سایر  
کشورها ۴۰ دلار آمریکایی .  
نحوه پرداخت : در کانادا و آمریکا چك بانکی و  
شخصی و در سایر کشورها فقط چك بانکی  
( Money order ) یا حواله بانکی .

آدرس برای پرداخت :

ANDALB  
7200 LESLIE STREET.  
TORONTO . ON. CANADA L3T 6L8  
Fax: (416) 889 - 8184  
Tel: (416) 889 - 8168

متمنی است در تقاضای اشتراك نام و نام خانوادگی  
و آدرس کامل خود را بطور خوانا مرقوم فرمائید.

بهاء الله وعکسهای مشارق الاذکار در سرتاسر دنیا بود .  
رئیس محفل ملی به حاضرین خوش آمد گفت و  
نطق کوتاهی راجع به امر بهائی و اهمیت آن ایراد  
کرد . برنامه با تلاوت مناجات و قرائت آثار مبارک با  
موسیقی خاتمه یافت .

تلویزیون محلی این واقعه را نشان داد رادیو خبر  
آنها منتشر نمود و همچنین جراید محلی در مورد  
آن واقعه مطالبی نوشتند .

### سازمان ملل متحد اعدام بهائیان را در ایران تقبیح میکند :

اعضاء محفل ملی نیکارا گوا که برای شرکت در  
کنگره جهانی بهائی به نیویورک رفته بودند با دکتر  
رابرتو مایورگا نماینده نیکاراگوا در سازمان ملل  
متحد ملاقات کرده و در مورد نقض حقوق بشر و  
اعدام بهائیان در ایران با او مذاکره کردند و او را  
در جریان امر قرار دادند . در نتیجه این ملاقات  
يك جریده آمریکایی مقاله ای منتشر کرد که  
عبارت آن ( سازمان ملل متحد اعدام بهائیان را در  
ایران تقبیح میکند ) بود .

\*\*\*\*\*

تقاضا داریم اشتباهات زیر در مجله شماره ۴۵  
اصلاح فرمائید :

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۴	۲	ور	شور
۱۴	۹	قذریب	قریب
۱۵	۱۰	موفق	مشوق
۱۵	۱۱	وحانی	روحانی

# اخبار مَصَوِّر

ایادی امرالله جناب فروتن بعنوان نماینده بیت العدل اعظم در اولین کانونشن ملی ایالات بالتیک که در تالین استونیا در رضوان ۹۲ منعقد گردید شرکت نمودند . در این عکس اعضاء منتخبه اولین محفل روحانی ملی ایالات بالتیک به اتفاق جناب فروتن دیده میشوند .



مهارهای کوچک برای نصب در گودالهایی که در مقرّ ساختمان دارالتبلیغ حفر گردیده آماده میشوند. بعد از نصب ، مهارها با بتون پر شده به تقویت دیوار حفاظتی پشت ساختمان کمک خواهند کرد .



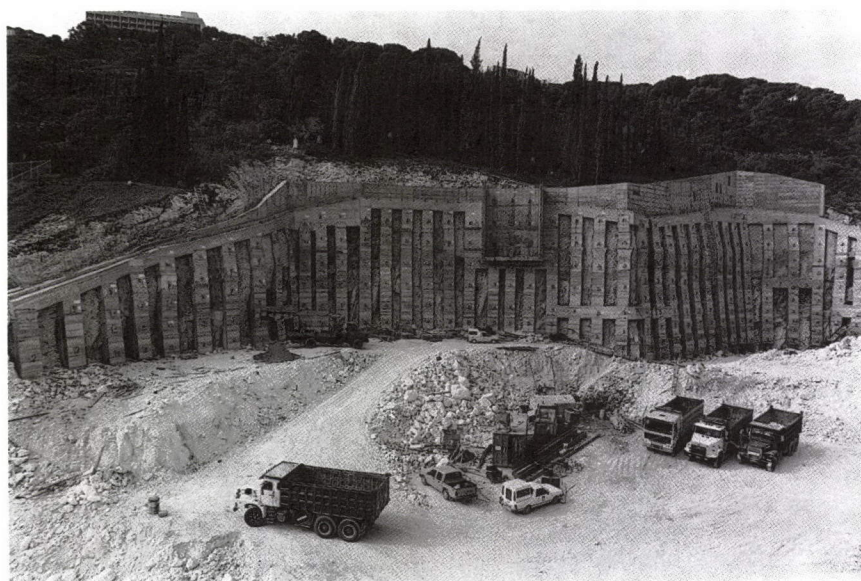
احبابی محلی موبامبیرو نزدیک گوما واقع در ایالت کیو ( Kivo ) در زئیر ، هر روز یکشنبه جلساتی ترتیب میدهند که در طول آن احبا از آیات و ادعیه مبارکه تلاوت کرده و به اتفاق در جنبه های مختلف امری تزئید معلومات شرکت میکنند .



احبابی آلمان در تظاهراتی که در ۸ نوامبر در برلین برای ترویج همبستگی نژادی و فرهنگی « توسط پرزیدنت فدرال ترتیب داده شده بود شرکت نمودند . بر روی یکی از پرده هایی که احباً حمل می کردند جمله « عالم يك وطن محسوب : حضرت بهاء الله » بچشم میخورد .



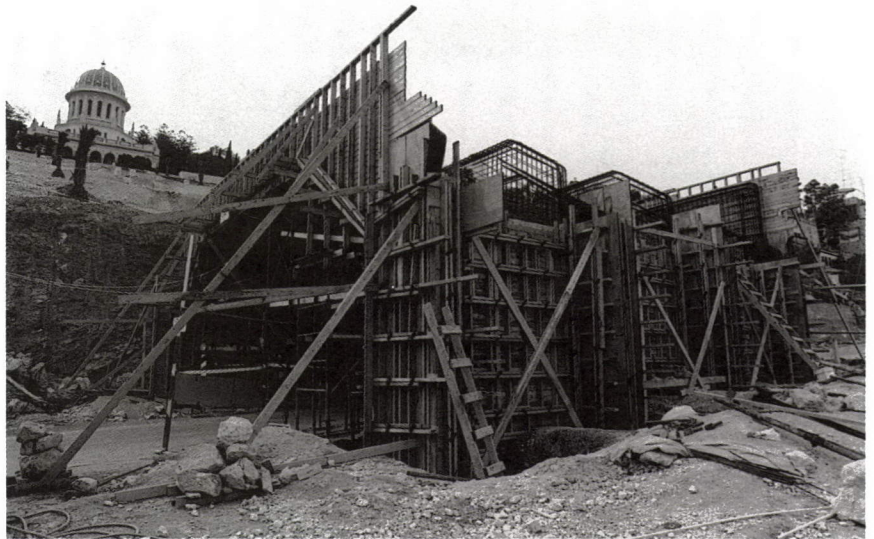
خبر يك اقدام متفكرانه احبابی پونیت نور در کنگو برای نظافت يك منطقه از سواحل وایلد کوست ( Wild Coast ) در شبکه رادیوی سراسری مملکت پخش شد . در این اقدام نسوان ، جوانان و اعضاء لجنه های تبلیغ شرکت نموده بودند .



در این عکس که در تاریخ ۱۲ نوامبر گرفته شده بنای تقریباً کامل دیوار حفاظتی واقع در پشت مقام دارالتحقیق دیده میشود . جهت حفاظت بنا ، متجاوز از سیصد مهار سنگی که به سینۀ کوه فرو رفته جهت تقویت این دیوار استفاده شده است .



در محلّ بنای دارالتحقیق دوازده ردیف مهارهای  
سنگی دیوار حفاظی را تقویت میکند . این عکس  
که در تاریخ ۱۲ نوامبر گرفته شده دیوار را که  
بارتفاع ۲۸ متری رسیده نشان میدهد .



پی ریزی و بنای مجّدد پل مشرف به خیابان  
عبّاس طبق برنامه قبلی در حال پیشروی است . پل  
قبلی توسط حضرت ولیّ امرالله و بمنظور وصل کردن  
تراس های تحتانی مقام اعلی بنا گردیده بود . پل  
جدید عریض تر و طولانی تر از پل قدیم خواهد  
بود .



سمینار پیشه وران جوان از ۲۷ دسامبر ۹۲ تا ۲  
ژانویه ۹۳ در آکادمی لاندگ واقع در سونیس منعقد  
گردید . موضوع این گرد هم آیی که با شرکت  
متجاوز از یکصد نفر جوان از ۲۲ مملکت مختلف  
صورت گرفت " اصول اخلاقی برای یک جامعه جهانی"  
تعیین گردیده بود .



مجمع بهائی ایالت کرالا ( Kerala ) در هندوستان  
یک برنامه پیاده روی بنام " راه پیمایی بهائی برای  
وحدت " ترتیب داده که از ۶ سپتامبر ۹۲ شروع و  
تا ۲۱ مارچ ۹۳ ادامه داشته و تمام ایالت کرالا را در  
بر خواهد گرفت . منظور از این راه پیمایی تشهیر  
نام حضرت بهاء الله در کرالا و با موفقیت زیادی  
توأم بوده .



فعالیت‌های خاکبرداری برای تراس های تحتانی مقام  
ادامه دارد . در این عکس که در تاریخ ۱۸ فوریه  
برداشته شده پایه های پلکان مسیر ملوک ( پائین  
خیابان عباس ) دیده میشوند .



هیجده نفر از احبابی کامرون در روز ۱۲ جون ۲۰۰  
نهال درخت در استیشن هیل واقع در بامندا  
( Bamenda ) بمناسبت روز جهانی محیط زیست  
غرس نمودند . این نهال ها توسط شهرداری محل  
اهدا گردیده بود .

فَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برگ تقاضای اشتراك  
مجله پیام بدیع

نام و نام خانوادگی: Name:

نشانی پستی: Address:

---

---

اشترك سالانه ۲۵ دلار برای امریکا و کانادا و دیگر کشورها ۳۵ دلار  
یکسال ( ) دو سال ( ) هدیه ( )

وجه ضمیمه: \_\_\_\_\_ دلار

نام و نشانی شخصی که باید مجلات بعنوان هدیه برای او فرستاده شود:

---

---

لطفاً چک را بنام Baha'i National Fund صادر نموده به آدرس زیر  
بفرستید:

Dr. Talat Bassari

P.O.Box 698

Clifton, NJ 07012

تمنی می‌شود تغییر آدرس را فوراً اطلاع دهید.

# ‘ANDALÍB

